

۲۵۰ روز از استانداری
مقتدایی گذشت

برخاستن راست از دنده چپ

ساز ناکوک اصلاح طلبان
و اصول گرایان برای مقتدایی



سید شریف حسینی نماینده اهواز:



باید از تک محوری
خارج شویم

سید شکرخدا موسوی نماینده اهواز:



بگذارید مقتدایی
کار خوش را بکند

با نوشتارهایی از:

دکتر کیانوش راد - دکتر مخبر دزفولی - سید موسی بلادیان - سید رسول موسوی - دکتر منصور زرنژاد - جهانمیر پیش بین - عبدالرحمن نیک سرشت - محمد مالی - سید غلامرضا شریفی - محمد رضا ایزدی - هومن محمد کرمی - حجت الاسلام فیاضی - غلامرضا نجفی - سولاری - امید زمانی - داریوش معمار - عبدالرحیم سوارنژاد - روزبه کردونی و ...

بی‌توجهی به حادثه‌های است که آتش آن فروکش نکرده است

چرا کسی در ماجرای کشتار رامهرمز به فکر میانجی‌گری نبود؟



مهرنوش عزیز

روزنامه نگار

گسترده در فرهنگ مردم، هنوز بسیاری از اقوام، عقایدی مانند انتقام شخصی و نه قتلانوی را راه حل برطرف کردن مشکلات می‌دانند، نکته‌ای است که نیازمند بررسی و موشکافی دقیق‌تر و وسیع‌تر توسط رسانه‌ها و فرهنگ‌سازان کشور دارد اما عجیب‌تر و تأسف‌بارتر از آن، بی‌توجهی مسئولان به حادثه‌های است که هنوز آتش آن فروکش نکرده و هر لحظه ممکن است، دامن فرد، خانواده و قبیله دیگری را هم بگیرد.

مدتی است برخی رسانه‌ها با همراهی تعدادی از مسئولان، موجی امیدبخش برای جلب رضایت محکومان به اعدام راه انداخته‌اند تا اینگونه فرهنگ بخشش را در جامعه گسترش دهند هرچند که این اقدام ضعیف‌هایی چون هججه‌های گاه و بیگاه به خانواده قربانیان و حتی دفاع بی‌جا و نامناسب از برخی قاتلان، بیشتر دل خانواده قربانیان را آزرده است و امیدها برای اعلام رضایت را هم کم‌رنگ کرده است اما انتظاری که از این رسانه‌ها و مسئولان دولتی مخصوصاً رئیس سازمان محیط زیست که در این راه، بسیار پیش قدم بوده است، این بود که درباره این ماجرا نیز با پیش گذاشته و نه برای جلب رضایت خانواده قربانیان بلکه برای میانجیگری و جلوگیری از بروز حوادث بیشتر هم اقداماتی انجام می‌دادند. اقدام مسئولان قضایی، انتظامی و ریش‌سفیدان طوایف و حتی رسانه‌ها برای حل این مشکل ضروری است؛ کسانی که تا چند ماه قبل با استفاده از انواع و اقسام رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای نجات سربازان ربوده شده مرزبان تلاش کردند و قطعاً این تلاش در تحریک مسئولان برای پیگیری بیشتر تأثیرگذار بود (هرچند موضوع گروه‌های دانایی‌فر و شایعات پنهانگویی وی، برخی معادلات را برهم زد)، امروز هم باید آستین‌ها را بالا زده و برای حل این مشکل که از یک منظر ناگوارتر از ربودن سربازان و آن‌هم ریختن خون ۷ انسان بوده است، تلاش کنند.

حادثه به ۷ نفر رسید. علت اصلی این حادثه دلخراش، اختلاف بر سر ملکی ۶۱ متری است که براساس برخی شنیده‌ها حتی این میزان کمتر بوده و در اصل تصرف ۱۴ متری، دلیل این اختلاف چند ساله شده است؛ اما روی دیگر این حادثه، فرهنگ ناپسند انتقام‌جویی خودسرانه در برخی استان‌های ایران است که در این حادثه نیز همچنان شرایط را مستعد بروز حوادث خونین دیگری نگه داشته است و اگر مسئولان قضایی، انتظامی و دیگر افراد مرتبط برای میانجی‌گری و رسیدگی فوری به پرونده وارد عمل نشوند، چه بسا خون‌های بیشتری از بین برده‌های این پرونده روی زمین ریخته شود.

پس از وقوع این حادثه، خانواده عاملان آن، از ترس اینکه میباید مورد خشم و غضب و انتقام‌جویی خانواده قربانیان قرار بگیرند، هریک به شهری دیگر گریخته‌اند و در اخبار آمده بود که برادر بزرگ آنها نیز با در دست داشتن برخی اسناد و البته فیلمی که عاملان حادثه در آن جزئیات و انگیزه خود را بیان کرده بودند، به تهران آمده و از مسئولان قضایی و انتظامی، ضمن درخواست تأمین امنیت جانی خود و خانواده‌اش، خواست که هرچه زودتر با رسیدگی فوری به پرونده، از بروز اختلاف، درگیری و حتی خون‌ریزی‌های بیشتر جلوگیری کنند.

شنیده‌ها حاکی از این است که برخی خانواده‌های مقتولان این حادثه، همچنان به دنبال انتقام‌گیری شخصی و نه قانونی از عاملان این حادثه هستند. نکته قابل تأمل و تأسف دیگر در این حادثه این است که با وجود گذشت ۲ هفته از وقوع این حادثه، هنوز جسد ۲ عامل اصلی این حادثه دفن نشده‌اند. گویا به دلیل ناامن بودن فضا و احتمال بروز درگیری بین خانواده‌های طرفین، هنوز مجوز دفن اجساد صادر نشده و حتی از دفن اجساد در شهری غیر از رامهرمز نیز جلوگیری شده است. اینکه چرا با وجود تغییر و تحول

در حالی که برخی چهره‌های سیاسی و هنری مدتی است به دنبال جلب رضایت خانواده مقتولان در حادثه‌های مختلف هستند، در ماجرای کشته شدن ۷ نفر در رامهرمز احتمال درگیری‌های بیشتر، سکوت کرده و به فکر میانجیگری نیستند.

مردی که از حدود ۳ سال قبل در رامهرمز درگیر اختلاف ملکی با یکی از همسایگان خود بود، ناگهان از درگیری شدید دو تن از برادران خود با طرف اختلاف باخبر شد و وقتی خود را به محل حادثه که خانه پدری آنها بود رساند، با جنایت هولناک روبرو شد.

برادران آرش، در اقدامی عجیب پس از تهیه اسلحه و تعداد زیادی فشنگ جنگی، به محل حادثه رفته و ضمن به قتل رساندن ۳ نفر از مرتبطان این پرونده اختلاف ملکی، ۲ فرد بی‌گناهی را هم که در آنجا حضور داشتند، به قتل رسانده و متواری شدند. مأموران نیروی انتظامی هم که از وقوع این حادثه باخبر شده بودند، پس از شناسایی عاملان حادثه، در جریان تعقیب و گریز، این دو برادر نیز به قتل رسیدند و تعداد کشته‌های این

وقتی استرداد کار دست مقتدایی می‌دهد

تحلیلی بر کشتار در رامهرمز

یک تهدید بحران آفرین



بهزاد شیخی: حادثه اخیر رامهرمز و کشته شدن تعدادی از افراد درگیر و مردد بی‌گناه در این ماجرا، یک بار دیگر نشان داد که وجود سلاح‌های گرم در شهرها و روستاهای استان، یک تهدید همیشگی برای امنیت عمومی مردم این منطقه است. اگرچه تاکنون آمار درست و دقیقی از تعداد

سلاح‌های گرم و غیرمجازی که در استان وجود دارد، ارائه نشده است اما گمانه زنی‌های افراد آگاه در این موضوع، حجم سلاح‌های گرم در استان را رقمی بین ۲۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار قبضه برآورد می‌کنند. بافت عشیره‌ای و همچنان فعال که از نقاط شمالی تا جنوب و از غرب تا شرق استان گسترش دارد و نیز شیوه حل و فصل محلی در دعا و منازعات، از عوامل مهم رویکرد مردم در نگهداری سلاح گرم است. با آنکه در طول دو دهه گذشته اهتمام ویژه‌ای برای جمع‌آوری سلاح‌های گرم در استان صورت گرفته و حتی منجر به صدور فتوای مذهبی نیز گردیده است، اما داشتن سلاح در این استان همچنان توجیهات خاص خود را دارد. در اواسط دهه ۷۰ که نیروی انتظامی خوزستان در یک طرح ضربتی، اقدام به جمع‌آوری سلاح‌های گرم نمود، گزارش‌های غیر رسمی به وجود ۱۵۰ هزار اسلحه گرم در خوزستان ادعا داشت که کشف و ضبط این تعداد نیاز به یک اهتمام ملی در این موضوع بود. بدون شک زمینه‌های فرهنگی، تعبیر و تفسیر عامه مردم از امنیت عمومی و لوازمات آن، نقش و کارکرد حکومت، نیروهای قضایی و انتظامی در روابط و مناسبات مردم و سرانجام سطح پذیرش جامعه مدنی و الزامات آن از سوی مردم استان از مهم‌ترین عوامل در این موضوع است و تا چنین عواملی به طور فعال در جهت تسلیح عمومی نقش ایفا می‌کنند، سطح تهدید در خوزستان همچنان نگران‌کننده و بحران‌آفرین باقی خواهند ماند.



رهگیری و جست‌وجو کرد. اولین مورد محتمل این است که در رابطه با زمین مورد نزاع حق با برادران مهاجم بوده اما به هر دلیل مورد تایید نهایی محکمه صالحه قرار نگرفته باشد. در این فرض و به منظور حل چالش مورد بحث دو راهکار وجود دارد. یکی راهکار فوری و مقطعی و دیگری راهکار جامع و پایه‌ای است.

راهکار نخست این است که پرونده حقوقی مربوطه از سوی بازرس ویژه قضایی مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار بگیرد و چنانچه با موارد خلاف قانون یا وجود تخلفاتی در مراحل دادرسی یا عدم صحت روند رسیدگی مواجه شدند مطابق قانون و با دقت و سرعت و قاطعیت با خاطیان برخورد کرده و ضمن اعلام و انتشار مطلب در راستای جبران مافات و تقویت اعتمادسازی به دستگاه قضا و حفظ جایگاه رفیع و اعتدالی نهاد دادخواهی و دادرسی اقدام کنند. راهکار دوم اینکه با اصلاح و تنقیح قوانین ماهوی و شکلی موجود، گسترش نظارت عالی قضایی، بهبود وضعیت آموزشی و علمی و گزینش دادرسان و تقویت پلیس علمی، بروز موارد مشابه در آینده را غیرممکن یا به سطح حداقلی کاهش دهند.

دومین مورد محتمل این است که رای صادره بر اساس حقیقت عالم ثبوتی بوده و دقیقاً منطبق با بی‌حقی برادران ضارب باشد.

در فرض اخیر باید برای کشف انگیزه و سپس حل معضل پیش آمده از نظرات علمی و پژوهشی متخصصان جامعه‌شناسی و روانشناختی بهره‌گیری و از آنها درخواست کرد به صورت جدی و پس از کشف پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، فردی و خانوادگی و البته بازم به مدد کارشناسان حقوقی و قضایی رهیافت‌های کافی و لازم و ضروری را ارایه کرد. مسلماً در این خصوص نمی‌توان و نباید از وظایف و اختیارات مسوولان قوای سه‌گانه غافل بود.

۳ ذکر دو نکته جانبی نیز در خصوص این موضوع لازم است. یکی اینکه نحوه اقدام و برخورد نیروی محترم انتظامی با ضاربان مورد بررسی قرار بگیرد و ضرورت حذف آنها در زمان دستگیری سنجیده شود. دیگر اینکه عوامل و اسباب اقدامات خودسرانه کلیه افرادی که در حیطه‌های مختلف خصوصی یا عمومی خود را محقق دانسته و اقدامات خودسرانه را به اقدامات قانونی و منطقی ترجیح می‌دهند شناخته و راه‌های حل یا رفع آنها نیز بررسی شود زیرا در بدیهی بودن تأثیر عوامل مذکور، فارغ از انگیزه یا نتیجه اعمال مربوطه هیچ تردیدی نیست.

۴ آنچه رخ داده و متأسفانه مسبوق به سابقه مشابه نیز بوده در خوشبینانه‌ترین نگاه حداقل منجر به قتل هفت نفر شده بنابراین شایسته است با بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری از کنار وقایع اینچنینی رد نشد و فکری به منظور اصلاح و اعتدالی جامعه اندیشید و کاری کرد زیرا رابطه بین افراد و جامعه متقابل بوده و یک‌سویه نیست و بر همین اساس است که سود و زیاد بین آنها نیز متقابل و متاثر از یکدیگر است.



فرشید رفوگران

وکیل دادگستری

هفت کشته، پایان تلخی بر اختلافات ملکی اصحاب پرونده‌های حقوقی بود. موضوع این پرونده قطعه‌ای زمین به مساحت ۶۱ مترمربع واقع در شهرستان رامهرمز اعلام شده است. این خبر تا سانس‌انگیز یادآور اتفاقات متعدد و مشابه در سال‌های اخیر و در نقاط مختلف کشور است که برای نمونه می‌توان به قتل ۱۱ نفر توسط مردی مهاجم اشاره کرد که چندسال قبل در یکی از باغ‌های جهرم به وقوع پیوست.

مسلماً وقوع جنایاتی نظیر آنچه در رامهرمز رخ داده سبب ورود آسیب‌های عمیق و جدی به حوزه‌های مهم امنیتی، فرهنگی و سلامت روانی جامعه می‌شود و هزینه‌های سنگین و غیرقابل جبران را در ابعاد مختلف حقوقی و قضایی و انتظامی به وجود می‌آورد. در این راستا باید به چند نکته اشاره کرد:

۱ یکی از اهداف متعالی دین مبین اسلام که در قالب اصول و قواعد دقیق شرعی و قضایی تشریح شده و تبلور یافته است انسداد باب اقدامات خودسرانه و انتقام‌جویی شخصی و خارج از موازین مقرر است. در تاریخ جاهلیت پیش از اسلام آمده است که بعضاً به دلیل وقوع اختلافات جزئی بین افراد یا قبایل گوناگون کشتار و نزاع‌های عجیب و دامنه‌داری شکل می‌گرفت و منجر به قتل افراد زیادی می‌شد.

اینگونه بود که شارع مقدس ضمن وضع مقررات خاص و دقیق حقوقی و قضایی از یک سو همگان را برای دادخواهی، کسب حق و اجرای عدالت به دوری و محکمه هدایت کرد و از هر نوع اقدام خودسرانه منع فرمود و از سوی دیگر با وضع قواعد دقیق و سختگیرانه در خصوص داوری مطلوب و تربیت قضات عادل، منصف و آگاه و مجازات شدید دادرسان خاطی زمینه را برای جلب اعتماد عمومی به سیستم دادرسی و نهایتاً اصلاح جامعه و احقاق حق و نیل به عدالت و انصاف فراهم کرد. بنابراین حوادث در شرایط زمانی و مکانی و تقنینی حاضر جای شگفتی و محل تأسف و تأمل است.

۲ نکته کلیدی و مهم حادثه اخیر این است که دو برادر ضارب قبل از انتقام‌جویی و کشتن پنج انسان بی‌گناه برای اثبات حق مورد ادعای خود به دستگاه قضایی و راهکار دادرسی متوسل شدند اما هنگامی که با رای قطعی دادگاه مبنی بر رد ادعای خود مواجه شدند تصمیم به انتقام‌جویی گرفتند. انگیزه چنین حادثه‌ای را حداقل می‌توان در دو مورد

سارا ممبینی : هر وقت به راهروی اساتید گروه زیست شناسی دانشکده ی علوم دانشگاه شهید چمران اهواز قدم می گذارم، نمی توانم بدون عرض ادب به خانم دکتر مهناز کسمتی آنجا را ترک کنم . حضورش در اتاقش و در کلاس های درس و دانشکده برایم پر از خاطره است. خاطره هایی لبریز از آرامش و راستی و امنیت است ؛ خاطره هایی پر از شکوه علمی و معنوی و اخلاقی یک زن. دکتر مهناز کسمتی دکترای فیزیولوژی انسانی دارد و از سال ۶۸ به عضویت هیئت علمی دانشگاه چمران اهواز در آمد و تاکنون در امر آموزش و پژوهش مشغول فعالیت است. وی عضو اولین دوره ی شوراهای اسلامی شهر اهواز بود و در این دوران برای اولین بار در تاریخ ایران پس از انقلاب، به عنوان اولین نیروی زن به عنوان معاون دانشجویی دانشگاه، انتخاب شد؛ امری که پس از آن علی رغم وجود بانوان فرهیخته و مقتدر علمی و اجرایی، از سوی مدیریت های دانشگاه مورد بی مهری واقع شد. دکتر مهناز کسمتی همچنین تنها موزه علم و طبیعت دانشگاه را طی چندین سال کار و تلاش مداوم راه اندازی کرد و راه اندازی این مجموعه ی زیبا ، ارزشمند و دیدنی را مرهون حمایت های معنوی ریاست وقت دانشگاه آقای دکتر مسعود صفایی مقدم می داند. موزه ی علم و طبیعت دانشگاه شهید چمران اهواز در حال حاضر روزانه پذیرای صدها دانشجو و دانش آموز از سراسر استان خوزستان می باشد.

◇ خانم دکتر! به عنوان اولین سوال با توجه به سابقه ی فعالیت هایبتان،

می خواهیم بدانم آیا قصد برگشت به فعالیت های سیاسی را دارید ؟

من خود را از بچه های انقلاب می دانم. امام رحمه الله علیه در آموزه های انقلابی خود به ما آموخت که سیاست جدای از دیانت نیست. بدیهی است دیدگاه و رویکرد سیاسی مطابق با باورهای دینی در هر شخصی شکل می گیرد و متناسب با آن فعالیت می کند اما چیزی که من را می آزارد اینست که شاهد تکرار تاریخ که همانا نشانه گرفتن اعتقادات دینی مردم از سوی سیاسیان در لباس زور و زر و تزویر می باشم. سیاست علم اداره امور جامعه و بر

دکتر مهناز کسمتی عضو هیات علمی دانشگاه

شهید چمران اهواز در گفت و گو با راوی ملت :

۸ سال فضای بسته

رقم دانشجویان

را گرفته است

ایشان از سوی مردم همین ادبیات همراه با منطق و اعتدال ایشان بوده است. در این فضای سیاسی رغبت مردم برای مشارکت توسعه بیشتری می یابد و مردم نقش بیشتری برای خود احساس می کنند البته این را بگویم که شاید سالها طول بکشد تا فضای نامطلوب قبل از ذهن مردم زوده شود.

◇ جایگاه و نقش زنان در سیاست ایران را چگونه می بینید؟

جایگاه کنونی زنان در سیاست بسیار کم رنگ و محدود به زمانهای رای گیری است. زنان نیمی از جامعه هستند و حق دارند به نسبت جمعیتشان در امری که مربوط به کل جامعه است سهیم و موثر باشند. اگر اکنون اینچنین نیست حق بزرگی از زنان ضایع شده است که مدیران جامعه باید پاسخگو باشند. اوضاع زنان افغانستان از این نظر بسیار بهتر از ماست و این در حالی است که بلندگوهای رسانه جمعی حقوق نداشته زنان ما را به رخ دیگران می کشد. برخی بانوان ما تحت تاثیر این تبلیغات قرار گرفته و حتی در مجلس نقش موثری از زنان مشاهده نمی شود. سالهاست که موضوعات مربوط به زنان در مجلس مطرح می شود ولی بسیاری از آنها لاینحل باقی مانده اند. بدیهی است هیچ مردی از منظر مرد بودن نمی تواند حقوق حقه زنان را استیفا نماید و این باور باید در زنان بوجود بیاید که فقط حضور موثر آنان در عرصه سیاست و مدیریت جامعه و نقش آفرینی قوی است که می تواند دستیابی به محلات را امکانپذیر سازد.

◇ چرا بعضی ها فکر می کنند به محض

اینکه زن از خانه خارج می شود عرش اخلاق و عفت عمومی خدشه دار می شود؟

من فکر می کنم اینگونه افراد زن را یک موجود تک بعدی و فقط به عنوان یک موجود ظریف و احساسی همراه با جاذبه های جنسی می بینند و جز از این منظر از او انتظار دیگری ندارند. متأسفانه بخش کوچکی از زنان ما بخاطر این انتظارات که به آنها مختلف و بشکل های گوناگون در جامعه مطرح می شود خود را در این نقش های محدود می پسندند و با رنگ و لعاب های نا شایست در جامعه ظاهر می شوند. بعضا متوجه نقشهای ارزشمند دیگر خود نیستند. زن از دیدگاه دینی و شریعت مانند مرد یک انسان مکلف و مسئول است و همانند مرد نیز باید با تلاش همه جانبه مراحل رشد و کمال را در همه ابعاد و متناسب با توانمندیهایش طی کند و در برابر خالقش پاسخگو باشد. اینکه از یک بعد به زن نگاه کنیم نه تنها توهین به او و ذات خلقت باریتعالی است بلکه جفا به

جامعه است. به عقیده من نگاه سنتی و متحجرانه به زن به همان نسبت به هویت او آسیب می رساند که نگاه تبلیغاتی مدرن امروز. دو نوع زنده بگوری است یکی به شیوه سنتی و یکی مدرن. وجود هر دو نگاه در هر جامعه ای زن را از مسیر طبیعی خودش خارج می کند بد نیست به معضلات بد جنایی و تمسک به جراحی های متعدد زیبایی که در جامعه ما و حتی در خانواده های سنتی رواج دارد اندکی توجه کنیم و فکر نکنیم که این موضوع فقط حاصل تبلیغات غربی است. اینها حاصل انتظارات نا معقول نظام فکری است که مرد را جنس برتر، قیم و مالک زن و زنان را کهنتر و مملوک می انگارند به همین خاطر می کوشد به زنان القا نماید که وظیفه تو فقط جلب رضای مالکت است و لاغیر لذا نتیجه این دیدگاه سد نمودن حضور این موجود در مدیریت بالای جامعه است.

بهر حال اگر این اعتقاد وجود دارد که نقش زن در خانه بی بدیل است و فضای خانواده را آرامتر، لطیف تر و محبت آمیزتر می کند و نبود او می تواند خسرنهایی را در کانون خانواده ایجاد نماید، پس جامعه که خانه بزرگتری است فقدان زن، به عنوان فردی که می تواند در ایجاد آرامش، تلطیف فضای جامعه و رفع خشونت نقش آفرینی کند، می تواند زیانهای زیادی ایجاد نماید. البته من اعتقاد دارم این بخشی کوچکی از نقش زن است.

◇ آقای روحانی در همایش ملی زنان نقش آفرین عرصه ی اقتصاد و فرهنگ گفت : " ما مردان را جنس اول نمی دانیم". نظر شما چیست ؟ آیا در

دولت جدید برای ارتقاء بیشتر زنان در عرصه های مختلف سیاسی- اجتماعی امید بیشتری هست ؟

صحت ایشان کاملا درست است آنچه که بنده از آموزه های دینی و در تجربه آموخته ام اینست که زن مکمل مرد است نه ملک او، مرد فقط در کنار زن آرام می گیرد و زن نیز. مرد بدون زن به کمال واقعی نمی رسد همچنانکه زن نمی رسد. پس جنس اول دومی در کار نیست هر جنس بدون دیگری ناقص است و هر جنس رفع کننده نیازهای دیگری است. اینکه پس از سالها مشابه کلمات امام رحمه الله علیه را می شنویم جای بسی خرسندی است. متأسفانه جایگاه زنان در دولت قبل بسیار تنزل کرد. لوابیحی به مجلس فرستاده شد که جایگاه زنان را نه تنها در جامعه که در خانه منزلزل کرد. فضای محدودی ایجاد شد که دختران ما حق نداشتند حتی رشته های مورد علاقه شان مانند حقوق را بخوانند، ملاک ورود به دانشگاه جنسیت بود نه هوش و ذکاوت. بهر حال باید از این فرصت طلایی حسن استفاده را بکنیم و خود زنان باید با حضور پر رنگتر در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی نقش آفرینی بیشتری داشته باشند.

◇ فعالیت یک زن روشنفکر ایرانی از نظر تاثیر گذاری در عرصه های

مختلف چه تفاوتی با زنان روشنفکر سایر جوامع دارد؟

من فکر می کنم زن روشنفکر ایرانی چندین برابر زنان سایر جوامع تلاش می کند تا تاثیر گذاری لازم را در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و ... داشته باشد اما موانع و سدهایی باعث می شود نمود کافی نداشته باشد لذا اغلب سرخورده از بی مهری هایی است که در جامعه بسته و مرد سالارما با آن روبرو است. بهر حال برای فائق آمدن بر این مشکل باید دیدگاه ها را با گامهای مداوم و سازمان یافته عوض نمود.

◇ فکر نمی کنید با توجه به مشکلی که در جشنواره ی کن برای لیلا

حاتمی به عنوان نماینده ی زن ایران پیش آمد . در آینده حضور زنان در عرصه های بین المللی با اشکال همراه باشد؟ شما این حساسیت ها را چگونه تحلیل می کنید؟

من شخصا دوست داشتم خانم لیلا حاتمی به عنوان زن مسلمان حدود اسلامی را بیشتر رعایت می کردند اما اینطور نشد. سوال اینجاست آیا ایشان به عمد اینکار را کردند و یا سهوا، آیا ایشان نمایندگی زنان ایران را داشتند و یا به عنوان یک هنرمند سینما شرکت داشتند؟ پاسخ به این سوالها هیچ چیزی را عوض نمی کند اتفاقی افتاده است و مشکلاتی که همواره پس از آن بوجود می آید باید این موضوع از منظر اجتماعی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. ببینید ما همیشه چشممان را بر روی یکسری واقعیات که در جامعه مان وجود دارد می بندیم و جامعه را فاقد تکثر از نظر باورهای دینی و اعتقادی می بینیم وقتی اتفاقی مشابه این موضوع رخ میدهد موج بد و بیراه و ناسز راه می افتد. چند روز بعد با عذر خواهی و و گاهی بگير و ببند موضوع فروکش می کند و مجددا چیز جدید دیگری مشابه آن اتفاق می افتد. برخی فکر میکنند با این روش می توانیم جامعه را اصلاح کنیم. باید بدانیم جامعه ما متشکل از طیف وسیعی از اعتقادات و باورهای دینی و غیر دینی است که همه تحت نام مردم ایران در کشور ایران زندگی می کنند. نباید فکر کنیم که همه ملزم به رعایت واجبات و مستحبات دین هستند و باید باشند و در هر جای دنیا اینگونه باشند و اگر اینگونه نباشد مهدورالدم هستند. لیلا حاتمی که مدعی نمایندگی زن مسلمان و مومن نیست که انتظار داشته باشیم همانچور که دوست داریم عمل کند. کم نیستند افرادی که در این نظام ادعای دین و دیانت می کنند و خلاف های بیشتر از اینها از آنها سر می زند و بارها مسکوت مانده اند. نوع برخورد با موضوعات اینچنینی از نظر فقهی و اجتماعی بیشتر باید مورد بررسی قرار گیرد تا ضمن برخوردهای سنجیده تر و موثر تر، حضور در عرصه های بین المللی دچار خدشه نشود.

◇ صحبتی که به عنوان حرف آخر دوست دارید مطرح شود چیست ؟

من به شدت اعتقاد دارم شرایط اجتماعی کنونی می طلبد که یک بازخوانی از موقعیت زن امروز داشته باشیم. بی توجهی به حقوق زنانی که بیش از ۶۰ درصد کرسی های دانشگاه را پر نموده اند و بخاطر این حضور وسیع بسیاری از پژوهش های بنیادی و کاربردی به دست آنها در حال انجام است، همچنین قابلیت های خود را در مراکز آموزشی و درمانی به منصف ظهور رسانده و این مراکز را بخوبی اداره می کنند می تواند یک بحران هویتی و روحی برای آنها ایجاد نماید. شاید می دانید که آمارهای موق نشان از رشد روز افزون اعتیاد و بیماری افسردگی در بین خانمهای ایرانی بویژه در شهرهای بزرگ دارد. نتیجه آن افزایش آمارهای طلاق و فرزندان حاصل از طلاق است که به عنوان یک چالش بزرگ اجتماعی روبروی جامعه قرار دارد. آیا هیچوقت به ذهن تصمیم گیرندگان جامعه خطور نکرده است که چرا اینچنین است. ما ادعاهای زیادی را از رسانه های عمومی می شنویم که شرایط زنان ما نسبت به جوامع دیگر بهتر است ولی واقعیت چیز دیگری است. اکنون کار مناسب برای یک زن تحصیل کرده وجود ندارد زیرا اکثر مراکز دولتی و نیمه دولتی مردان را جذب می کنند. در صورت عدم ازدواج تا کی می تواند سربار پدر و مادرش باشد. تازه زن امروز با تحصیلات بالا معمولا کفو خود را نمی یابد تا در کنار او آرام بگیرد یا مجبور است شرایط تحمیلی و نا مناسبی را برای ازدواج برگزیند و یا قید ازدواج را بزند لذا یک نوع سرخورده گی به دختران و زنان دست داده و برای دلمشغولی خود ممکن است به اعمالی نامتعارف دست زند. ضمنا هیچ تضمینی برای تامین مالی و بیمه برای زنان خانه دار ما در این شرایط اقتصادی از سوی همسر وجود ندارد اگر بنا به هر دلیلی از همسرش جدا شد آواره می شود. موارد زیادی برای مطرح کردن وجود دارد. باید بطور جدی آسیب شناسی زن و خانواده در دستور کار قرار دهیم. باید بطور واقعی نیمه جامعه را که خدا ی متعال تواناییهای بسیار عظیمه و منحصر بفردی در او قرار داده است ببینیم و دریابیم و او را از حاشیه به متن بیاوریم.

◇ خانم دکتر ممنونم از وقتی که به نشریه راوی اختصاص دادید.

من هم از شما به دلیل حساسیت در امور زنان سپاسگزارم و از نشریه راوی هم به خاطر تلاش در ایجاد فضای گفتگمانی تشکر می کنم .



من فکر می کنم زن روشنفکر ایرانی

چندین برابر زنان سایر جوامع تلاش می

کند تا تاثیر گذاری لازم را در حوزه های

مختلف فرهنگی، اجتماعی و داشته باشد

اما موانع و سدهایی باعث می شود نمود

کافی نداشته باشد لذا اغلب سرخورده از

بی مهری هایی است که در جامعه بسته و

مرد سالارما با آن روبرو است



مخور عدل است و باید بر مبنای صداقت و درستی باشد تا مردم در سایه عدالت با آرامش زندگی کنند. من فعالیت سیاسی را در حدی می پسندم که باعث ارتقا و تعالی جامعه و در جهت اشاعه عدل در جامعه باشد.

◇ با توجه به گذشت تقریبا یک سال از آغاز به کار دولت روحانی، از زمان شروع به کارش تا امروز چه تحوولی در سیاست داخلی ایجاد شد؟

احساس بنده به عنوان فردی که روزانه با ده ها جوان سروکار دارد و در فضای علمی دانشگاه با افراد مختلف با تحصیلات بالا در تماس می باشد این است که جناب دکتر روحانی علی رغم کارشکنی های متعدد، هنرمندانه توانسته است فضای سیاسی بسیار مناسب تر و گفتمان لطیف تری را ایجاد نماید. البته هشت سال فضای بسته در دانشگاه رقم دانشجویان را گرفته است و باید در جهت بهبود هر چه بیشتر فضای دانشگاه به تلاش ها ادامه داد .

من اعتقاد دارم فضای جامعه بسیار تحت تاثیر گفتار و کردارمدیران جامعه است. در دولت قبل، فضای جامعه بخاطر نطق های متعدد خالی از ادبیات وزین دچار نوعی عصبیت و خشونت بود. همه جا دعوا بود در ورزش و فوتبال، در کابینه دولت هر روز وزیر برکنار و دیگری می آمد چندین ماه برخی وزارت خانه ها وزیر نداشتند و موارد زیاد دیگری که همه بیاد داریم و جناب دکتر روحانی هوشمندانه و هنرمندانه با رفتارهای موقر و صحبت های وزین توانستند از همان ابتدا بر این فضا فایق بیایند و من معتقدم یکی از دلایل انتخاب



محمد فروزنده بهبهانی



سید محمد غرضی



سید احمد مدنی



محسن میردامادی



عل جنتی



محمدحسین مکی



مرتضی روزبه



علی رضا تابش



احمد خرم



فتح الله معین نجف آبادی



سید جعفر حجازی



امیر حیات مقدم



شانزدهمین کلیتداد

بررسی عملکرد

۲۵۰ عبدالحسن مقتدایی





۲۵۰ روز از استانداری مقتدایی گذشت

تکیه بر دست راست متمایل به چپ

مجتبی موسوی زاده

روزنامه نگار

چندی پیش مقتدایی استاندار خوزستان با اشاره به حالت نشستن خود بر صندلی و عادت تکیه دادن بر دست راست گفته بود که "برخی دوستان به شوخی می گویند نکند گرایش به راست داری! از این به بعد تصمیم گرفته ام که نه به چپ خم شوم نه به راست. می خواهم در مسیر خدمت به مردم دست به سینه باشم." شاید بتوان بارزترین مشخصه مقتدایی را در همین سخن شوخی او یافت؛ تکیه بر دست راست و متمایل به چپ... داشتن روحیه معتدل و پرهیز از افراط گرایی مهمترین ویژگی بود که موجب شد مقتدایی مورد عنایت روحانی قرار بگیرد و سردمدار اعتدال در خوزستان شود و به عنوان استاندار خوزستان، مورد اجماع اصلاح طلبان، کارگزاران و حتی بخشی از اصولگرایان باشد. وی ثابت کرده است که ظرفیت ایجاد توازن بین گروه های مختلف را بیش از دیگران دارد... البته در هر دوره جریان های افراطی ثابت کرده اند که به هیچ عنوان به مشی اعتدال قناعت نخواهند کرد و قطعا در این بین کارشکنی هایی خواهد شد. مرور اخبار ۲۵۰ روزه استانداری مقتدایی نشان می دهد این جریانات به تکاپو افتاده اند. پیش از ورد به اتفاقات روی داده در این ۲۵۰ روز، مروری خواهیم داشت به استانداران گذشته خوزستان؛ از مدنی تا مقتدایی.

استان خوزستان در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۵ استاندار و سرپرست را به خود دیده است. سید احمد مدنی در سال ۵۸، سید محمد غرضی در بهمن ۵۸، محمدحسن تولایی به عنوان سرپرست در مرداد ۶۰، محمد فروزنده در بهمن ۶۰، علی جنتی در سال ۱۳۶۲، محسن میردامادی در سال ۶۶ محمدحسن تولایی در سال ۶۸، علیرضا تابش در سال ۷۱، مرتضی روزه به عنوان سرپرست در شهریور ۷۲، محمدحسین مقیمی در مهر ۷۲، احمد خرم در سال ۷۶، عبدالحسن مقتدایی در سال ۷۷، فتح الله معین نجف آبادی در سال ۸۰، امیر حیات مقدم در سال ۸۴، سیدجعفر حجازی در سال ۸۶ تاکنون سکنداری استان خوزستان را بر عهده داشته اند. برخی از کسانی که در سال های پس از انقلاب بر صندلی استانداری خوزستان تکیه زدند در سال های بعد جایگاهی بالاتر کسب کردند و توانستند از سکوی استانداری خوزستان حتی به مقام وزارت هم برسند. از آن جمله می توان به احمد خرم اشاره کرد که در دولت دوم سیدمحمد خاتمی به عنوان وزیر راه و ترابری منصوب شد.

سید محمد غرضی نیز دومین استاندار خوزستان در سال های پس از انقلاب بود که در بهمن ۵۸ و در دوره سرپرستی هاشمی رفسنجانی بر وزارت کشور به استانداری خوزستان آمد. وی در سال ۱۳۶۰ وزیر نفت شد و در انتخابات اخیر ریاست جمهوری هم اعلام کاندیداتوری کرد. علیرضا تابش و محمدحسین مقیمی نیز در سال های بعد مسئولیت هایی را برعهده داشتند. معاونت عمرانی وزارت کشور، رئیس سازمان شهرداری ها و دهیاری ها، نماینده مجلس هشتم و سرپرستی شهرداری تهران از جمله سمت های مقیمی، پس از استانداری خوزستان است. تابش نیز در حال حاضر رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است. محمد فروزنده نیز که در سال های ابتدایی جنگ تحمیلی استاندار خوزستان بود، در سال های بعد بر صندلی های مختلفی تکیه زد که از آن جمله می توان به وزارت دفاع در دولت دوم هاشمی اشاره کرد. استانداری خوزستان برای علی جنتی - فرزند آیت الله جنتی - نیز سکوی پرتاب شد. وی در دهه ۶۰ حکم استاندار خوزستان را گرفت و چهار سال در خوزستان ماند و در دولت تدبیر و امید از سوی حسن روحانی به عنوان وزیر ارشاد انتخاب شد.

۱ مقتدایی ورژن ۲

کلید واژه استانداری مقتدایی در دور دوم را در سخنرانی روز معارفه اش باید جستجو کرد. وی در روز معارفه گفت که این مقتدایی، مقتدایی ورژن ۲ است و بعد از این همه سال که گذشته، اهل دعوا و بگو مگو نیست . حال باید دید که چرا مقتدایی – هر چند در ظاهر– خود را یک ورژن بالاتر از دور اول می داند. آیا مقتدایی ورژن ۲ ، در ایستادگی مقابل زیاده خواهی ها و اعتدال در انتصابات همان راه ورژن ۱ را ادامه داده و می دهد یا کاملاً ریست شده و برنامه جدیدی برخلاف دوره قبل دارد؟
مقتدایی ورژن ۲ می گوید که دیگر اهل بگو مگو نیست و از دعواهای دوره های قبل خسته شده است.
آیا مقتدایی در مواجه با طیف تندرو گروه ها و جناح ها که در دور قبل باعث برکناری اش از استانداری شدند به تنگ آمده است و در این دوره قصد تعامل و میدان دادن با آن ها را دارد؟
مروری بر انتصابات نشان می دهد که مقتدایی ورژن ۲ در مواجه با زیاده خواهان تقریباً همان مقتدایی ورژن اول است و اهل باج دادن به کسی نیست، البته جدا از انتصابات، نگاهی بر عملکرد و برنامه های مقتدایی ، حاکی از آن است که مقتدایی در همان " کلاس اول " مانده و تاکنون برنامه خاص و ویژه ای که او را تبدیل به ورژن ۲ نماید ، نداشته است.

۲ مقتدایی ورژن ۱

همزمانی دور اول استانداری مقتدایی در خوزستان با دولت اصلاحات(سید محمد خاتمی) ، توقاتی را در طیف اصلاح طلبان استان ایجاد کرده بود که در نهایت به برکناری مقتدایی توسط وزیر کشور (موسوی لاری) منجر شد. اخلاقگرایی ، ایستادگی در مقابل زیاده خواهی ها و مشی اعتدالگرایانه در هیاهوی تندروی ها ویژگی بارز مقتدایی در آن دوران بود و همین امر موجب شد تا سید محمد خاتمی عنایت ویژه ای به وی داشته باشد و پس از برکناری در خوزستان ، شرایط استانداری وی را در هر مرگان مهیا نماید.

۳ اولین جدال

"اولین انتصاب" در خوزستان نشان داد که مقتدایی آنگونه که خود می گوید از بگومگوها خسته نشده و همچنان " لجباز " و یک دنده است. (مقتدایی در نشستی خود را مردی یک دنده و لچوج توصیف کرد).
صدر حکم سرپرستی دانشگاه جندی شاپور برای دکتر ایدنی ، اولین انتصاب در حوزه مدیران کل و روسای دانشگاه ها بود که به یک "زور آزمایی" بین خوزستان و پایتخت بدل شد.
مقتدایی معتقد بود که وزیر بهداشت رفیق گرایی کرده و بدون مشورت دست به انتخاب زده است.
جدال بر سر این انتصاب حتی به جلسه هیات دولت نیز کشیده شد و در نهایت ، سیاست سکوت بر این حکم ، حکمفرما شد.
برخی ها معتقد بودند پافشاری یک ماهه استاندار برای لغو این انتصاب در واقع کشتن گریه در حجله و نشان دادن ضرب شست به "پدرخوانده ها" بود تا از دخالت های بعدی آن ها در انتصابات جلوگیری نماید.

۴ سایه پدرخوانده ها

آنچه درگیر و دار تغییر و تحولات درون استانی با انتصاب یا عزل بالاترین مدیر اجرایی مشهود است ، فشار جریان متنفذ قدرت یا همان پدرخوانده هاست که سعی می کنند استان را در اختیار خود گرفته و اهداف پیدا و پنهان خود را پیش ببرند.
مقتدایی پیش از انتصاب می دانست پدرخوانده ها برای استان چه مخاطراتی دارند بنابراین پس از نشستن بر صندلی استانداری ، پیکان انتقادات خود را بیش از هر چیز متوجه " پدرخوانده ها " کرد.
نگرش مقتدایی قبل از استانداری و مقتدایی استاندار ، در رابطه با " پدرخوانده ها " یک جور است : قطع دست پدرخوانده ها از تصمیمات خوزستان.
مقتدایی در بحبوحه انتخاب استاندار و معرفی گزینه های ریز و درشت ، دست به افشاکری زد و نقاب از چهره پدرخوانده ها کنار زد : "متأسفانه عده‌ای که در بهترین شرایط آب و هوایی در حال گذران زندگی هستند می‌خواهند برای مردمی که در زیر آفتاب سوزان ۵۰ درجه زندگی می‌کنند تصمیم گیری کنند. کسی می‌تواند برای خوزستان تصمیم گیری کند که در خوزستان زندگی کرده باشد و به نوعی آب و خاک خوزستان را خورده باشد."
وی در آن زمان گفته بود که خوزستان نیاز به قیمّ تهران نشین ندارد.

به باور مقتدایی ، عده ای به نام خوزستان از " دور " و به صورت " مجازی " برای استان و مردمانش تصمیم می گیرند حال آنکه درد مردمان این استان را نمی فهمند و صرفاً در پی منافع خود هستند.
انتقاد از پدرخوانده ها پس از نشستن مقتدایی بر صندلی استانداری رنگ و روپو دیگر به خود گرفت و از پدرخوانده های " برون استانی " به پدرخوانده های " درون استانی " متمایل شد.
وی اخیراً در مصاحبه ای گفته است که " پدرخوانده های حقیقی و حقوقی درون استان باید کاهش پیدا کند و مشخص شود که تصمیم گیری بر عهده چه کسی است."
مقتدایی صراحتاً گفته است که پدر خوانده ها در استان باید در جای خود بنشینند.

۵ تقابل با ستاد روحانی

هر چند ستاد روحانی در خوزستان از انتصاب دکتر مقتدایی حمایتی تمام قد کرد اما با گذشت زمان و انتصاب مدیران و فرمانداران ، شکافی بین اعضای ستاد با مقتدایی شکل

گرفت و تقابلی آشکار ایجاد شد.
رفته رفته ، انتقاد به نوع انتصابات استانداری و گلابه از بی تفاوتی استاندار به نیروهای ستاد ، از جلسات محفلی به مجالس رسمی منتقل شد و این تضاد در سفر حجت الاسلام یونسی دستیار و مشاور ارشد روحانی در امور اقوام به اوج خود رسید.
در نشستی که یونسی با اعضای ستاد انتخاباتی دکتر روحانی در خوزستان داشت ، برخی اعضای ستاد باب انتقاد گشودند و از چگونگی عملکرد استاندار خوزستان به ویژه در عدم گزینش و مشورت گیری از اعضای ستادهای انتخاباتی دکتر روحانی گلایه کردند.
انتصاب برخی از نیروهای اصولگرا به عنوان فرماندار یا بخشدار شهرهای خوزستان ، موج دیگری از انتقاد نیروهای اصلاح طلب و ستاد روحانی را برانگیخت و از آن به عنوان " ظلم بزرگ " در دولت تدبیر و امید یاد کردند و در بیانیه ها و مصاحبه های متعدد انتصاب افراد نزدیک به دولت احمدی نژاد را در دولت تدبیر و امید نکوهش کردند.
چند هفته پس از نشست مشاور ارشد روحانی در اهواز ، مقتدایی که نشان داده در افشای پشت پرده ها هیچ ابایی ندارد مقابلبه به مثل کرد و عملاً از " نقش منفی برخی افراد منسوب به ستاد روحانی " پرده برداشت و گفت که متحمل بیشترین فشارها از این ستاد بوده است اما هرگز وارد معامله ای نخواهم شد که عاقبت بخیری در آن نباشد.

۶ عزل های دردسرساز

عزل تمام مدیران دولت گذشته و انتصاب افراد همسو ، تبدیل به سنت دولت ها شده است ؛ این برکناری ها از وزارتخانه ها و در سطح وزرا شروع می شود و تا استان ها و در سطح مدیران جزو امتداد می یابد.
با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و آغاز تغییرات در بدنه دولت و انتصاب استانداران ، شاهد موجی از تغییرات در استان ها از جمله خوزستان بودیم که بخشی از این بر کناری ها برای استاندار جدید ، دردسرساز شد.
به عنوان نمونه ، عزل فرماندار بهبهان در هفته سوم استانداری مقتدایی ، واکنش های منفی فراوانی به دنبال داشت و حتی به خطبه های نماز جمعه این شهرستان هم کشیده شد.
امام جمعه بهبهان معتقد بود که این برکناری بدون اطلاع ، نه تنها توهین به شخص فرماندار بهبهان بوده بلکه توهین به مسئولین و مردم بهبهان است.
از قرار معلوم ، فرماندار سابق بهبهان از طریق سایت ها متوجه می شود که عزل شده است.
البته تغییرات بعدی در بدنه فرمانداری ها و ادارات کل نیز چندان بی حاشیه نبوده است و آن گونه که گفته می شود فرماندار اهواز و یکی دو نفر از مدیران کل استانداری نیز مثل فرماندار بهبهان و بی اطلاع قبلی ، برکنار شدند.

۷ رویارویی با نمایندگان

استاندار خوزستان تجربه تلخی از تقابل با نمایندگان در سال های ۷۷ تا ۸۰ دارد.
در آن زمان و با افزایش فشارها ، مقتدایی ترجیح داد استعفا دهد اما زیر بار خواسته های نمایندگان مجلس نرود.
در آن زمان او اصرار داشت هر دو معاون برنامه ریزی و سیاسی اش آبادانی باشند و تا عزل هم پیش رفت اما حاضر نشد "فیروزی و منیر زاده" معاونان آبادانی اش را از دست بدهد و معمولاً این طور برای منتقدانش دلیل می آورد

که : " بچه های آبادان تاکنون از مناصب مدیریتی دور بوده اند و من می خواستم این ظرفیت سازی و خودباوری برای آنها را بوجود بیاورم."
مقتدایی ورژن ۲ ، هر چند به گفته خودش از این تقابل ها خسته شده و قصد دارد از جدال های گذشته پرهیز نماید اما از همان ابتدای انتصاب ، تقابلی پیدا و پنهان با نمایندگان مجلس شکل گرفته و این تقابل بخصوص در زمینه انتصابات به اوج خود رسیده است.
از یک طرف ، نمایندگان مجلس از عدم مشورت و همفکری نکردن مقتدایی در انتصابات و واگذاری تمام اختیارات به معاونین گلایه دارند و از طرف دیگر ، استاندار جدید معتقد است که نمایندگان نباید به فکر تحمیل نیروهایشان باشند.

۸ تشکیل کابینه محلی

انتصاب بیش از ۳۰ مشاور در کمتر از سه ماه از سوی مقتدایی ، او را تبدیل به مشورت پذیرترین استاندار تاریخ کشور کرده است.
استاندار خوزستان از روز اول بنا را بر آن گذاشت که در هر زمینه ای یک مشاور داشته باشد و برای همین مشاورانی در حوزه فرهنگی ، رسانه ، میراث ، عمرانی ، سیاسی ، درمان و آموزش ، شهرسازی و ... انتخاب کرد .
برخی این رویکرد استاندار را با نگاه بدبینانه ارزیابی کردند و بعضی ها نیز اعلام کرده اند استاندار خوزستان با این تیم مشاوران موفق نخواهد شد.

مخالفان معتقدند مقتدایی کابینه ای محلی تشکیل داده و عملاً تمام امور را به آنان واگذار کرده است.
دکتر سرمست – مدیر سابق دانشگاه جدی شاپور – از جمله منتقدان واگذاری امور به مشاوران است.
وی چند ماه پیش و در آستانه برکناری ، ضمن هشدار به مقتدایی ، گفته بود که اگر استاندار بخواهد در اتاقش را ببندد و با آن مشاوروی که از دور دستی بر آتش دارد و مسائل تئوریک ۱۵ سال پیش را می گوید، مشورت کند، نمی‌تواند موفق باشد.
استاندار نباید اداره جلسات و ارتباط با ادارات را به دست معاونان و مشاورانش

بسیار اگر این کار را انجام دهد، در حل مشکلات استان با مشکل مواجه می‌شود. " همچنین دکتر محمد جواد دانش از اعضای ستاد روحانی نیز در نشستی به استاندار گفته بود که " هر چه از سوی معاونین و مشاورین شما صادر گردد،به نام جنابعالی تمام می شود. پس باید نهایت دقت را داشته باشید. " البته در کنار انتقادات ، عده ای از متمر بودن ابتکار دکتر مقتدایی در تشکیل تیم مشاوران سخن به میان آوردند و معتقدند یکی از آثار مثبت گروه مشاوران ، برگزاری نشست های متعدد با مسئولین و نمایندگان مجلس است که حاصل آن ایجاد وحدت و همدلی برای پیشرفت استان است.
در این بین دفاع استاندار از مشاوران نیز در نوع خود جالب توجه است.
او در این زمینه گفته است که من به همراه مشاوران و پنج معاون همه استاندار هستیم و در حقیقت خوزستان ۳۰ استاندار دارد.

۹ شروع "خروشان" استاندار

تشکیل حلقه های نمادین دوستداران محیط زیست در کنار کارون ، شروعی " خروشان " برای استادر جدید بود.
مقتدایی با حمایت از این گونه تجمعات و حتی حضور در کنار کارون ، نشان داد که اولین استانداری ست که به بحث های زیست محیطی توجه ویژه ای دارد.
او در آبان ماه سال گذشته برخلاف برخی مسئولین ، صراحتاً اعلام کرد که ۱۰۰ درصد از تجمعات دوستداران کارون حمایت می کند ؛ چرا که به عقیده او ، کارون سمفونی وحدت مردم استان محسوب می‌شود.
پیش از این نیز ، مقتدایی با انتصاب دکتر افقه به عنوان مشاور در منابع آب و صیانت از رودخانه ها ، ثابت کرد که توجه ویژه ای به کارون دارد.
دفاع استاندار از کارون به انتصاب مشاور و یا شرکت در حلقه دوستداران کارون محدود نشد.
وی عملاً در نامه ای مشترک با بانوی محیط زیست ایران (خانم ابتکار) وزرات نیرو را مکلف به توقف طرح های انتقال آب نمود.
البته ناگفته نماند که لابی های گسترده استان هایی همچون اصفهان ، همواره بر تلاش مسئولین خوزستان پیشی



به باور مقتدایی عده ای به نام خوزستان از " دور " و به صورت " مجازی " برای استان و مردمانش تصمیم می گیرند .انتقاد از پدرخوانده ها " پس از نشستن بر صندلی استانداری ، رنگ و روپو دیگر به خود گرفت و از پدرخوانده های " برون استانی " به پدرخوانده های " درون استانی " متمایل شد

گرفته و طرح های انتقال آب ، همچنان در دستور کار وزارت نیرو قرار دارد.

۱۰ فوتبال دوست دو آتشه

مقتدایی فوتبالی ترین استاندار تاریخ استان است و ورزش را می فهمد و در قامت یک استاندار ، خطابی " امر گونه " به مجموعه ورزشی استان دارد و هر از چندی نیز با پیشکسوتان فوتبال دیدار می کند.
او در دوران جوانی هافبک تکنیکی و مهاجم تیزبین نفت آبادان بود و زمانی که جامه استانداری خوزستان را به تن کرد هیچگاه "سالیبا " مربی سابق خود را فراموش نکرد و حتی در مدیریت اجرایی خود در حوزه استانداری سال ۷۷ ، از افرادی مانند فیروزی بهره جست که مانند خود او دارای سوابق ممتد ورزشی بودند.
هرمزگانی ها و بوشهری ها هم در کنار خاطرات خوبی که از مدیریت صادقانه و مخلصانه مقتدایی دارند، تحولی که او در زمینه ورزش این منطقه ایجاد کرد را نیز از خاطر نمی برند.

۱۱ آبادان گرایی

مقتدایی اگر چه از خانواده های مهاجر به آبادان در دوران رونق این شهر محسوب می شود اما به دلیل سال ها زندگی در این شهر و نمایندگی دوره های سوم و چهارم ، خود را یک آبادانی تمام عیار می داند و دارای ادبیاتی مردمی و با چاشنی طنز مخصوص آبادانی هاست.
توجه ویژه به شخصیت های فرهنگی ، هنری و حتی سیاسی آبادان و دیدارهای متعدد از این شهرستان ، نشان از وابستگی او به زادگاه خود دارد و همین امر نیز انتقاداتی را به سمت مقتدایی روانه کرده است.

سید شریف حسینی نماینده اهواز
در گفت و گو با راوی :

باید از تک محوری خارج شویم

دو دوره نمایندگی مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی و حضور فعال در هیات رییس و اقبال ۲۱۰ هزار نفری از او در انتخابات مجلس نهم، سید شریف حسینی را رکورددار تاریخ خوزستان کرده است. وجه مردمی در کنار بُعد اجرایی و نظارتی سید شریف حسینی، از چشم دولت تدبیر و امید نیز پنهان نماند و به عنوان گزینه اصلی استانداری خوزستان در دولت روحانی مطرح شد اما او حضور در سنگر نمایندگی مجلس و دفاع از منافع استان و مردم را به نشستن بر صندلی استانداری ترجیح داد و اکنون در مقام یک نماینده، در گفتگو با "راوی" عملکرد استانداری را به نقد کشیده که خود زمانی گزینه اصلی آن به شمار می رفت.



◇◇ اگر مسئولی این طرز تفکر داشته باشد که خوب کار کند تا به مجلس راه یابد یا خوب کار کند تا پست بالاتری بگیرد ، قطعاً موفق نخواهد شد!

◇◇ اگر مقتدایی یا هر مسئولی جایی خوب کار کرد تمام قد دفاع می کند و اگر جایی بد عمل کرد به نقد می کشم و این طبیعت کار یک نماینده است

از میان صحبت ها

دانشگاه چقدر مدیریت امروزه استان را علمی می بیند؟
مدیریتی که در استان ما تعریف می شود مدیریت تجربی است. شاید در کشور هم مدیریت علمی کم داشته باشیم. تلفیق تجربه و علم ، ایده آل همه ماست که هنوز اتفاق نیفتاده است. ما از تجربه و ظرفیت ها و امکانات مان استفاده می کنیم و حتی بعضا فشارهایی که بر روی مان است .. ما هر چقدر هم که بخواهیم علمی عمل کنیم باید یک سری موضوعات خارج از سیستم را بپذیریم چرا که ما در یک محیط باز هستیم . محیط باز یعنی سیستمی که خارج هم در آن تاثیر می گذارد. این موارد را باید در کنار هم دید و اگر در کنار هم دیده نشود نقد نقد منصفانه نیست..

◇ آقای حسینی ! شما در بجهوه انتخاب استاندار خوزستان ، به عنوان یکی از گزینه های استانداری مطرح بودید که علی رغم بی میلی خودتان تا زمانی که اظهار علنی عدم رغبت به استانداری خوزستان نشان ندادید جزو گزینه های فینال و نهایی استانداری هم بودید. خودتان بیانیه دادید که نمی خواهید استاندار شوید. سوال اینجاست که در ۶ ماهه گذشته در سکوت خبری هستید و تعامل تان را با استانداری کاهش داده اید. آیا این سکوت خبری به این دلیل نیست که شما خودتان یکی از گزینه های مطرح استانداری بودید؟
همانطور که گفتید یکی از گزینه های استانداری بودم که البته لطف دوستان و

سرعت تحول استان به این دلیل کم است که همفکری با هم نداریم. اگر از ظرفیت های همدیگر خوب استفاده کنیم و اگر سه رکن مسئولین، نمایندگان و مردم (دولت، قوه مقننه و خود مردم و نخبگانی که از آن ها می توان استفاده کرد) در کنار هم باشند و دست در دست هم دهند ، سرعت این پیشرفت بالا خواهد رفت



نمایندگان و لطف آیت الله موسوی جزایری و سایر عزیزان در دولت به ما بود. با این وجود ، تشخیص دادم بهتر است که همچنان نماینده مردم باشم و بیانیه هم دادم و از همه عزیزان تشکر کردم اما گزینه ی استانداری بودن ، دلیلی نمی شود که مسئولیت خودم را به عنوان نماینده فراموش کنم.

اگر آقای مقتدایی یا هر مسئولی جایی خوب کار کرد تمام قد دفاع می کند و اگر هم هر مسئولی -چه استاندار چه هر مدیر دیگری - جایی بد عمل کرد به نقد می کشم و این طبیعت کار یک نماینده است. استانداری که استارت کارش را زده از روز اول نمی شود تشویق یا تنبیه اش کرد ؛ یا بهتر است بگویم نقد یا تمجیدش کرد. باید ببینیم که می خواهد چکار کرد. سکوت به خاطر این است که بینم برنامه های ایشان چیست و بر چه اساس و مبنایی می خواهند پیش بروند و خروجی آن چه خواهد شد.

◇ اما در ۶ ماهه گذشته حضور کم رنگی در حوزه تصمیم گیری استانداری خوزستان داشتید. شما در جلسات شورای اداری آنگونه که قبلاً شرکت می کردید و تاثیر گذار بودید شرکت نمی کنید. در جلسه اخیر نکوداشت نمایندگان خوزستان در استانداری هم نبودید. به نظر می رسد سیاست فعلی شما چیزی فراتر از سکوت برای ارزیابی عملکرد باشد.

نه ، اینگونه نیست. به این نتیجه رسیده ام که جلسات اینجینبی در استان خروجی خاصی برای مردم ندارد. نه اینکه نباید چنین جلساتی وجود داشته باشد ، حرف من این است که باید به دنبال خروجی مثبت از این جلسات باشیم.

ادامه مصاحبه در صفحه ۹

خودتان شهردار بودید. بخشدار مرکزی اهواز بودید. معاون فرماندار هم بودید. بعد از عملکرد خوبی که در این سه حوزه داشتید ، در دور اول انتخابات مجلس باعث نشد که مردم اقبال خوبی به شما نشان دهند و به مجلس راه یابید. آیا فکر می کنید کسانی که الان در حوزه شهرستان اهواز ، شهردار ، استاندار و یا فرماندار هستند اینقدر خوب کار می کنند که اگر خود را روی باسکول رای مردم ببرند به مجلس راه یابند؟
سوال خوبی پرسیدید. اگر مسئولی این طرز تفکر داشته باشد که خوب کار کند تا به مجلس راه یابد یا خوب کار کند تا پست بالاتری بگیرد ، قطعاً موفق نخواهد شد. تا زمانی که در فرمانداری مشغول به خدمت بودم و بعد هم به شرکت نورد لوله برگشتم حتی یک بار هم به ذهنم خطور نکرد که نماینده شوم. فقط کار را به خاطر کار برای مردم انجام می دادم. این حرف های من تعارف و شعاری نیست . همه دوستانی که با من کار می کردند به خوبی می دانند. بر حسب اتفاق ، دوستان آمدند و نشست هایی اتفاق افتاد و ما نماینده شدیم.

◇ آقای حسینی ورود شما اتفاق نبود چون عملکرد خوب شما موجب ورود به مجلس شد.

درست است اما بر حسب اتفاق ، تصمیم گرفتیم. ما تصمیم اتفاقی گرفتیم و دوستان هم تصمیم گرفتند و مردم نیز به ما لطف داشتند و ما وارد مجلس شدیم و الان هم خوشحالم که خدمتگزار مردم هستیم. اما این را با قطعیت می گویم اگر کسی هدف اش را رسیدن به جایگاهی از قبل خدمت به مردم بگذارد ، مطمئناً موفق نخواهد شد..

◇ آقای مقتدایی یک فوتبالیست بود. شما هم در جوانی فوتبال بازی کرده اید. ایشان هافبک چپ یا راست بازی می کرد. به نظر شما شرایط حال امروز خوزستان ، استانداری نمی خواست که بیشتر از مهاجم و فوروارد بودن، یک مدافع خوبی برای استان باشد؟
دفاع از چی ؟ مدافع از چی ؟ فوتبال یک بازی ۱۱ نفره است. در یک کمیته ۱۱ نفره ، هر کسی وظیفه خودش را انجام می دهد. خوزستان بیشتر از اینکه یک فوروارد یا مدافع نخواهد فکر می کنم که یک مربی خوب می خواهد. آقای مقتدایی باید یک مربی خوبی باشد. نقطه و مرکز یک دایره نشان می دهد که این دایره چقدر درست است. ما این نقطه را می خواهیم. استان خوزستان به استانداری نیاز دارد که آدم های توانمند ، دور خودش جمع کند و یک حلقه های متصل به هم به عنوان زنجیره توسعه استان ایجاد نماید. رسیدن به این امر هم بدون برنامه

امکان پذیر نیست. از جمله مواردی که بارها و بارها مطرح کردم این است : ما باید برنامه و سند توسعه استان روبرویمان باشد تا بدانیم کجا می خواهیم برویم و کجا می خواهیم برسیم . بدانیم چه جایی باید استراحت کنیم و چه جایی سرعت مان را بالا ببریم و چه جایی بعضی از موضوعات را دنبال کنیم.

◇ این گونه از پاسخ شما فهمیدم که از نظر شما ، استاندار خوزستان فراتر از اینکه یک بازیکن باشد باید بیرون از زمین بنشیند و تیم را هدایت کند. اما انتقادی که این روزها از مقتدایی می شود این است که می گویند آقای مقتدایی خودش دارد بار معاونین و مدیران کل را به دوش می کشد و تنها در یک زمین بازی می کند. اینکه استاندار در حال حاضر لوکوموتیو قطار استان است به نظر شما وی را آسیب پذیری می کند ؟
مدیریت یعنی انجام دادن کارها به وسیله دیگران. معنای واقعی مدیریت یعنی همین. مدیری که خودش بخواهد کار را انجام دهد مدیر نیست. مدیر مغز متفکر است. مدیر برنامه ریز است. مدیر مجری نیست. اتفاقاً به نظر من آقای مقتدایی بر عکس این چیزی که شما گفتید دارد این کار را انجام می دهد. خودش را از کارهای اجرایی بیرون کشیده و تمام مسئولیت و اختیارات را به معاونین و مدیرانش داده و آن ها دارند این کار را انجام می دهند که من بعداً می گویم انتقادی که دارم کجاست.

◇ امروز که خدمت شما رسیدیم در حال طراحی سوالات پایان ترم رشته ای که در دانشگاه آزاد تدریس می کنید بودید. به عنوان یک استاد

◇ شما هم شهرداری چی هستید و هم سابقه کار در وزارت کشور دارید. پس قضاوت تان در مورد کسانی که در این حوزه فعال اند ، یک قضاوت تخصصی ست. در حال حاضر در مقام قضاوت استاندار ، فرماندار جدید یا شهردار جدید هستید؟
اولین و مهمترین موضوع این است که اگر ما بتوانیم همدیگر را نقد منصفانه نماییم و در کنار نقد ، پیشنهادهای را به منظور اصلاح امور ارائه دهیم ، این نقدها می تواند شرایط کاری ما را بهبود ببخشد ؛ چه بسا ما در اول راه دچار اشتباهاتی می شویم که این نقدها می تواند اشتباهات را اصلاح کند و مسیرمان را به مسیر اصلی برگرداند.

بنابراین اگر در رابطه با فردی ، بحثی می شود - چه انتقادی ، چه تعریفی و مواردی از این قبیل - نباید انتقادات و تعریف ها شخص را ناراحت یا خوشحال کند. در واقع گشوده شدن باب نقد منصفانه ، به آن شخص برای انجام دادن وظیفه محوله و اصلاح خطاهای گذشته کمک خواهد کرد. ما نمایندگان نقطه نظرات خودمان را ارائه می دهیم ؛ نقطه نظراتی که از مردم می شنویم . شاید ما نمایندگان در کف جامعه بهتر از همه مسئولین باشیم و در ارتباطات با مردم ، موضوعاتی با ما مطرح می شود که مطرح کردن این موضوعات با مسئولین ، به آن ها کمک می کند که بهتر بتوانند خدمت رسانی کنند. وظیفه همه ما این است که در خدمت مردم باشیم و شرایط کاری مان را به گونه ای تنظیم کنیم که خدمت رسانی به مردم تسهیل شود.

بارها بر این نکته تاکید کرده ام که خوزستان شرایط ویژه ای دارد که البته همه ما و خود مسئولین هم به این مشکلات واقف اند و از وضع موجود راضی نیستند. حال باید دید که آیا این وضع موجود ، حالتی ایستا دارد ؟ رو به بدتر شدن یا رو به بهتر شدن است؟ معتقدم که این وضع رو به بهتر شدن است اما روند و سرعت بهبودی اوضاع ، کم است. سرعت این تحول به این دلیل کم است که همفکری با هم نداریم. اگر از ظرفیت های همدیگر خوب استفاده کنیم و اگر سه رکن مسئولین ، نمایندگان و مردم (دولت ، قوه مقننه و خود مردم و نخبگانی که از آن ها می توان استفاده کرد) در کنار هم باشند و دست در دست هم دهند ، سرعت این پیشرفت ، بالا خواهد رفت.

اگر بخواهیم سیاه نمایی کنیم مشکلی حل نمی شود. اگر بخواهیم خیلی ایده آل باشیم و به مردم آمارهای دروغ - که در گذشته بوده و الان هم وجود دارد - بدهیم مشکلی حل نخواهد شد. در مواجهه با شرایط استان ، ما باید واقع نگر باشیم ؛ نه سیاه سیاه نه سفید سفید.. واقعیت موجود شرایط استان خوزستان باید تعریف شود تا یک مدیر بتواند خوب عمل کند. در رابطه با دکتر مقتدایی هم باید گفت که ایشان جزو گزینه هایی بود که بر خلاف استانداران گذشته ، تجربه این مسئولیت را داشت. یعنی تنها استانداری ست که مجدداً بر این مسند نشست. در این مدت توانست گذشته و عملکرد خودش را بررسی و بازبایی نماید و مجدداً در این فکر بود که اگر روزی استاندار خوزستان شود چه کارهایی جدیدی باید انجام دهد. در واقع یک برنامه ، یک راهکار و یک نقشه راه توسعه استان در ذهن اش برای خوزستان داشت. حضور ایشان نقطه قوتی برای استان بود. ویژگی دیگری که مقتدایی دارد این است که ایشان جزو استاندارانی است که نماینده مجلس هم بود و در نتیجه مشکلات مردمی را خوب لمس می کند. بنابراین از شخصی که نماینده و منتخب مردم و در جایگاه قانونگذاری بوده و در یک برهه زمانی استاندار شده و در زمان خودش هم مجری توانمندی بوده و مجدداً دعوت به کار شده است ، در مقایسه با فردی که این شرایط را نداشته ، سرعت بالاتری در پیشبرد کارها انتظار می رود.

برای اینکه ما بتوانیم عملکرد یک نفر را بررسی کنیم و در بوته نقد بگذاریم باید چند شاخص را مورد توجه قرار دهیم . شاخص اول این است که باید دید وضعیت گذشته چگونه بوده است؟ امکاناتی که دست این فرد است چیست و در نهایت انگیزه اش برای انجام کار و تصدی مسئولیت چیست ؟ آیا فرد این انگیزه را برای اجرا دارد ؟ از این فرد درخواست شده است بیاید یا خودش دنبال مسئولیت بوده است؟ امکانات موجود در استان ، امکانات اعتباری و شرایط کنشوری و شرایط ملی این امکان را می دهد که سرعت مورد نظر را از استاندار بخواهیم؟ این موارد را وقتی بررسی کنیم می بینیم که مقتدایی کار مشکلی دارد و ضمن آنکه مقتدایی نمی خواست استاندار شود اما الان که شده در معارفه اش اعلام می کند که " من دنبال استاندار شدن نبوده ام اما حالا که استاندار شده ام با تمام توان خدمت می کنم. " این گونه سخن گفتن دکتر مقتدایی به عنوان استاندار ، جای بسی خوشحالی دارد چرا که مقتدایی برخلاف برخی از مدیران و مسئولین که برای گرفتن یک پست به هر دری می زنند و کاغذ به دست برای مدیر شدن از هر کسی امضا می گیرد ، دنبال این کار نرفت و از سوی دیگران دعوت به کار شد. مقتدایی نمی خواست استاندار شود اما وقتی آمد اعلام کرد که آمده ام کار کنم و برنامه و نقشه راه را دارم . فکر می کنم که مقتدایی این توان را دارد که خوزستان را یک تکان درستی بدهد بخصوص در سیستم های مختلف ، که از همه مهمتر ، سیستم اقتصادی ست.

◇ آقای حسینی . سوالم را به شکل دیگری مطرح می کنم . شما

◇◇ در حوزه سیاسی بحث این بود که معاونین ، فرمانداران و بخشداران از وزارت کشور باشد. اما بین همین گزینه های موجود هم انتخاب می توانست بهتر باشد

◇◇ مقتدایی از ظرفیت های مختلف اقوام خوب استفاده نکرده است. اگر بتواند از این ظرفیت ها خوب استفاده کند آن مقتدایی که مدنظر خوزستان است نمود پیدای کند

از میان صحبت ها

گفتگوی اختصاصی راوی با سید شریف حسینی نماینده اهواز :

مقتدایی از تمام ظرفیت های اقوام استفاده کند

ادامه از صفحه ۹ : در رابطه با همایش نکوداشت نمایندگان خوزستان این نکته را باید بگویم که این همایش را پسندیدم و اتفاقاً همکاری من در شکل گیری این نکوداشت نسبت به سایر نمایندگان بیشتر بود. هماهنگی ها را در هیات ریسه مجلس انجام دادم تا این مراسم برگزار شد.

◇ اما با این وجود ترجیح می دهید که همراهی سید شریف با استاندار علنی نشود؟

ببینید اصلاً بحث همراهی نیست. من به این دلیل در برخی از جلسات حضور پیدا نمی کنم که فکر می کنم اگر در مناطق محروم بیشتر وقت بگذارم تأثیرش هم برای مردم بهتر است و هم برای نظام و هم برای مسئولین حال حاضر خوب است. مسئولین در حوزه اجرایی دارند کار انجام می دهند و ما هم در حوزه ارتباط با مردم مشغول خدمتیم. البته حضور در جلسات زمان حجازی استاندار سابق را هم زیاد نمی پسندیدم.

◇ اما به نظر می رسید شما از فرایند انتصابات چندان راضی نیستید؟ فرایند انتصابات به آقای مقتدایی بر نمی گردد چون ایشان تفویض اختیار کرده و من هم انتقاداتی در این زمینه دارم.

نکرد. نه برای انتخاب فرماندار اهواز ، نه انتخاب فرماندار شهرستان کارون و نه انتخاب فرماندار حمیدیه ، کسی با ما مشورت کرد. با ما که می گویم منظوم سه نماینده اهواز است. در حیطه مشورت قرار نگرفتیم. وقتی در حیطه مشورت قرار نمی گیریم دو حالت وجود دارد : مجری معتقد است که استاندار باید نیروهایش را انتخاب کند و ما عملکردش را ارزیابی کنیم. بنابراین ، ما منتظر ایام بررسی عملکرد هستیم

◇ پس باید انتظار داشته باشیم که طی ماه های آینده شما در نقش یک معترض ظاهر شوید؟

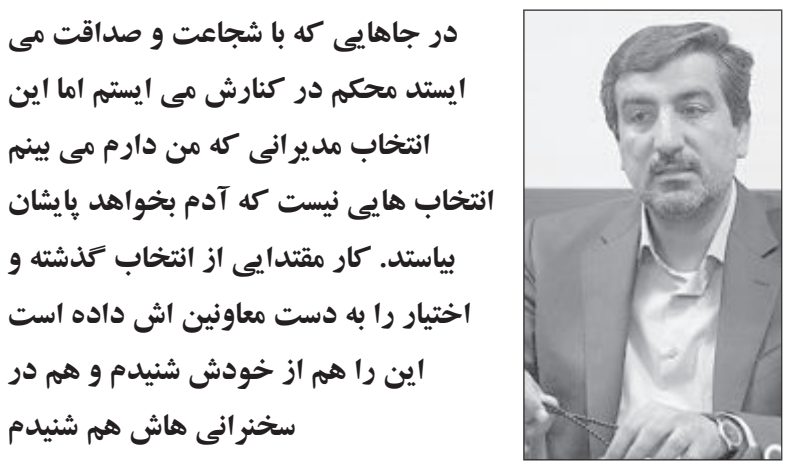
معترض نه ..
◇ معترض به وضع موجود یا ناقد وضع موجود.
نه . نماینده ای هستم که چنانچه منتخبین خوب کار کنند تشویق شان می کنم و به نمایندگی از مردم از آن ها تشکر می کنم . اگر هم بد کار کردند به نمایندگی از مردم نقد می کنم. همانطور که گفتیم دو حالت وجود دارد. حالت دوم این است : مسیری که در انتصابات طی می شود بر اساس رضایتمندی نمایندگان است. من اولین حالت را می پسندم.

◇ احساس می کنم که مقتدایی به عنوان یک استاندار بومی که ظرفیت محبوبیت مردمی هم دارد باعث شده نمایندگان احساس کنند که با این استاندار بومی محبوب باید مدارا کنند و نباید معترض باشند. شما چنین برداشتی دارید ؟

نمی دانم شما ظرف محبوبیت را چگونه تعریف می کنید. ولی محبوبیت یک شبه می تواند از بین برود. مقتدایی فرزند این استان است. همه ما باید کمک کنیم و دست به دست هم دهیم که عملکردش به گونه ای باشد که کشور به ظرفیت خوزستان ایمان پیدا کند. در حال حاضر دولت ، سه خوزستانی به عنوان استاندار منصوب کرده است. به این استانداران خوزستانی (جادری ، مقتدایی و رضایی بادی) باید کمک کرد تا جوری عمل کنند که کشور به ظرفیت استان اعتقاد پیدا کند تا در وزارتخانه ها از نیروهای استان استفاده شود اما این دلیل نمی شود اگر شخصی ضعیف عمل کرد با او مدارا کنیم. تا الان مسیری که ایشان طی کرده را بنا به دلایلی ، می پسندم. مقتدایی دست روی موضوعی گذاشته که ۶ سال دغدغه من است. موضوع این است که این استان متحول نمی شود و بیکاری اش رفع نمی گردد مگر اینکه سرمایه گذار احساس امنیت کند و بیاید و در این استان سرمایه گذاری نماید. در صنایع بزرگ ، اشتغال محدود داریم . شرکت هایی مثل صنایع فولاد دیگر به دردمان نمی خورند. باید در سرمایه گذاری های کوچک وارد شویم ؛ مثلاً ساخت قطعات. باید به سمت سرمایه گذاری هایی برویم که ایجاد اشتغال کنند.

◇ آقای حسینی ! شما به دلیل قرابتی که با بخش صنعت داشتید - هم تخصص تان صنعتی است و هم تجربه صنعتی دارید - در دور گذشته تلاش زیادی کردید تا سرمایه گذاران در زمینه های مختلف همچون خودرو ، ام دی اف ، صنایع جانبی و نیشکر ، صنایع پایین دستی پتروشیمی و ... در خوزستان سرمایه گذاری کنند اما این تلاش ها به نتیجه نرسید؟ چرا ؟ وقتی شما در طول ۶ سال نتوانستید چندان موفق باشید مقتدایی می تواند موفق شود؟

مقتدایی در واقع مثل یک تحویل گیرنده توپ در بازی بیسبال است. وقتی نماینده ، سرمایه گذاری را دعوت می گیرد باید کسی این سرمایه گذار را تحویل بگیرد و در یک جایی اعتماد به دو موضوع به او دهد ؛ سود متعارف و امنیت سرمایه گذاری. در بحث



در جاهایی که با شجاعت و صداقت می ایستد محکم در کنارش می ایستم اما این انتخاب مدیرانی که من دارم می بینم انتخاب هایی نیست که آدم بخواهد پایشان بیاستد. کار مقتدایی از انتخاب گذشته و اختیار را به دست معاونین اش داده است این را هم از خودش شنیدم و هم در سخنرانی هاش هم شنیدم

◇ می شود بگوید در چه حوزه ای بیشتر ناراضی دارید؟

ببینید ، ما همه معتقدیم که استان مان باید پیشرفت کند. بعضی مواقع شما یک تیم فوتبال می بنیدید که مقابل یک تیم قدر بايستند. همان اول که این تیم را می بینید و یک نفر آن را از بیرون ارزیابی می کند متوجه می شود که این تیم نمی تواند مقابل آن تیم قدر بايستد چون مهره های این تیم ، مهره هایی نیستند که با هم لینک باشند. شاید یک تیم ، ضعیف باشد اما هماهنگی خوبی داشته باشند. شاید یک تیم خیلی قوی باشد اما هماهنگی نداشته باشد. البته انتصابات موجود محدودیت هایی برای دوستان در حوزه سیاسی داشت. در حوزه سیاسی بحث این بود که معاونین ، فرمانداران و بخشداران از وزارت کشور باشد و این یعنی محدود کردن گزینه های انتخاب. اما بین همین گزینه های موجود هم انتخاب می توانست بهتر باشد.

◇ شما چگونه نقد کارشناسی خودتان را به هرم مدیریتی استان انتقال دادید؟

یکی از ایرادات ما این است که مقتدایی اصلاً برای انتخاب مدیران با کسی مشورت

سرمایه گذاری ، قرابت فکری با دکتر مقتدایی دارم. در این زمینه ، با ایشان صحبت کردم و عین جمله اش این بود : " شما تا فرودگاه سرمایه گذار را برسانید من برایش فرش قرمز پهن می کنم." این اقدام مقتدایی ، کار مرا راحت می کند. در حال حاضر نیز برای جذب سرمایه گذار اقدامات خوبی صورت گرفته است. یک سال و نیم پیش ، به همراه سفیر جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان از سرمایه گذار ترک دعوت به سرمایه گذاری در خوزستان کردیم و این سرمایه گذار در آبادان مشغول سرمایه گذاری در پروژه تولید بنزین یورو ۵ و گازوئیل یورو ۴ است و اکنون نیز ۶۰ درصد کارها انجام شده است. این پروژه ، اشتغال ۱۰۰۰ نفر به همراه دارد. در جریان کار ، این سرمایه گذار مشکلاتی برایش پیش آمده بود که وی را به استانداری ارجاع دادم و آقای خبیر معاون سیاسی استاندار جلساتی با ایشان داشت و مشکلات شان را حل کرد. باید مشکلات پیش روی سرمایه گذاران را حل کنیم تا بتواند با خیال راحت سرمایه گذاری کند. حال این سرمایه گذاری کجای استان باشد مطرح نیست. مهم این است که در استان ایجاد اشتغال شود.

◇ به نکته خوبی اشاره کردید. یکی از انتقاداتی که از مقتدایی می شود این است که ثقل فعالیت های اقتصادی خوزستان را به سمت جنوب استان هدایت می کند و مرکز استان و شمال خوزستان کمتر مورد توجه ایشان بوده است. شما تلاش نمی کنید که عدالتی در سرمایه گذاری در دوره جدید ایجاد شود؟

مطمئناً باید همین گونه باشد. اما متأسفانه در ادوار گذشته به زیرساخت ها چندان توجه نکردیم. برای اینکه بتوانیم سرمایه و سرمایه گذار را به یک منطقه سوق دهیم باید امکاناتش را تهیه کرد. فرض کنید که سرمایه گذار بخواهد برود شمال استان . از کدام جاده باید برود؟ شرایط جاده ای چگونه است ؟ تولیدش را چگونه می خواهد جابجا کند؟ متأسفانه زیرساخت ها مهیا نیست. همین الان یکی از مشکلاتی که استان دارد این است که بالای ۹۰ تا ۹۲ درصد صنعت استان یا در اهواز است یا در ماهشهر و بندر امام . فقط یک پالایشگاه در آبادان داریم . جدیداً یک سری کارها هم دارد انجام می شود. زمانی ، یک سرمایه گذار گفت که می خواهم شرکت فولاد یک میلیون تنی در استان احداث کنم. به او گفتم که در هر نقطه ای از خوزستان خواستید بروید و سرمایه گذاری کنید. این سرمایه گذار ، دزفول را انتخاب کرد. اکنون کارهایش انجام شده و فکر می کنم یک یا دو سال دیگر به تولید برسد. باید سرمایه گذار را آزاد گذاشت. من به عنوان نماینده اهواز باید در حمیدیه ، کارون و جاهای مختلف اهواز سرمایه گذار بیاورم و سرمایه گذار خاص هم می آورم اما وقتی یک سرمایه گذار حاضر نیست در این مناطق سرمایه گذاری کند باید رهایش کنیم ؟ مطمئناً برای مناطق دیگر خوزستان از این سرمایه گذار باید استفاده کرد.

◇ آقای حسینی ، شما در ملاقات های مردمی خود نزدیک به ۴۰۰ نفر مراجعه کننده حضوری دارید. همین تعداد هم روزانه برای حل مشکلات از سوی مردم تماس دارید. فکر نمی کنید استانداری و فرمانداری مکانیزمی برای مراجعه مردم ندارد که این همه مراجعه کننده سمت شما می آید ؟ فکر نمی کنید در دوره آقای مقتدایی باید این مکانیزم ایجاد شود؟

اجازه بدهید در این رابطه توضیحی بدهم . قبلاً هم به این موضوع اشاره کرده ام که ملاقات عمومی نمایندگان ، نمود عدم انجام کارها توسط مدیران است. اگر مدیری بدون دغدغه ، ملاقات عمومی داشته باشد و طرح تکریم و میز خدمت اجرایی شود و مشکلاتی که بشود حل کرد را حل نماید ، دیگر با این حجم زیاد از ملاقات های مردمی مواجه نخواهیم بود. اگر این اتفاق بیفتد فکر می کنم دفاتر نمایندگان شاهد این همه ملاقات نخواهند بود. بیشتر مراجعات مربوط به اشتغال و بیکاری است. بیکاری در همه خانواده ها وجود دارد اما مشکل ما علاوه بر بیکاری ، بی عدالتی است. در کمال تأسف به عین می بینیم در یک خانه دولتی در شهرک نفت که در اختیار یک مدیر قرار گرفته، چهار ماشین وجود دارد. تمام اعضای خانواده - از خانمش گرفته تا پسر و دخترش - را با پارتی بازی بر سر کار گذاشته و استخدام کرده است. حتی خواهر خانمش را هم از شهرستان آورده و استخدام نموده ! اما در خانه ای در حاشیه شهر و مناطقی همچون منبع آب ، شلنگ آباد ، حمیدیه ، کوت عبدالله و ... می بینیم پدری با ۸ بچه ، مجبور است ...

◇◇ بی عدالتی توسط سیستم و دولت اتفاق نیفتاده

است توسط ما مسئولین استانی اتفاق افتاده. توسط مدیرانی که

فقط دنبال این هستند که به آشنایان خود کار بدهند

از صبح بر سر فلکه بایستد و معلوم نیست که در آن روز، کار گیرش می آید یا نه. این بی عدالتی باید از بین برود. این نوع بی عدالتی توسط سیستم و دولت اتفاق نیفتاده است توسط ما مسئولین استانی اتفاق افتاده. توسط مدیرانی که فقط دنبال این هستند که به آشنایان خود کار بدهند. جوانی که می آید پیش من، از بیکاری می نالد اما بیشتر از بیکاری، از بی عدالتی می نالد. در یک شرکت دولتی چندین نفر از اعضای خانواده مشغول به کارند و در خانه ای تمام اعضای خانواده بیکارند....

◇ یکی از دلایل به وجود آمدن این مشکل، ناکارآمدی مدیران استان و وجود فساد اداری در بخش های استان است. شما در وجود مقتدایی این شجاعت و قاطعیت را برای مبارزه با فساد و تبعیض موجود، می بینید؟ در روزهای اولی که با ایشان نشست هایی داشتم و چند سخنرانی از ایشان دیدم مشاهده کردم که صحبت های درون اتاقی و تنهایی با بنده، همان صحبت هایی ست که پشت تریبون می گوید. این نشان دهنده شجاعت و صداقت مقتدایی ست. اگر صحبت های درون اتاق با صحبت های پشت تریبون متفاوت باشد مطمئنا این شخص شجاعت برخورد با مفاسد و تبعیض ها را ندارد. در مقتدایی این شجاعت و مردمداری را می بینیم که مشکلات موجود را حل کند اما به تنهایی قادر نخواهد بود.

◇ تجربه نشان داده در استان، یک مدیر شجاع و به قول شما صادق معمولاً وقتی با حوزه های منتفذ قدرت روبرو می شود یا کم می آورد یا توانش به تحلیل می رود و یا عوض می شود. چه پیش بینی برای مقتدایی دارید اگر به همین رفتار صادقانه ایش ادامه دهد؟

مقتدایی اگر بتواند مجموعه افرادی که عین خودش فکر می کنند و عین خودش شجاع هستند و دنبال بحث های شخصی و خصوصی خود نیستند و دنبال این نباشند که افراد نزدیک به خود و آشنا را بر سر کار بگذارند از اطراف خود جمع کند مطمئنا ضربه پذیری اش کمتر می شود. اما اگر بخواهد مدارا کند فکر می کنم که نبودن بهتر از بودن است.

◇ آقای مقتدایی یکی دو ماه پس از انتصاب از تاثیر منفی پدرخوانده های استان بر روی فرایند انتصابات سخن گفته بود. شما چه تحلیلی از این موضع دارید؟

روز اول هم گفته ام که ما انتخاب مان بد است؛ انتخاب مان برای مسئولیت ها بد است. نمی گویم که گزینه های متعدد انتخاب نداریم بلکه بالعکس؛ گزینه های متعددی وجود دارد اما فقط آدم هایی را که داریم می بینیم استفاده می کنیم. از کل ظرفیت استان استفاده نکرده ایم. آدم های باسواد داریم، آدم های کارمند داریم، آدم های متخصص داریم که می توانند بعضی از مدیریت ها را متحول کنند. اما حاضر نیستند دنبال یک مسئول بدون. این ها را باید پیدا کرد. اینکه آقای مقتدایی گفته پدرخواندها و دخالت در انتصابات، اینگونه مسائل وجود دارد. اما چند مسئول، چند پدرخوانده، چند نماینده زیر این فشارها می ایستند و می گویند نه... ما مسئول انتخاب نمی کنیم. اصلا من یک سوال دارم. ما چه کاره ایم که مسئول انتخاب کنیم؟

◇ شما در این مدت کسی را برای انتصاب معرفی نکردید؟

۶ سال است که اصلا کسی را معرفی نکرده ام. یکی از دلایل ریزش نیروهای اطراف هم همین مسئله است. افرادی که دور و بزم دنبال مسئولیت بودند رفتند. اختلاف هایی که وجود دارد به خاطر همین مسئولیت هاست. معتقدم من نماینده، باید دنبال گزارش عملکرد مسئولین باشم. اگر بنده شخصی را برای پست و مقامی معرفی کنم، فقط باید از این فرد دفاع کنم؛ حتی اگر خراب کند و موفق نباشد. این یکی از ایرادات برخی از ما مسئولین است. الان مدیرانی داریم که از سوی برخی افراد منصوب شده اند اما چون خودشان این ها را معرفی کرده اند از افراد منصوب خود با وجودی که می دانند ضعیف است و عملکرد نامناسبی دارد، دفاع می کنند. برخی مواقع، یک مدیر ضعیف است و می خواهیم عوض اش کنیم اما در کمال تعجب، ضعیف ترش را می آوریم! جلو این موارد می ایستم.

سید شریف حسینی: باید از جزیره ای عمل کردن پرهیز کرد

معاونین به جای استاندار تصمیم می گیرند

انجام شود؛ نه اصلاحاتی که من چه کسی دلم می خواهد یا دیگری چه کسی دلش می خواهد. اینکه کسانی را بگذارند که باری بر زمین مانده بلند کنند. بعضی مدیران، آدم هایی نیستند که بتوانند این کار را انجام دهند. در حال حاضر در مرکز استان خوزستان و در شهرستان کارون از ۴۰ خانه، بالای ۹۵ درصد آب شرب ندارد. مردم در کوت عبدا. از بی آبی چاه زده اند و از آب چاه استفاده می کنند! این فاجعه است. می دانید آب چاه در خوزستان چه معنی می دهد؟ آب چاه آب های سطح الارضی هستند که از جوی های رو باز انباشته می شود. به عبارتی بهتر یعنی فاضلاب.

این شرایط فعلی ماست؛ اعتبارات انقباضی، مالیات انقباضی و در حال افزایش... ما اگر می خواهیم مقتدایی را به نقد بشیم باید شرایط موجود را دید؛ چیزی که به او داده ایم و چیزی که از او می خواهیم. در هر سیستم، یک ورودی، یک فرایند و یک خروجی وجود دارد. فرایند وظیفه مقتدایی ست اما ورودی و خروجی کار، باید درست قیاس شود. آیا خروجی مقتدایی به اندازه ورودی است؟ یا بیشتر است؟ اگر بیشتر از ورودی باشد فرایندش خوب است و اگر کمتر باشد باید فرایند، اصلاح شود. من فکر می کنم - به صورت کلی - شرایط خاصی در خوزستان وجود دارد. با چهار لامپ و چراغ و زدن ۴۰ پل در اهواز مشکلات مان حل نمی شود. ما چقدر پل می خواهیم؟ این را بارها گفته ام. بلد نیستیم درست هزینه کنیم. احداث ۹ پل بر روی کارون تا چه حد کاربرد دارد؟ بروید ماشین هایی که از روی پل هشتم (پل کابلی) عبور می کنند را بشمارید و ببینید روزانه چقدر خودرو از این پل رد می شود و تا چه اندازه در کاهش ترافیک موثر است؟ ما در استان بد هزینه می کنیم. دبلیش این است که در استان، نقشه راه و برنامه توسعه نداریم. ما می توانستیم یک پل کم کنیم و در عوض آن به آب و فاضلاب منبع آب یا کوت عبدا. رسیدگی کنیم. آب شرب، اولویت اولیه ماست نه پل. ما در این استان چکار داریم می کنیم؟! باید فکری اساسی برای اهواز و خوزستان کرد. فکر اساسی این است که از جزیره ای عمل کردن باید پرهیز کرد. نماینده نباید به خاطر اینکه از مردم رای بگیرد انتقاد کند. مسئولین، برای اینکه از خودشان رفع مسئولیت کنند، نمایندگان را به باد انتقاد بگیرند و نگویند من می خواستم کار کنم اما این نمایندگان پول نیاوردند. زمانی که در کنار هم قرار گرفتیم، با هم تشویق شدیم و اگر انتقادی از سوی مردم بود با هم آن انتقاد را پذیرا بودیم، من فکر می کنم این استان پیشرفت کند.

◇ برخی ها می گویند بُعد سیاسی مقتدایی پررنگ تر از بُعد اجرایی اوست. نظر شما چیست؟

بُعد سیاسی ایشان را خیلی پررنگ نمی بینم و انتصاب هایش خیلی سیاسی نیست. معاونین مقتدایی (احمد سیاحی، دهقان، خبیر، عماد و ...) شناسنامه دار سیاسی نیستند و خیلی آدم های شناسنامه دارتر از این ها در بحث احزاب وجود دارد. بنابراین شقّ اجرایی مقتدایی پررنگ تر است.

◇ سوال آخر اینکه شما و آقای مقتدایی هر دو رکورددار هستید. شما رکورد بیشترین رای یک نماینده در تاریخ این استان و آقای مقتدایی هم تنها استاندار بومی ست که دو بار استاندار شده است. استنباط ما از این مصاحبه این باشد که یک رکورددار به یک رکورددار چک سفید داد؟

خودم را رکورددار نمی دانم. من با ۲۱۰ هزار رای، بار مسئولیت بیشتر شده و آقای مقتدایی هم با آمدن دوباره به استان، بار مسئولیت اش دو برابر شده است. ما زیر این بار نباید کمر خم کنیم. در تعامل با همدیگر نان به هم قرض نمی دهیم. معتقدیم در کنار هم بودن نمایندگان، مسئولین اجرایی و علمای دینی استان، می تواند خوزستان را از این وضعیت خارج کند. هر چقدر بیشتر بنامیم و کار نکنیم فنر تحمل مردم جمع تر می شود. بتدریج از روزی که مردم از دست ما شاکی بشوند. معتقدم شرایط استان می تواند خوب و ایده آل شود اما ما خودمان باعث عدم پیشرفت شده ایم. وقتی می گویم "خودمان" منظوره "همه" است؛ از صدر تا ذیل. ما تا حالا گوش چند مدیر را پیچانده ایم که جواب مردم را ندانند؟ استان با این وضعیت درست نمی شود. استاندار خوزستان باید کمر بندش را محکم ببندد و خودش را برای برخورد با چنین مدیرانی آماده کند. اگر چنین کرد، من حسینی تمام قد در خدمت هستم. اما اگر استاندار برخورد نکند و بخواد تعامل نماید، من در کنار هیچ کسی نیستم... من با مردم هستم.

◇ فکر می کنید اگر دو سال بعد با هم صحبت کنیم می گوید مقتدایی می خواست ولی نتوانست یا می گوید مقتدایی نتوانست ولی می خواست؟

مقتدایی می خواهد و می تواند؛ اگر همفکری کند، اگر هماهنگ باشد اگر اعتقاد داشته باشد که دیگران هم می توانند در کنارش باشند و می توانند به فکرش اضافه کنند و به او همفکری دهند. من می گویم باید از تک محوری خارج شویم.

◇ آقای مقتدایی بعد از اینکه فشارهایی از طرف ستاد روحانی در استان برای معرفی و انتصاب برخی مدیران متحمل شد علنا در یکی از سخنرانی ها گفت که اسم این افراد را افشا می کنم و می گویم که چه فشارهایی را دارند به من می آورند. چقدر پای آقا مقتدایی می ایستید؟ روی چه موضوعی؟

◇ روی موضوعاتی که ایستادگی دارد؟

در جاهایی که با شجاعت و صداقت می ایستد محکم در کنارش می ایستم اما این انتخاب مدیرانی که من دارم می بینم انتخاب هایی نیست که آدم بخواهد پایشان بیاستد. کار آقای مقتدایی از انتخاب گذشته و اختیار را به دست معاونینش داده است. این را هم از خودش شنیده ام و هم در سخنرانی هایش به صراحت اعلام کرده است.

◇ فکر نمی کنید این یک فرمولی ست که انتقادات مستقیما متوجه مقتدایی نشود؟

نه. مقتدایی جزو افرادی ست که اگر در مدیریت اش کسی اشتباهی بکند- برخلاف سایر استانداران گذشته که همه مسئولیت ها را گردن دیگران می انداختند - مسئولیتش را می پذیرد. با اینکه تصمیم گیرندگان کسان دیگری هستند اما مسئولیت اش را خودش می پذیرد و این جای تقدیر دارد چرا که وقتی شخصی با چنین مدیری کار می کند انگیزه اش برای خدمت چند برابر می شود.

◇ مقتدایی در هرمزگان یک مدیر اجرایی توانمند بود و هنوز نیز از وی به نیکی در آنجا یاد می شود. حال سوال اینجاست که این عیب از شرایط خوزستان است که وقتی یک مدیر اجرایی قوی وارد استان می شود قدرت اجرایی اش سلب می شود؟

هنوز قدرت اجرایی از مقتدایی گرفته نشده و دارد کارش را انجام می دهد. فکر می کنم که مقتدایی زیرساخت های کاری که می خواهد انجام دهد را دارد آماده می کند. البته باید گفت که هرمزگان با خوزستان متفاوت است؛ خوزستان پیچیدگی های خاصی دارد و این پیچیدگی ها را با درایت باید از کنارش گذشت. مقتدایی این درایت و تجربه را دارد و تصور این است که می تواند موفق شود. اما در حال حاضر انتقاداتی به مقتدایی وجود دارد؛ ایشان باید از تمام ظرفیت ها استفاده کند. مقتدایی الان از ظرفیت های مختلف اقوام در زمینه های مختلف خوب استفاده نکرده است. اگر بتواند از این ظرفیت ها خوب استفاده کند آن مقتدایی که مدنظر خوزستان و خوزستانی هاست نمود پیدا می کند. مقتدایی فعلا به عنوان استانداری که دارد زیرساخت ها را آماده می کند جای نقد ندارد. عملکردها به ظهور که نشست آن موقع نقد یا تقدیر خودش را نشان می دهد. فکر می کنم باید زمان بیشتری به یک استاندار بدهیم تا بتوانیم عملکردش را ارزیابی کرد.

◇ آینده مقتدایی را با این روند چگونه پیش بینی می کنید؟

آینده مقتدایی مهم نیست آینده خوزستان مهم است.

◇ اگر همین روند را ادامه دهد؟

اگر همین روند ادامه دهد و خروجی هایش مثبت باشد تا آخر پای مقتدایی می ایستم که بماند.

◇ تاکنون خروجی های مثبتی داشته است؟

در بحث سرمایه گذاری عملکرد خوبی داشته است اما در بحث انتصابات باید اصلاحاتی

نگاهی به سخنان طنز و حکایت های آبادانی عبدالحسن مقتدایی

لجباز اما با دنده طنز



علی محمدیان: معمولاً هر فردی ادبیات یا دیالوگ های بازی دارد که به دلیل تکرار مکرر، بدان شناخته می شود. حال اگر این فرد صاحب منصب باشد و پست و مقامی داشته باشد به خاطر ارتباط با رسانه ها و انعکاس گفته هایشان، بیش از پیش مورد توجه قرار می گیرد. به عنوان نمونه محمد غرضی استاندار خوزستان در دوران سازندگی، ادبیات خاصی داشت که در مناظره های انتخابات ریاست جمهوری خود را نشان نداد. او در سه مناظره ریاست جمهوری، بیش از ۱۵ بار روایت تاریخی نقل کرد. در مناظره اقتصادی گفت که "ما در ۱۰۰ سال گذشته تولید نداشتیم و اشتغال وقتی سامان پیدا می کند که تولید سامان پیدا کند و اشتغال بعد از اینکه محکم جلوی تورم بایستیم تولید می شود."

یا در مناظره فرهنگی اشاره می کند که "سید علی همدانی در زمان حمله تیمور به کشمیر می رود با صومعه مباحثه می کند و تمام شوق خاورمیانه را مسلمان می کند این توسط دولت انجام نشده من بزرگان را می بینم این که توانایی های دولت و مسئولیت های دولت چیست" در مناظره سیاسی هم نامزدهای دیگر را رها کرد و خطاب به حیدری مجری برنامه گفت که "آقای حیدری سال ۱۳۲۸ هنگامی که سازمان ملل تاسیس شد در مسجد نو اصفهان، مرحوم حاج میرزا رضا شیرازی به منبر رفت و قانون شورای امنیت را با نام حضرت امیر به مالک مقایسه کرد و گفت ببینید مردم این منشور سازمان ملل است و این هم مکتبه حضرت امیر."

غرضی استاندار سابق خوزستان البته روی سن خود و ۱۶ سالی که در این کشور وزارت داشته هم کم تاکید نکرد. او در مناظره سیاسی گفت که در طول این دوره ۱۶ ساله ای که ما در دولت بودیم، این کلمه را یاد گرفتیم که سیاست خارجی انعکاس استعداد داخلی است. وی در این مناظره ۲۳ بار از کلمه استعداد داخلی در مناظره سیاسی استفاده کرد. در پشت صحنه مناظرات هم وقتی از او پرسیده می شود که آیا برای مناظره سیاسی آماده اید تاکید می کند که ۷۲ سال سن دارد و ۱۶ سال در این کشور وزارت داشته است مگر می شود آماده نباشد.

محمود احمدی نژاد رییس جمهور سابق نیز ادبیاتی یگانه و منحصربه فرد داشت. این تکبودن را در ادبیات منحصربفردش به وضوح می توان دید. از همان روز که در مقابل دوربین های تلویزیونی و خبرنگاران در مقام شهردار تهران جواب کوبنده ای به اعتراض رییس جمهوری وقت اصلاح طلب داد که از ترافیک تهران نالیده بود، این ادبیات را به رخ همه کشید. ادبیاتی که احتمالاً فقط او می توانست استفاده کند. همین نوع گفتار عامیانه و رفتار او باعث شد مشهور شود به رییس جمهوری که صریح است و بی پروا و ملاحظه کسی را نمی کند؛ مگر دوستان صدیقش. او از ابتدا هم قرار خود را گذاشته بود که به زبان مردم کوچک و خیابان سخن بگوید و رفتار کند و همین ادبیات او را از دیگر روسای جمهور متمایز کرده بود.

در میان استانداران خوزستان به غیر از غرضی، شاید یک یا دو نفر دیگر ادبیاتی منحصر به فرد داشته باشند که با آن شناخته شوند. یکی از این استانداران دکتر مقتدایی ست که هر چند به قول خودش آدمی "لجباز و یک دنده" است اما جوک ها و لطیفه های آبادانی و سخنان طنز، پای اصلی جلسات رسمی و غیر رسمی اش شده است. در ذیل به برخی از این سخنان طنز که مقتدایی برای تلطیف جلسه و خارج شدن از حالت خودگی یا جلب توجه حضار بر زبان جاری کرده اشاره می شود:

* وقتی در مدرسه مبصر شدم کلاس آروم شد هیچ وقت اسم کسی را به ناظم ندادم

مروری بر سخنان منتشر نشده یا کمتر شنیده شده از مقتدایی

از تیپ مجری العالم تا تئاتر ایران زمین

* برای تامین مالی سازمان های مردم نهاد همانطور که کمک به فلان مسجد را قبض می کنند برونند بگویند ما هم تعدادی جوان هستیم می خواهیم به دولت وابسته نباشیم کمک مالی کنید.

* اگر زنده بودم تا دو سال آینده تعداد ۲۰۰ سازمان مردم نهاد را در سطح استان باید تحویل دهم نه به کسی، خودم می خواهم به جامعه تحویل دهم، به خود من هم اعتراض کنند.

* می گردیم درون هر سازمان آدمی که متخصص آن کار و کسی که بنیه مالی را داشته باشد را در این سازمان های مردم نهاد قرار می دهیم که این ها تامین باشند نشريات در این راه کمک کنند.

* بارها و بارها گفته ام که این همه سرعت گیر در خیابان ها توهین است؛ نسل جدید باید یاد بگیرد که به قوانین احترام بگذارد تا نیازی به نصب سرعت گیر در خیابان نباشد. به هر شکل ممکن این گونه اقدامات را از شهرهای کوچک شروع کنیم و نداریم و نمی شود نداشته باشیم.

* افرادی که من را می شناسم می دانند من به هیچ گروه یا دسته و یا جریان سیاسی باج نمی دهم، استانداری یک شرکت سهامی نیست که به همه سهمی داده شود.

عده ای نماز خود را در خانه می خوانند باید به هر دو گروه احترام گذاشته شود چون همه این ها عائله نظام هستند.

* چطور در انتخابات با همه افراد با تیپ های مختلف مصاحبه می کنند یعنی آن ها شهروند ما هستند و رای آن ها برای ما محترم است باید برای این هم برنامه ریزی کنیم.

* وقتی تیم هنری و فرهنگی من کامل شد طرح های مدنظرم را اجرا می کنند در ذهنم برخی طرح ها هست مثل ایجاد فضایی برای قایق های شخصی در هر رودخانه.

* چه کسی گفته آن جوان مانند من باشد حق ندارم به او تحمیل کنم که فلان کار را انجام بدهد.

* چرا در این استان سخت می گیریم خب کسی خلاف کرد برخورد کنیم چطور مجری شبکه العالم که بیرون از کشور پخش می شود هر نوع تیبی می تواند بزند ولی داخل جور دیگری است چرا با بیرون طوری حرف می زنیم و با داخل طور دیگری اگر چیزی خوب است خب خوب است دیگر!

* جایی از استان دفاع می کردم و گفتم اگر ستم اقتضاء می کرد و به من نمی خندیدند در اعتراض به بعضی موضوعاتی که حقوق استان در استان رعایت نمی شد با جوان ها همراه می شدم ولی چه کنیم که راه پس و پیش ندارم.

به همان اندازه که استاندار خوزستان حرف های غیر جدی و سخنان طنزگونه گفته است به همان اندازه نیز سخنانی مطرح کرده که بنا به دلایلی رسانه ای نشده است. عمده این سخنان بیشتر رنگ و بویی فرهنگی و اجتماعی دارد که در ذیل به بخشی از آن اشاره می شود:

* اگر برگردیم زمانی که ما برنامه های فرهنگی ریشه ای در استان را پیگیری می کردیم می بینیم دو توافق نامه با وزاری سابق فرهنگ و ارشاد آقایان مهاجرانی و مسجد جامعی داشتیم که ثمرات زیادی برای خوزستان داشت.

* در جشنواره تئاتر ایران زمین یک سالی شخصی کاری کرد خب آن را تقبیح و عزل کنند ولی می توانند از ظرفیت آن جشنواره استفاده کنند یعنی محتوایش را پالایش کنند نه اینکه تعطیل کنند.

* جشنواره فیلم های اجتماعی چرا در خوزستان تعطیل شد آن ها که فقط فیلم اجتماعی کار می کردند مثل اصفهان که جشنواره فیلم کودک را برگزار می کند تلاش من این است که آن جشنواره ها راه بیفتند مجموعه هایی که بتوانند اثربخش باشند و روحیه مردم را تغییر دهد تقویت کنیم.

* همه مردم ما کسانی نیستند که ۱۷ رکعت نماز خود را در مسجد می خوانند بلکه

به روایت تصویر



استاندار خوزستان در دیدار با نجف دریابندری و حمید فرخ نژاد از هنرمندان آبادانی

عکس مشترک با استاندار سابق



مقتدایی در کنار مهلی هاشمی و عارف - نشست فیلم استرداد در تهران



دفاع تمام قد نماینده اصولگرا
از استاندار اصلاح طلب

بگذارید مقتدایی کار خود را بکند

سید شکرخدا موسوی را می توان پدیده انتخابات مجلس نهم در اهواز دانست. هم او که توانست با کسب ۱۲۲ هزار رای رقیبان کارگشته ای چون جویجری، موسوی و فلسفی را از پیش بردارد و به مجلس راه یابد. شکرخدا موسوی پس از سال ها خدمت در سپاه و بسیج و اتمام دوره خدمت در این نهاد، به یکباره وارد فضای رقابت های سیاسی شد و با توجه به پیشینه مردمی و ساده زیستی با اقبال جامعه خوزستانی مواجه شد. اکنون نیز در مجلس از جمله نمایندگان فعال خوزستانی است. با او که یکی از نمایندگان شاخص جریان اصولگرای مجلس نهم محسوب می شود در خصوص عملکرد استاندار دولت اعتدال به گفت گو نشستیم.



◇◇ به شورای شهر اهواز گفتم به جای گزینه های
ضعیف به سراغ امثال نیکزاد و بهبهانی بروید چرا که معتقدم
کارهای بزرگ توسط انسان های بزرگ سامان می یابد

◇◇ اگر مقتدایی بر سرعت اقدامات خود بیفزاید
و از حرکت های پوپولیستی پرهیزد و تحت فشارها تصمیمی
نگیرد چشم انداز خوبی را برای استانداری خواهیم دید

از میان صحبت ها

گفتگوی اختصاصی راوی با سید شکرخدا موسوی نماینده اهواز

برخی افراد به مقتدایی تحمیل شدند

◇ شما اخیراً در مصاحبه ای گفتید که استاندار خوزستان باید شخصیتی در حد رئیس جمهور داشته باشد، برخی از این تشبیه شما برداشت نقد و کنایه به مقتدایی استاندار فعلی را داشته اند، این برداشت از آن صحبت درست بود؟

استان خوزستان به سبب موقعیت سوق الجیشی و نقشی که در تولید درآمد ملی کشور دارد و همچنین حساسیت های بین المللی و ظرفیت های انسانی را می توان قلب کشور نامید، با این تفسیر کوتاه و موجز از موقعیت ژئوپلتیک استان مسلم است که سکندار هدایت چنین استانی می بایست شخصیتی باشد که واجد ویژگی ها، توانمندی ها و شاخص های خاصی باشد که او را می تواند در تراز یک رئیس جمهور قرار دهد. سخن من از این منظر شاهد بوده ایم که مثلاً فرزند یک نجار، آهنگر و یا روحانی ساده به مقام ریاست جمهوری رسیده و یا یک معلم ساده که زمانی حتی دستفروشی می کرده توانسته به مقامات بالای کشور نائل آید. پس مقام ریاست جمهوری در کشور ما یک پوزیشن دست نیافتنی نیست. منظور بنده نشان دادن اهمیت استانداری خوزستان بود. آقای مقتدایی هم در گذشته کاندید سازمان تربیت بدنی و ریاست فدراسیون فوتبال و چندین وزارتخانه کشور بوده اند و اگر هم در این مقامات کشوری قرار نگرفته اند بنا بر شنبه های من به دلیل امتناع و علاقه ایشان

اجازه بدهید... اولاً مقتدایی منصوب دولت جدید یازدهم است. من به عنوان یک کنشگر سیاسی معتقدم که هر انتخاب و تغییر، یک پیام دارد. مثلاً اگر مردم از عملکرد نمایندگان دوره گذشته رضایت داشتند حتماً من به عنوان منتخب آن ها به مجلس راه نمی یافتم پس پیام اول انتخاب بنده، تغییرخواهی مردم بود و من باید در همان جهت باشم. آقای مقتدایی هم انتخاب این دولت بود که با رای ملت و تفیذ مقام معظم رهبری روی کار آمده و ما شرعاً و قانوناً تضعیف دولت ها در جمهوری اسلامی را بر نمی تائیم. سخن بعد این که ایشان فرزند خوزستان و از سرمایه های انسانی استان به شمار می روند. دو دوره نمایندگی، دو دوره استانداری و حضور چهار دهه ای پویا و فعالانه در تحولات استان، او را نسبت به مخاطرات و مشکلات جامعه خوزستانی، آبدیده کرده است. حالا چرا من باید از این انتخاب ناراضی باشم را نمی دانم.

◇ به سوال من در خصوص تضاد سیاسی خود و آقای مقتدایی هنوز پاسخ نداده اید؟

البته من نمی دانم که اختلاف سلیقه، تضاد سیاسی محسوب می شود یا خیر. ببینید من شنیدم از وزیر کشور که انتخاب مقتدایی با خشنودی مقام معظم رهبری همراه بوده و نماینده محترم ولی فقیه در استان نیز با این انتخاب موافق بوده اند. وی نیز همواره نسبت به جایگاه رهبری در نظام ما خشوع و ارادت داشته است. پس در این انتخاب حساسیت های مقام ولایت رعایت شده. در سال های گذشته هم ما از آقای مقتدایی مواضع ساختارشکنانه غیرقانونی سراغ نداریم که او را از دایره نیروهای وفادار نظام خارج کند. حتی بارها شاهد بوده ایم که او در دفاع از نظام و ارزش های آن به میدان آمده است. پس می توانم بگویم که من و آقای مقتدایی در اصول سیاسی تضادی نداریم.

◇ اما همواره انتخاب ایشان در انتخابات ریاست جمهوری سال های ۸۸، ۸۴، و ۹۲ و پیش از آن در مقابل انتخاب های شما بوده است؟

باز هم که نیت خوانی و پیشگویی کردید. در برخی از این سال ها که اشاره کردید رای بنده مخفی بوده چرا که به دلیل حضور در لباس مقدس پاسداری انقلاب اسلامی و عمل به فرموده امام راحل، منع جدی برای فعالیت علنی سیاسی داشتم و شاید فرزندانم نیز از آرای که داده ام خبر نداشته اند اما پس از دوران بازنشستگی و بخصوص در سال ۹۲ از کاندیدای مورد علاقه ام که آقای محسن رضایی بود حمایت علنی کردم البته این حمایت هم بر اساس مصلحت سنجی هایی بود که برای استان خوزستان مد نظر داشته ام. اضافه بر آن، در نظام جمهوری اسلامی همه مردم در هر سطحی به ویژه نخبگان می توانند در حدودی که قانون و محذورات امنیت ملی تعیین کرده است فعالیت سیاسی داشته باشند.

این که یک نفر بنا بر تشخیص خود از کاندیدای تأیید شده شورای نگهبان و نظام حمایت کند و حتی برای آن فعالیت نماید از نظر بنده نه تنها مذموم نیست بلکه امری در جهت افزایش مشارکت سیاسی مردم در راستای قدرت افزایی ساخت دورنی نظام است. توصیه برادرانه بنده به همه فعالان سیاسی عمل به توصیه مقام معظم رهبری در خصوص جذب حداکثری است. مگر اصل سرمایه ما چقدر است. باید از سرمایه انسانی خود صیانت کنیم. در عین حال برای نخبگان خود میزانی از آزادی عمل برای میل به سلاقی سیاسی شان قائل باشیم. مگر قرار است همه یک جور فکر کنند. مهم این است که همه افراد و فعالان، وفادار به اصول و آرمان های انقلاب اسلامی مورد نظر امام راحل و مقام معظم رهبری بوده و خود را همواره ملزم به رعایت و حرکت در چارچوب قانون اساسی بدانند. هیچ گاه در زمین دشمن بازی نکنند و بلندگوی بدخواهان نباشند. بصیرت

سیاسی داشته باشند. به نظر بنده جناب مقتدایی با حفظ این شاخص ها یک سیاستمدار برجسته و ولایتمدار است. با این حال ممکن است سلیقه سیاسی او متفاوت با بنده باشد که تأکید می کنم مهم این است که همه ظرفیت انسانی استان برای رفع محرومیت استان همراه و هم آهنگ باشند.

◇ پس اگر از این سوال بگذریم می خواستیم به طور شفاف و صادقانه از نحوه انتخاب مقتدایی به عنوان استاندار خوزستان به روایت شما بدانیم؟

رویه دولت یازدهم در انتخاب استانداران این بود که از مجمع نمایندگان استان در مجلس، اعضای ستاد مرکزی انتخاباتی دکتر روحانی در خوزستان و برخی گروه های مرجع، حامی، ذینفوذ و همسوی دولت در استان و برخی افراد مانند آقایان شمخانی و رضایی برای استانداری خوزستان نظر خواهی کردند. همه این افراد و گروه ها نیز لیست هایی با اولویت های مختلفی به وزارت کشور عرضه داشتند. فکر می کنم آقای مقتدایی گزینه مشترک بسیاری از این لیست ها و به ویژه لیست مجمع نمایندگان بود که من هم در ارائه آن لیست نقشی داشتم. در ادامه وزارت کشور به چندین گزینه می رسد که حتی نام گزینه هایی مانند مقیمی، تولایی و جادری در آن لیست یابایی به چشم خورد. برخی برای ریزنی با بزرگان به استان آمدند و در نهایت با توصیه بزرگان و به نظر اجماعی که در مرکز هم بوجود آمد آقای مقتدایی به استانداری خوزستان برگزیده شدند. علی القاعده به سبب اهمیت موضوع، من هم روند انتخاب استاندار را رصد و مونیتورینگ می کردم. قطعاً انتخاب مقتدایی مورد رضایت بنده بود. او را بهترین گزینه معرفی شده می دانستم که استانداری را قبلاً تجربه کرده بود، از نمایندگان مبرز و با تجربه محسوب می شد. از جمله صنعتگران دست پاک خوزستانی به شمار می رفت و در این سال ها هم در استان حضور داشت. دوستانی که من را از نزدیک و حتی دورادور می شناسند تصدیق می کنند که اگر بنده قلباً استانداری مقتدایی را مضرّ حال استان می دانستم حتماً موضع مخالف خود را اعلام می کردم و حتماً مخالفت خود را به صورت عملی نیز نشان می دادم. مختصر اینکه مقتدایی جزو گزینه های انتخابی ما بود و به نظر من از همه گزینه های معرفی شده یک سر و گردن بالاتر بود.

◇ واقعاً شما، مقتدایی را بهترین گزینه می دانستید؟

انصافاً آقای مقتدایی یک سر و گردن از همه گزینه های مطرح شده بالاتر بودند. بگذارید مثال کوچکی بزنم؛ وقتی از سوی برخی اعضای شورای شهر اهواز برای انتخاب شهردار مورد مشورت قرار گرفتم به آن ها گفتم که به سراغ گزینه های بزرگ و تحول آفرین بروید تا عیار مدیریت در کلانشهر اهواز افزایش یابد. کارهای بزرگ توسط انسان های بزرگ سامان می یابد. حتی مثال زدم که سراغ نیکزاد، بهبهانی و حتی مهرعلیزاده بروید، من هم برای آمدن آن ها کمک خواهیم کرد. مهم نیست که یک مدیر اجرایی از چه جناحی باشد، مهم توان او برای تحول آفرینی است. مهم نقش او در سازندگی است. امروز خوزستان تشنه مدیریت جهادی است، حالا این مدیر جهادی در فلان انتخابات سمپات کدام جناح بوده به خود او مربوط است! مگر ما مسئول تفتیش عقاید آدم ها هستیم. چرا گاهی اوقات به خود اجازه می دهیم که جلوتر از رهبری حرکت کنیم. اما در پاسخ شما صراحتاً عرض می کنم که مقتدایی گزینه مطلوبی برای استانداری خوزستان بوده و هست. شناخت من از او محدود به امروز و دیروز نیست. بنده به دلیل مسئولیت های مختلفی که در مسئولیت عملیات، بسیج اداری و کارگری و فرماندهی سپاه اهواز داشتم همواره در شورای تامین و شورای اداری استان حضور داشتم و به خصوص در دوره اول استانداری ایشان از نزدیک نوع و شیوه مدیریت ایشان را دنبال می کردم. دلسوزی و تعصب او در پیگیری مسائل استان مثال زدنی بود. خاطر من هست که در اوج سال های فعالیت دولت اصلاحات علی رغم فشارهایی که برخی نمایندگان و فعالان سیاسی می آوردند حاضر نشد که کاری بر خلاف اعتقادش انجام دهد. این ثبات قدم و عقیده مقتدایی با تعویض وی همراه شد و استان از فرصت مدیریت و خدمت او محروم گشت همیشه به عنوان یک نکته شاخص در کارنامه مقتدایی ثبت شده است. به نظر من او استانداری کسی نیست. یعنی در این سمت به حزب و جناح و شخصی بدهکار نیست.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇
اگر با وجود فشارها، حساسیت او در برابر
انتصابات سیاسی و بدون پشتوانه کارشناسی
کاهش یابد، و قبح انتصاب بدون هماهنگی
و تأیید استاندار در استان بشکند و به
یک رویه تبدیل شود عواقب و مسئولیت
ناکارآمدی مدیران جدید بر عهده استاندار
خواهد بود. آقای مقتدایی سر نوشت خود
را با مدیران ناکارآمد گره نزد



برای ادامه خدمت و زندگی در استان خوزستان بوده، از این جهت او را می توان در فهرست شخصیت های ملی استان قلمداد نمود و می تواند ذیل مثال بنده قرار گیرد و البته برخی رقبا معمولاً از آب گل آلود ماهی می گیرند.

◇ اما به نظر می رسد که شکرخدا موسوی و عبدالحسن مقتدایی در حوزه سیاسی اشتراکات زیادی نداشته باشند. ایشان دارای تفکر اصلاحاتی و شما اصولگرایی هستید پس بطور طبیعی شما نباید از انتصاب مقتدایی خوشحال شده باشید؟

شما دارید نیت خوانی می کنید. یا استدلال مشخصی دارید که من از انتصاب مقتدایی خوشحال نشدم و حتماً می خواهید نتیجه گیری کنید که من مخالف او هستم، درست است؟ در حالی که من از ابتدا در جریان فرآیند انتخاب مقتدایی بوده و از این انتخاب درست، بجا و شایسته حمایت نیز کردم و تبعاً از به بار نشستن این تلاش ها خوشحال هم شدم.

◇ ببینید من به لحاظ سیاسی نتیجه گیری کردم که...

◇◇ بدیهی است که وقتی گروه‌های مختلف سیاسی در تحمیل گزینه خود به وزارت کشور برای استانداری ناکام بوده اند امروز با هر لغزش یا تصمیمی مورد نقد ایشان باشد

◇◇ باید پذیریم که آنچه به وقوع پیوسته سلیقه مقتدایی است که باید با مشورت و تعامل این سلیقه فردی را به خرد جمعی جامعه خوزستانی نزدیک نمود

از میان صحبت‌ها

سید شکر خدا موسوی: مقتدایی میراث دار یک خرابه است

مقتدایی سر نوشت خود را با مدیران ناکارآمد گره زند

این خیلی نکته مهمی است. البته صداقت، ساده زیستی و بدون تکلف بودن مقتدایی نیز از دیگر نقاط برجسته شخصیت اوست.

◇ برخی معتقدند که مقتدایی تمایلی به تعامل با نمایندگان مجلس ندارد شما تا چه اندازه در برخوردهایی که با وی داشته اید این گزینه را تایید می کنید؟

ببینید هر مدیری در صحنه اجرا که وارد می شود دارای متد مدیریتی خاصی است. اصولاً مدیریت تعامل محور توصیه شده است، اما مرز باریکی است میان تعامل محوری و سفارش پذیری، آقای مقتدایی را اهل تعامل و مشورت دیده ام اما سفارش پذیر خیر. اگر غیر این بود که مورد تایید ما نبود. سفارش پذیری یعنی نفی شایسته سالاری. یعنی باز گذاشتن راه برای جولان مافیای قومی، اقتصادی و حتی بانندی و جناحی. خوشحالم که استاندار ما سفارش پذیر نیست.

به عنوان نماینده ای که در این دوپست روز با مقتدایی در سمت استانداری کار کرده است ندیدم که او موضع خصمانه و غیر دوستانه ای نسبت به نمایندگان داشته باشد. مقتدایی خود سال ها نماینده بوده و به خوبی می داند اگر نماینده ای درخواست و پیشنهاد و تذکری دارد به دلیل رسالتی و وکالتی است که از سوی مردم بر دوش وی نهاده شده است. شما ببینید، آقای مقتدایی چه در مجمع مشورتی خود و چه در جلسات شورای اداری و چه در جلساتی که با حضور مدیران کشوری برگزار می کند برای نمایندگان استان جایگاه ویژه ای قائل است. همین مراسمی که به همت استاندار برای نکوداشت نمایندگان فقید و شهید استان برگزار شد نشان دهنده اشراف مقتدایی به جایگاه نمایندگان و لزوم تکریم آن هاست.

◇ ... و این پاسخ یعنی دفاع تمام قد یک نماینده اصولگرا از استاندار اصلاح طلب؟

شما مختارید که برداشت خود را داشته باشید. اما اگر بخواهم حرفم را در خصوص سفارش ناپذیری استاندار کامل کنم باید نقدی هم داشته باشم. متأسفانه با دخالت برخی که شنیدم مورد اشاره و نقد استاندار هم قرار گرفتند برخی افراد به مدیریت استان تحمیل شدند. یا فلان مدیر برخلاف نظر استاندار به کار گمارده شد و یا دوره مدیریت وی تمدید شده است که قطعاً با حمایت همان افراد و لابی های سیاسی و قدرت بوده است. به عنوان مثال فشارهایی که از سوی برخی حامیان دولت در استان بر بدنه وازرتخانه ها وارد شده است، کامل شدن کابینه مدیریتی استان را به تاخیر انداخته و یا می توانم بگویم که برخی انتصابات مطلوب استاندار نبوده است. از این رو انتظار شاید می رفت که آقای مقتدایی محکم تر برخورد کند. یا از لابی خود در مرکز استفاده کند. البته شنیدم که گاهی ایشان تا مرز استعفاء هم پیش رفته اند که به نظر در عالم سیاست راه و انتخاب آخر است و نباید به راحتی و آسانی از این حربه استفاده نمود.

مقتدایی باید بداند که تا در مسیر و خط مردم است مستحضر به حمایت نمایندگان مجلس و شخص بنده می باشد و اگر کسی با هر قدرت و مقامی در کار او اختلال کند با همه قدرت در مقابل او خواهیم ایستاد اما در عین حال هشدار می دهم که اگر با وجود فشارها، حساسیت او در برابر انتصابات سیاسی و بدون پشتوانه کارشناسی کاهش یابد، و قبح انتصاب بدون هماهنگی و تایید استاندار در استان بشکند و به یک رویه تبدیل شود عواقب و مسئولیت ناکارآمدی مدیران جدید بر عهده استاندار خواهد بود. آقای مقتدایی سر نوشت خود را با مدیران ناکارآمد گره زند.

◇ با همه جوانبی که به آن اشاره داشتید تحلیل شما از عملکرد ۲۵۰ روزه استاندار چیست؟

آنان که با ریز مشکلات استان از نزدیک آشنایی دارند می دانند که خوزستان دچار یک بیماری مزمن تاریخی است. شاید هیچ دولتی از محرومیت بالای آسانی که منبع انرژی، درآمد و محور اقتصاد ایران اسلامی است و از سوی دیگر به دلیل وقوع جنگ هشت ساله و خرابی های ناشی از آن ویرترین مدیریت اجرایی کشور هم محسوب می شود، رضایت نداشته باشد. اما متأسفانه دولت های هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد علی رغم فرصت ها

و ظرفیت ها و امکاناتی که داشتند در عمل به وعده های خود ناکام ماندند. اصولاً نگاه کشور باید به خوزستان تغییر کنند. همه باید پذیرای واقعیت تلخ وضع موجود خوزستان باشند. خوزستان با اعتبارات و تخصیص های عادی و متناسب با استان هایی که دچار بله جنگ نبوده اند نمی تواند در قافله پیشرفت و توسعه قرار گیرد. عقب ماندگی های استان باید با حرکتی جدی و جهادی جبران شود. پس آقای مقتدایی میراث دار خرابه ای است که نیازمند یک عزم ملی و جهادی برای اصلاح آن می باشد. در به قول شما ۲۵۰ روز گذشته اهتمامی که به منطقه آزاد اروند شد و افزایش حدود آن و تسهیلاتی که برای استان از کانال منطقه اروند تهیه شده است و انشالله در آینده نزدیک به طور کامل اجرایی هم خواهد شد یک اقدام اساسی و بزرگ بود.

به نظر می رسد مدیریت استان به درستی وقت زیادی بر روی منطقه اروند گذاشت و حساب ویژه ای هم برای حل مشکلات استان در راستای خدمترسانی این منطقه باز کرده است، ثمره برخی از این تلاش ها یعنی عبور و مرور خودروهای پلاک اروندی در سطح همه استان و نوسازی و بهسازی ناوگان خدمات شهری، بهداشتی و خدمترسانی در سطح استان با استفاده از تسهیلات اروند به زودی کام هم استانی های ما را شیرین خواهد کرد و بخصوص برای رفع محرومیت از مناطق جنوبی استان گام های بلند و موثری خواهد بود. در این نگاه، معتقدم که تدبیر استاندار هم در ادامه باید شامل حال مناطق دیگر استان و مرکز استان یعنی شهر اهواز شود.

باید برای این مناطق و به ویژه شهر اهواز نیز تدابیر ویژه ای اتخاذ نمود تا همه خوزستان شاهد تحول و تدبیر ناشی از استقرار دولت جدید باشند. به عنوان مثال می توان با اهتمام و گسترش مناطق گردشگری و تاریخی در حوزه شمال استان و الزام وزارتخانه های نیرو و نفت در این مناطق نیز تحول ایجاد کرد. اهواز هم که شهر هزار مشکل است و امید است جناب استاندار عنایت بیشتری نسبت به مدت گذشته نسبت به مرکز استان داشته باشد. در مجموع عملکرد استاندار را به نسبت روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت و مضیقه هایی که دولت یازدهم در زمینه بودجه و اعتبار دارد قابل قبول می دانم.

◇ چه نمره ای به استانداری ۲۵۰ روزه مقتدایی می دهید؟

در مقام نمره دادن نیستم. البته انتظار ما از آقای مقتدایی زیاد است. قطعاً خود او نیز به طور کامل از عملکردش رضایت ندارد. شما نگران نباشید من سختگیر نیستم. مقتدایی از نظر من قبول است.

◇ اگر بخواهید توصیه ای به استاندار مقتدایی داشته باشید به او چه خواهید گفت؟


معتقدم رسانه های گروهی و عرصه عمومی محمل مناسبی برای بیان انتقادات و گوشزد نمودن برخی پیشنهادات نیست. من حتی نسبت به بیان برخی انتقادات سنجیده و حرمت شکنانه خطاب به استاندار معترضم. چرا که باید حرمت شخص اول استان را حفظ کرد. حرمت او حرمت استان است.

البته بدیهی است که وقتی گروه های مختلف سیاسی در تحمیل گزینه خود به وزارت کشور برای استانداری ناکام بوده اند یا فی المثل استاندار از گزینه مورد علاقه ایشان در مقام معاونت، مشاورت یا مسئولیت اداره کل و سازمانی استفاده نکرده، امروز با هر لغزش یا تصمیمی مورد نقد ایشان باشد. بیش از آنکه مخاطب توصیه من، آقای مقتدایی باشد، معتقدم که برخی نمایندگان یا دوستان سیاسی و حتی عده کمی از علما و افراد موثر باید فشارهای خود را از روی دوش آقای مقتدایی برداشته و بگذارند او کار خود را بکند. به هر حال مقتدایی هر چه باشد و هست از فرزندان متعصب خوزستان است.

در سطح کشور فردی است که به کارآمدی و سلامت و پاک دستی شهره است. ساده زیستی و صمیمیت او مثال زدنی است. حالا اگر مشکلاتی هم باشد باید با نگاهی دلسوزانه و سازنده به سمع او رسیده و او را مجاب به رفع و تصحیح آن مشکلات نمود.

◇ مگر می شود شما که همواره منتقد برخی کاستی ها در استان بوده اید نسبت به عملکرد آقای مقتدایی انتقادی نداشته باشید؟

گفتم که در شرایط حساس کنونی تضعیف استاندار را به مصلحت استان نمی دانم. شما درست اشاره کردید که در ماه های گذشته نهادهایی مانند شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب، شهرداری اهواز و زیرمجموعه وزارت نیرو همواره از انتقادهای بنده به عنوان قطره ای کوچک از اقیانوس بی کران نجات مردم استان بی نصیب نبوده اند. اما اگر بخواهم پاسخی در خور به پرسش شما تدارک ببینم باید اذعان نمایم که برخی تصمیمات شناخته شده اخیر می توانست به شکل بهتری صورت پذیرد. برخی انتصابات می توانست با سلیقه بهتر و تامل بیشتری صورت گیرد. اما بهر حال باید پذیریم که آنچه به وقوع پیوسته سلیقه مقتدایی است که باید با مشورت و تعامل این سلیقه فردی را به خرد جمعی جامعه خوزستانی نزدیک نمود.



متأسفانه با دخالت برخی که شنیدم مورد اشاره و نقد استاندار هم قرار گرفتند برخی افراد به مدیریت استان تحمیل شدند. یا فلان مدیر برخلاف نظر استاندار به کار گمارده شد و یا دوره مدیریت وی تمدید شده است

◇ به عنوان سوال پایانی، چشم انداز استانداری مقتدایی را چگونه می بینید؟

اگر مقتدایی بر سرعت اقدامات خود بیفزاید، تیم کارشناسی خود را قوی تر کند. از شناختن و تعجیل و حرکت های پوپولیستی و شعاری بپرهیزد. وقت خود را صرف مجادلات بیپهوده و بحران های مصنوعی نکند. از پیچ های حساس و بحران های چالش برانگیز با استفاده از تدبیر و اعتدال مورد ادعای دولت بگذرد. به همه اقوام خوزستانی با یک نگاه بنگرد. به احدی با هر پشتوانه و عقبه باج ندهد. فعالیت خود را در مراکز تصمیم گیری به خصوص پایتخت پرنرنگ تر نماید. استراتژی و راهبرد کلی داشته باشد. از روزمره گی و حرکت در کانال کارتل ها حذر نماید. در استان و برای استفاده از ظرفیت های استان بخصوص در حوزه مدیریت انسانی، فراتر از خطوط سیاسی حرکت کند. نظام تشویقی و تنبیهی برای مدیریت استان برقرار نماید و در نهایت اگر خودش باشد و تحت فشارها تصمیمی نگیرد من چشم انداز خوبی را برای استاندار مقتدایی خواهم دید با این توضیح که مدیریت در استانی با پیچیدگی های خوزستان، باید فراجنحی باشد. یعنی جزیره ای عمل کردن در خوزستان، سم مهلکی است که همه اندام واره های استان را فلج خواهد کرد. همه باید یاری رسان مقتدایی باشیم تا او بتواند استان را یک گام به پیش برد.

معاون عمرانی استاندار خوزستان در گفت و گو با راوی

به مقتدایی تحمیل نشدم

اینکه از زبان معاونین و نزدیکان استاندار، انتظار شنیدن نقدی تمام عیار - که در کنار بیان توانمندی‌ها، کاستی‌ها و نواقص هم گفته شود- را داشته باشیم دور از ذهن است اما احمد سیاحی با وجود آنکه دست راست مقتدایی محسوب می‌شود و بر صندلی معاونت عمرانی استاندار نشسته اما چندان سپر دفاعی خود را نمی‌بندد و ضمن بیان هنر مقتدایی در مدیریت اجرایی استان، از بیان برخی نواقص نیز ابایی ندارد چرا که به این اصل پایبند است که تا عیب‌ها عیان نشود اصلاحی صورت نمی‌گیرد. وی معتقد است که مقتدایی ورژن ۱ فردی قوی و قدر بود اما مقتدایی ورژن ۲ مقبولیت خاصی دارد و لابی‌ها را بهتر می‌شناسد.

هر چند انتقادات و حرف و حدیث‌های فراوانی از نحوه انتصاب معاونین استاندار از سوی برخی نمایندگان و جناح‌ها مطرح شده اما بی‌شک احمد سیاحی با کوله باری از تجربه در مدیریت آب و فاضلاب خوزستان در دوران استانداری معین و همچنین مشاوره وزیر نیرو در زمان اصلاحات، بهترین منتخب برای پست معاونت عمرانی استانداری است که می‌تواند حلالی برای مشکلات بر زمین مانده بخش آب و رودخانه کارون باشد.



با این همبستگی که در استان خوزستان به وجود آمده اگر موفقیتی حاصل نشود، هیچ دوره دیگری موفقیت استان رقم نخواهد خورد

از میان صحبت‌ها

◆ شما به عنوان معاون عمرانی استاندار، مدیریت مقتدایی را در این مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شاید خیلی‌ها اینگونه تصور کنند که من به عنوان معاون عمرانی استاندار باید از حضور و مدیریت ایشان دفاع کنم اما عین واقعیت را می‌گویم که وی فردی مدیر و مدبر به معنای واقعی است. دکتر مقتدایی از روزی که مسئولیت مدیریت اجرایی استان را عهده دار شده توسعه اقتصادی خوزستان اولین دغدغه فکری اش بوده و کلیه برنامه‌هایش در راستای توسعه و رونق استان است. وی مجدانه موفقیت شهرها را مورد مطالعه و کار کارشناسی قرار می‌دهد تا پیشرفتی همه‌جانبه در استان شکل گیرد. شاید باور کردن این موضوع سخت باشد اما استاندار خوزستان حتی به هارمونی رنگ‌های جداول نیز حساسیت دارد و نظر خود را اعلام می‌کند.

◆ تا چه اندازه دکتر مقتدایی توانسته با تدابیر خود در همگرا کردن مسئولین موفق باشد؟

هنر مقتدایی همگرا کردن مسئولین و مدیران استان است. مقتدایی در این مدت توانسته کلیه مسئولین و مدیران استان را همگرا سازد و این نشان از هنر مدیریتی وی دارد. مطمئناً این روند در ارتقاء جایگاه استان نیز موثر است. وفاق و همدلی میان مسئولین و نمایندگان محترم مجلس و حمایت روحانیت معزز بویژه آیت‌الله جزایری تأثیر بسزایی در موفقیت این دوره خواهد داشت. به معنای دیگر، با این همبستگی که بوجود آمده اگر موفقیتی حاصل نشود، هیچ دوره دیگری موفقیت استان رقم نخواهد خورد؛ چراکه کلیه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خدادادی (آب، کشاورزی، گاز، نفت، جنگل و...) در این استان وجود دارد که هر کدام می‌توانند باعث رونق و تحول استان شود.

◆ از جمله انتقاداتی که به مقتدایی صورت گرفته انتصاب بیش از ۳۰ مشاور و به قول خودش تشکیل یک کابینه محلی است. شما تا چه اندازه وجود این مشاوران را ضروری می‌دانید؟

انتصاب این مشاوران نشان می‌دهد که شخص استاندار به دانشگاه و دانشگاهیان اهمیت خاص می‌دهد. حدود ۲۵ مشاور مقتدایی از این بخش می‌باشد. در واقع این موضوع قطعاً به رونق بخش‌های مختلف در خوزستان منجر خواهد شد.

◆ برخی‌ها معتقدند استاندار تمام اختیارات خودش را به معاونین تفویض کرده و خود نیز عملاً به کناری نشسته است به همین دلیل معاونین در کارها و انتصابات سلیقه‌ای عمل می‌کنند. نظر شما به عنوان یکی از معاونین استاندار در این رابطه چیست؟

من از این اقدام دکتر مقتدایی دفاع می‌کنم. چرا که با این کار هنر مدیریتی خود را نشان داده است. با این حرکت، بار مسئولیت معاونین نیز سنگین‌تر شده است. بنابراین هیچ بهانه‌ای در راستای عدم پیشبرد کارها برای استاندار قابل قبول نخواهد بود. تفویض اختیار به معاونین ضمن اینکه سرعت کار را بالا می‌برد، موجب می‌شود تا نظارت عالی‌تر توسط استاندار دقیق و جدی‌تر صورت پذیرد. بنابراین با توجه به پیگیری‌هایی که از او سراغ دارم روند کارها به شکل مطلوبی دنبال می‌شود و در یک ارزیابی ۶ ماهه می‌تواند موفقیت یا عدم موفقیت معاونین خود را محک بزند.

◆ تقریباً ۲۵۰ روز، معاون عمرانی مقتدایی ورژن ۲ هستید؟ در این مدت شناختی کامل از برنامه‌های وی پیدا کرده‌اید. مقتدایی ورژن ۲ چه تفاوت و شباهت‌هایی با ورژن ۱ دارد؟

با گذشت چندین سال از اتمام دوره اول مدیریت مقتدایی در استانداری خوزستان، قطعاً وی فردی پخته‌تر و آینده‌نگرتر شده است. هرچند که مقتدایی ورژن ۱ فردی بواقعی قوی و قدر بود که کارهای ماندگاری از خود بر جای گذاشت. از جمله اقدامات ماندگاری که دکتر مقتدایی در دوره اول مدیریت خود انجام داد و همچنان این پروژه‌ها در حال پیگیری است می‌توان به ساحل‌سازی رودخانه کارون، گسترش هتل و رستوران‌ها، جذب و ترفیع فعالیت بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در سایر مناطق استان و طرح ۵۵۰ هزار هکتاری که ماحصل تلاش و پیگیری‌های او در آن دوران بوده، اشاره کرد.

◆ مقتدایی ورژن ۲ را چگونه می‌بینید؟

مقتدایی ورژن ۲ قطعاً لایه‌های کشور را بهتر می‌شناسد و در دولت نیز از مقبولیت خاص برخوردار است و از این لحاظ مقتدایی را نمی‌توان با استانداران دیگر خوزستان مقایسه کرد.

تفویض اختیار به معاونین ضمن اینکه سرعت کار را بالا می‌برد، موجب می‌شود تا نظارت عالی‌تر توسط استاندار دقیق و جدی‌تر صورت پذیرد

دیگر برای ما مشکل آب شرب هم وطنانمان نیز مهم است و در راه تامین آب شرب برای مردم در جای‌جای کشور باید مساعدت صورت بگیرد و فقط در صورت تامین آب شرب، انتقال آب کارون می‌تواند انجام بشود.

◆ در صحبت‌های خود به برنامه‌های توسعه معاونت عمرانی اشاره می‌کردید و دو مورد را ذکر کردید. دغدغه دیگر این معاونت چیست؟

سومین مقوله‌ای که در راستای ارائه خدمات مطلوب به شهروندان تدوین شده خدمات شهری و نظارت بر معماری و شهرسازی در کل استان می‌باشد. این روند در زیبایی‌شناسی و خدمات مطلوب و کیفی به شهروندان تأثیرگذار است. اتمام کارهای نیمه تمام از مهمترین برنامه‌هایی است که توسط استاندار محترم برنامه‌ریزی شده و قطعاً این هدف به سرانجام خواهد رسید. برگزاری مانور ارتقاء ایمنی راه‌ها، اتمام پل زال اندیمشک، وارد مدار کردن فاز دوم طرح غدیر، آبرسانی به آبادان، خرمشهر، شادگان و دشت آزادگان در راستای پیگیری مابقی فاز دوم غدیر و انتقال آب از غرب به شرق کارون. اتمام و بهره برداری از این طرح‌ها اعتباری افزون بر ۴۵ میلیارد تومان نیاز دارد تا در نیمه اول سال مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این در حالی است که تصفیه خانه شرق اهواز نیز با اعتباری بالغ بر ۴۰ میلیارد تومان تکمیل و به سرانجام می‌رسد.

احیای طرح مقام معظم رهبری اقدام بسیار جدی است که با اعتبار ۱/۵ میلیارد دلاری دنبال می‌شود. در این طرح سعی شده فقط از پیمانکاران و مشاوران بومی استان استفاده شود تا بدین ترتیب شاهد اشتغالزایی و رونق خوزستان نیز باشیم. یکی از ظرفیت‌هایی که

◆ پس معتقدید مقتدایی از سایر استانداران توانمندتر است؟

ما باید همیشه قدردان زحمات کلیه مدیران باشیم. مطمئناً مدیرانی که قبل از مقتدایی در این جایگاه بودند، تلاش و پیگیری‌های فراوان داشته‌اند؛ با این تفاوت که هر شخص با توجه به وسع و توان و محدودیت‌هایی که دارد در این عرصه فعالیت می‌کند. با این حال هنر و موفقیت هر مدیر منوط به آن است که در مدت زمانی که مدیریت اجرایی استان را در اختیار دارد تا چه اندازه در جهت عمران و آبادانی استان گام بر می‌دارد. بنابراین قطعاً اجر و قرب کسی بالاتر خواهد بود که بتواند به معنای واقعی در جهت عمران و آبادانی استان برنامه‌ریزی‌های دقیق و موثر انجام دهد. همچنین کسی موفق‌تر خواهد بود که چشم انداز واقعی نسبت به استان داشته باشد.

◆ معتقدید مقتدایی استانداری موفق است؟

بله. مقتدایی مدیری کاردان و آینده‌نگر است. زمانی که وی استاندار هرمزگان بود همه (مسئولین و مردم) به این مهم باور داشتند و از او به عنوان مردی نیک یاد می‌کنند؛ چرا که مقتدایی مرد عمل است و همواره به دنبال کارهای جدید و خلاق بوده است. او همیشه سعی داشته تا ضمن ارائه طرح‌های کیفی کارهای نیمه تمام را نیز پایان بخشد. حتی من شنیده‌ام زمانی که ماموریتشان در هرمزگان به اتمام رسید، بسیاری از مسئولین با چشم پر از اشک بدرقه اش کردند.

◆ منتقدان می‌گویند برخی معاونین به مقتدایی تحمیل شده‌اند؟ آیا انتصاب شما و تصدی پست معاونت عمرانی نیز اینگونه بوده است؟

استان خوزستان از جمله استان‌هایی است که شخصیت‌هایی ملی و ماندگار دارد. به عنوان مثال آقای شمخانی و محسن رضایی از جمله‌ی این شخصیت‌ها محسوب می‌شوند و در واقع پتانسیلی برای پیشرفت خوزستان به حساب می‌آیند. هر دوی این عزیزان نیز از دوستان نزدیک من هستند. شاید حمایت‌هایی از جانب این افراد شده باشد که من بی‌اطلاع‌ام اما خدا شاهد است که من به دعوت شخص دکتر مقتدایی وارد معاونت عمرانی شده‌ام. البته به عقیده من، فردی که وارد هر مسئولیتی می‌شود باید ابتدا شایستگی و لیاقت و کارآمدی داشته باشد.

◆ با توجه به حیطه فعالیت کاری شما، عملکرد استانداری در حوزه عمرانی را در این مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شناخت کامل و کارشناسی کلیه مشکلات موجود در استان خوزستان در حوزه عمرانی در بخش‌های مختلف نظیر آب، راه، بهداشت، معماری و شهرسازی، مبلمان شهری، فاضلاب و استفاده بهینه و موثر از ظرفیت‌های رودخانه‌ای در استان و... از مهمترین اقداماتی است که انجام شده تا مسئولین استانداری در این حوزه طبق آن برنامه‌ریزی و حرکت نمایند. مطابق با برنامه‌ی توسعه، این معاونت در سه مقوله بطور جدی در حال برنامه‌ریزی و کار می‌باشد؛ ایمنی راه‌ها و راهداری مقوله‌ای است که حتی از گسترش جاده‌ها اولویت بیشتری دارد؛ در این راستا افزون بر ۱۴ هزار کیلومتر جاده در استان وجود دارد که نسبت به ایمنی، ترمیم و بازسازی آن‌ها تلاش جدی می‌شود.

یکی از موضوعاتی که میان همه مسئولین استانی همدلی و همبستگی وجود دارد موضوع آب کارون می‌باشد، در این راستا شخص استاندار بشکل جدی و مصمم امور را دنبال می‌کند و این معاونت نیز پیرو این حساسیت حرکت می‌کند.

◆ به موضوعی اشاره کرد که این روزها دغدغه هر خوزستانی است؟ آیا انتقال آب کارون توجیه دارد؟

در این زمینه باید گفت که آب مازاد و اضافی در استان خوزستان وجود ندارد. با کار کارشناسی که در استان انجام شده است و آمار و ارقام متولیان این امر، صحت این موضوع تأیید می‌شود. ما در حال حاضر در استان به ۱۷/۵ تا ۱۸ میلیارد متر مکعب آب نیاز داریم که از این آب برای شرب، صنعت، کشاورزی و آبی‌پروری استفاده می‌کنیم. اگر بخواهیم برنامه‌های آینده از جمله طرح مقام معظم رهبری را محقق کنیم ۲۳ میلیارد متر مکعب آب نیازمندیم که این نیازمندی با آورد آب کارون قابل قیاس نیست. از سویی



مقتدایی مدیری کاردان و آینده‌نگر است، زمانی که وی استاندار هرمزگان بود همه به این مهم باور داشتند و از او بعنوان مردی نیک یاد می‌کنند؛ چرا که مقتدایی مرد عمل است و همواره به دنبال کارهای جدید و خلاق بوده است. او همیشه سعی داشته تا ضمن ارائه طرح‌های کیفی کارهای نیمه تمام را نیز پایان بخشد



به تازگی خوزستان را تحت تأثیر قرار داده منطقه آزاد اروند می‌باشد که دکتر مقتدایی نیز اهتمام خاصی نسبت به آن دارند. آزادسازی ورود خودروهای پلاک اروند به مرکز استان یکی از بزرگترین کارهایی است که انجام شده، این در حالی است که این روند همچنان ادامه خواهد یافت تا کل استان از تاکسی‌ها، اتوبوس و ماشین‌آلات مورد نیاز خود در منطقه آزاد اروند بهره‌برند. ایجاد روگذرها و زیرگذرها جهت کاهش ترافیک، حفاظت جدی از محیط زیست، رونق تالاب‌های موجود در استان، برگزاری جلسات متعدد جهت تغییر کاربری‌ها، پیگیری مسائل پسماند و ایجاد سایت‌های پسماند در سایر شهرهای استان، برنامه‌ریزی جدی در خصوص کشتارگاه‌های بهبهان، خرمشهر، دزفول و اهواز نیز از دیگر اقداماتی است که توسط این معاونت در حال پیگیری می‌باشد.

◆ ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دارید. در پایان اگر حرف نگفته‌ای دارید بفرمایید؟

جا دارد از کلیه اصحاب رسانه‌ها و مطبوعات تقدیر و تشکر جدی داشته باشم. چرا که چشم و گوش مردم و مسئولین روزنامه‌نگاران و خبرنگاران هستند. آن‌ها بخوبی می‌بینند و بخوبی تحلیل و ارزیابی می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود تا با انتقادهای سازنده خود ما را در این عرصه یاری کنند. هرچند که این انتظار را هم داریم تا جو شادی و امید را نیز در بین مردم ایجاد نمایند. امید است با تعامل تنگاتنگ میان معاونت عمرانی و اصحاب جراید کارهای اساسی و ماندگار بصورت پذیرد تا مایه افتخار خوزستان و خوزستانی‌ها شود.



محمد مالی

روزنامه‌نگار

محمد مالی در جریان سخنرانی در نشست خبری در تهران، ۲۰۰۷

شانزده سال پیش وقتی عالیجناب، کلید پاستور را به سید خندان سپرد، میراث سیاسی تازه ای بر قامت جامعه ایرانی نشست. بود. برخاستن راست از دنده چپ اما، موضوع تازه پیدایی در گستره جامعه سیاسی ایرانی نیست. از روزهای اِردیبه‌شَستی سنه ۱۳۰۵ که شکستِ آرمان مشروطه، استبداد منوّر سردار سپه را سامان داد تا فرش قرمز انقلابی های تندرو برای دیپلمات های امریکایی تنها سه دهه پس از تسخیر لانه جاسوسی! متناقض نماییم، تا آن جا که راهنمای چپ زده و در منتها الیه راست رانده ایم. نوشته ایم «خاتمی» و خوانده ایم «ناطق». دولت مدرن و کارگزار نوسازی برافراشته ایم و در گرداب سنت لاجرم فرورفته ایم. سُر طناب دولت اصلاحات را تکانده ایم و به دولت پوپولیست لمبن گره خورده ایم. راستمان مدافع اقتصاد لیبرال است و چپمان مبلغ اقتصاد دولتی! راستمان ضد امپریالیسم و چپمان در آغوش دولت های سرمایه سالار! روشنفکرمان مذهبی است. مذهبی ما سکولار. عاقبت نه انییم و نه آن.

استاندار پوپولیست از دل دولت تکنوکرات سر بر می آورد. دولت پوپولیست را استاندار تکنوکرات نمایندگی می نماید، این همه اما بازتولید مفهومی تازه پیداست تا بگوییم در دهه نود خورشیدی، سیاست در جامعه ایرانی آستن تحولی تازه است. هم آغوشی دو گانهٔ راست مدرن و چپ مدرن

محمد مالی در جریان سخنرانی در نشست خبری در تهران، ۲۰۰۷

استاندار پوپولیست از دل دولت تکنوکرات سر بر می آورد

برخاستن راست از دنده چپ

دیگر یک خبر شعاری نیست یک ایدئولوژی خبری است.

صریح تر اما می توان گفت؛ اعتدالی ها، راست های مدرنی هستند که در دولت اول هاشمی زاده و تربیت شدند، در دولت اول خاتمی آرام آرام منفل و در نهایت از قدرت کناره گرفتند، احمدی نژاد اما کارگزار حذف آن ها بود و حالا در دوره جدید با میراثی از زایش هاشمی، پایش خاتمی و چالش احمدی نژاد برآمده اند تا دولت اعتدالیِ راست گرایان مدرن این بار، بار دیگر احیاء گر چپ مدرن باشد.

راست مدرن به نیکی دریافته است جدال تاریخی و سرنوشت ساز او با راست سنتی، آینده منازعات سیاسی در جامعه ایرانی را تعیین خواهد کرد. لاجرم در این سوَدای قدرت، راست های مدرن چاره ای ندارند تا جز با پارگیری از گفتمان سوسیال دموکراسی دینی چپ های مدرن، قاعده بازی را در کوتاه مدت به سود خویش برهم زده و با این- پارادایم دموکراتیک که آموزه هایشان از آن تهی است، از پاگرد تاریخی پلکان قدرت عبور کنند. چنین تاکتیک متناقض نمای، دولتِ راستِ مدرنِ اعتدالی را در وضعیت بغرنجی قرار داده است. برای گرم نگه داشتن تنور سازمان رای خود، زمان برگزاری دوتل تاریخی با راست سنتی را به پیش آورده، با سلاح عقلانیت و شناخت بابِ سخن با نظام سلطه و امپریالیسم را گشوده، گفتمان فرهنگی لیبرال را بر مسند نشاند، و شیب تصمیم سازان اقتصادی اش، دولت رفاه سوسیالیستی را نشانه گرفته، این همه اما یعنی سوت آغاز دگردیسی. جدال همزمان راست مدرن با راست سنتی و چپ افراطی. در این میانه هر چه راست مدرن از فاصله خود با چپ مدرن می کاهد، چپ افراطی به راست سنتی نزدیک تر می شود. مقتضیات تازه و نو لاجرم آرایشی بدیع را پدیدار می سازد. در این هم آوردی جدید شاید اما صدای راست مدرن از حنجره چپ مدرن برخیزد و این همان نقطه ای است که ریزش های فراوانی را شکل خواهد داد. در آرایش جدید هر چه خواستگاه کنشگران سیاسی بنیادگراتر،

فشارها برای گزینش لایه‌های زیرین کارگزاران در خوزستان

چقدر زود دیر می شود!

کارگزاران و مردم. این " مکانیزم " را باید آماده کنند تا در درازای کار به سختی ها که رسیدند پشتیبانان پرتوان به کمک درآیند. اینکه چگونه مردم به کمک مدیران می آیند درکشور ما هنوز نهداینه نشده، همین که پیشبردکارها را " آن گونه که درخواست داشته اند " به چشم ببینند،پ شستیبان خواهند بود و این نیازی به کشیدن ستون دراز و پهن و دادن آمارندارد. پس کارگزاران ما نیز این پشتیبانی راداشتنند.

۲- نیروهای نخبه که مکانیزم پشتیبانی مردم را به کنش می رسانند، بایسته ی دیگر است که کارگزار می بایست از این نیرو نیز با تمام توان استفاده کند. نیروهای دیگرگونی خواه آماده ی کمک رسانی به کارگزاران در استان هستندکه اگرکارگزار هر چه بیشتر از این نیروها استفاده کند میزان چسبندگی اش به مردم بیشترخواهدبود، و باز هر چه از نیروهای تواناتر بهره بگیرد، اندازه ی به پیروزی رسیدن برنامه هایش بیشترخواهد بود.سخن اینجاست: استاندار آیا این ویژگی را در چگونگی کنش کارگزاریش به انجام رسانده یانه؟ تا چه اندازه نیروهای توانمند دیگرگونی خواه را به کارگرفته، و یاچه اندازه می توانسته به کاریگیرد و نگرفته،در بررسی سرانجام کارگزاریش بهتر دیده خواهدشد، اگرچه برای بسیاری روشن است که خشنودی زیادی در این میان از این بخش از کنش استاندار وجود ندارد ،چون در آغاز راه هستیم هنوز گاه فریاد نرسیده است. اکنون تنها گاه گوشزد کردن از سوی نیروهای دیگرگونی خواه است.

۳- کارگزاران بزرگ (مدیران کل) هماهنگ با کارگزار بزرگتر استان یکی دیگر از بایسته هاست که به سرانجام خوش برنامه هاکمک می کند. بنیان هماهنگی میان این کارگزاران، خودبایسته ی استاندارست. گزینش این کارگزاران چگونه باشدبه پیروزی و به سرانجام نیک رسیدن برنامه هاکمک می کند؟

اگر استاندار در گزینش این کارگزار با وزیر بالادست به چالش برخیزد،کارگزاری که از سوی وزیرگزینش شود و نیروی پذیرش شده ی استاندار نباشد، در درازای کار «یده بستان» خوبی میان آن دو انجام نخواهدشد و این به پایان خوش برنامه ها نخواهد رسید- یاپهتراست بگوییم همه ی پیروزی به دست نخواهدآمد.و این در پایان از چشم کارگزار بزرگتر دیده خواهد شد. اینگونه گزینش تنها گناه استاندار نیست اگر گزینش کارگزاران استان ناهماهنگ با روند همه گیر دولت -مکانیزم گزینش کارگزاران- نباشد، به دیگرسخن اگراستاندار به روندگزینش هماهنگ دولت به دست وزیران گردن نگذاشته باشد و خودخواهی کرده باشد.آ ن سوی سخن نیز درست است خودخواهی وزیری که هم سو باگزینش های دولت نباشد. هر دو به بدسرانجامی برنامه هاکشیده خواهد شد و آن کسی که از دید مردم بدهکار خواهد شد استاندار است-یادمان نرودکه مردم در کشور ما اکنون از نگاه سازمان دهی نشده به کارگزاران نگاه می کنند و آنان را می سنجند ،کارگزاران را روند سامان یافته حزبی داوری نمی شوند.

۴- نیرویی که نمایندگان مردم دراستان می توانند برای به سرانجام نیک رسیدن برنامه ها بگذارند، بایسته ی دیگر برای پیروزی است. اگر هماهنگی میان این دو-استاندار و نماینده- باشد،توان انجام شدن کارها بالاتررفته و نیروهایی استانی به بیرون ریخته نخواهدشد.

بسیارخوب، اگر این دوهماهنگ نبودند داستان چیست؟

تو گویی آشیانه تازه آن ها لیبرال تر.

راست مدرن اما حالا صدای شکستن بنیان های نظام تئوریک خود را زیر پای راست سنتی و چپ افراطی به خوبی می شنود. او امروز آخر، در دولت مستقر به مند تازه ای دست یازیده، اندام وارِه دولت مدرن تحت رهبری مغزیتی است که با عینک چپ مدرن به متن و حاشیه می نگرد. دولت اعتدالی با سری از چپ مدرن و بدنی از راست مدرن به پیش می راند. این تجربه تازه پیدا در ساخت سیاسی جامعه ایرانی قوام خواهد یافت؟ اما، پرسش مهمی است که موضوع این نوشتار نخواهد بود، آن چه در لا به لای این سلطور کاوش گر و جستجوگر آن بودیم، پرده برداری از تجربه تاریخی مدیریت راست مدرن بر ساخت سیاسی، اجرایی جامعه خوزستانی بود. اگر اما سند و برهان شاخصی برای پیش بینیِ قوام یابی تجربه دولت داریِ راست مدرن با مشارکت چپ مدرن در سیاست ایرانی یاد نداریم، اما به صراحت می توانیم بگوییم که عمل راست مدرن، دولت چپ مدرن را در سال های آینده بر خواهد آورد. این تجربه بی گمان رخ خواهد داد. بسا همان اطمینان و بساور نیز می توانیم بگوییم که این- تجربه متناقض در جلوه استانی خود، در کوتاه مدت شکست خواهد خورد. دورنمایی او تشخیص می این تجربه را در استان تهدید می کند، باورهای سنتی اصحاب قدرت، عدم رعایت قواعد بازی، تسلط همچنانی اقلیت بر اکثریت و نگاه از بالا به پایین و میانه احوالی تصمیم گیران عالی است.

اینک اما شانزده سال از بازتولید گفتمان عالیجناب می گذرد، راست رویِ مدرن اما اگر میراث سیاسی آیت الله باشد که با هویت گفتمانی او تشخیص می یابد اینک یعنی سال ها بعد از افول قدرت سیاسی او، با برخاستن دوباره اش از جای! می توان مدعی برخاستن دوباره راست مدرن بود این بار اما نه از پهلوی چپ که از دامان پوپولیسم، و این حالا اما انتظار زیادی نیست اگر این بار چپ مدرن از دامان راست مدرن برخیزد. تنها باید به تاریخ فرصت داد برای تکرار!

اگر نمایندگان مردم براساس قانون اساسی که برا ی آنان بایسته هایی گذاشته،کنش نمایند چه چیزی روی خواهندمود؟ نمایندگان مردم ازروی خیرخواهی و یا... به انجام کاری پافشاری می کنند برای نمونه، در گزینش کارگزاران استان دست اندازی می کنند، با فشارهای زیادکارگزار به دست استاندارمی دهند، چون هماهنگ نیستند پس کارگزارانی که می دهند با دیگرگروه کارگزاران هماهنگ نخواهدبود،سرانجام کار آن گونه خواهدشد که با وزیر ناهماهنگ شده بود!... به پیروزی نرسیدن رانماینده هایه پای استاندار خواهند گذاشت واستاندارهم پای گذاشتن بی جای نمایندگان درکارهاراکننده ی بدسرانجامی برنامه هاخواهددانست،واین چرخه ی بدی است که شایدگاهی دیده می شود.

باری، دویست روز نخست کارگزاری جناب مقتدایی می بایست در یک بخش به برنامه سازی برای چهارسال آینده گذشته باشد.در این برنامه نخست گزینش مدیران گنجانده شده که امروز می بایست کامل شده باشد. نمی توان یک چهارم زمان را گذراند و کارگزاران مورد نیاز را گزینش نکرد، پس این کارگزاران که هستند دیگر به پای استاندار نوشته شده اند مگراینکه در آن مکانیزم چسبندگی به مردم گفته شود که بخشی به پیش وابسته اند و مردم نیز بپذیرند که این گونه است. اگراستاندار کارگزاران خود را گزینش کرده به سخنانی که بایسته وار در بالا گفته شد کنشی هماهنگ داشته یانه؟ اگرنداشته دیگر نمی توانیم یک سال دیگر نیز برای ایشان بگذاریم تا نیروهای دگرگونی خواه را گزینش نمایند و کار او را برابر باخواسته های میزان شده-استاندارد-کارگزاری بدانیم، به دیگر سخن، این بخش از برنامه های استاندار را نمی توانیم پشتیبانی نماییم. نمی شود نمی از دوره ی کاری را پشت سربگذاریم و برنامه های سال نخست رابه انجام نرساند و امید به پیروزی داشته باشیم. فشار های درون و بیرون سازمانی دو پدیده ای است که در به سرانجام نرسیدن این ویژه -گزینش کارگزاران استانی- دست داشته است. دربخش درون سازمانی نگاه ویژه ای به گزینش کارگزاران دیده می شود و آن هم کوچک بودن و بسته بودن ساختاری است که براساس آن کارگزاران گزینش شده اند.تا آنجایی که برای استاندار توان بوده می توانسته چندگونگی را برای گزینش کارگزاران دیگرگونی خواه به انجام برساند، نه اینکه یک سوی ویژه ای رانگاه کرده و به پیش برود؛ شایدسختی های دیگری نیز در میان باشد و مردم از آن شناختی نداشته باشند. به هرروی این بخش نگرانی هایی راباخودبه همراه دارد.

در بخش برون سازمانی نگاه ها روشن تر می تواند توان و ناتوانی ها را به جا بررسی نماید و فشارهای بی جا را به تماشا بنشیند. این فشارهابرای گزینش لایه های زیرین کارگزاران در استان به ویژه در شهرستان هاروشن تربه چشم می خورد.این اساسی است که مردم در بدنه ی زیرین استان در چگونگی کارهابه تماشا بیابند و در این ریخت است که آن نگاه دیگرگونی خواه کلان آسیب نخواهد دید و تازه نیروهای تازه ای هم خواهدگرفت.

فرجام سخن

سال دوم کار دولت در کشوری که چگونگی آن در درون و بیرون به مانند این است که می بینیم، نمی تواند نیروی زمان رادر کارهازدست بدهد.استاندارگرامی هنوزدراستان هم گرایی را نتوانسته میان نیروهای دیگرگونی خواه درست کند، کارگزاران استانداری که برقراری این ویژه راه بایستگی دارندنباید زمان رازدست بدهند. این لاغری برنامه ریزی را نشان می دهد و به سرانجامی دچار خواهد شد که کارگزاران بزرگ استان-مدیران کل- درکارهای خودزیرفشارهای بیرونی...کاررازدست خواهندداد و بسیاریغ انگیزاست که بسیاری از این کارگزاران چندماه بیشتر نیست کار را آغاز کرده اند به اندازه ی چندسال نگرانی پیرامونشان است.

لزوم پرهیز از انتصابات قطاری و هدر دادن تجربه ها و توجه به شایستگی ها

مهم ترین دغدغه استاندار تغییر مدیران دولت قبل است



دکتر علیرضا مخبر دزفولی
معاون سابق فرهنگی دانشگاه چمران

تصمیم گیری های کلان فرهنگی استان نیز نباید از ذهن استاندار محترم دور بماند. بدیهی است پیشنهادات فراوانی برای معضلات فرهنگی استان وجود دارد که در صورت نیاز و طلب تقدیم ایشان خواهد شد. بدون هیچ تردیدی بسیاری از نکات ضعفی که در حوزه فرهنگی

هماهنگی فعالیت های فرهنگی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی استان را به استاندار محترم پیشنهاد می کنم. شورایی که می تواند هدفمندی و مشارکت و همگامی دانشگاه های استان را در برنامه های فرهنگی تضمین کند. نکته ی دیگری که به نظر می رسد باید مورد

توجه مدیریت عالی استان باشد مطالبه ی برنامه ی کوتاه مدت و دراز مدت مجموعه های متنوع فرهنگی استان و تخصیص بودجه به آن ها به میزان وفاداری به برنامه های اعلام شده در اجرا و مهم تر از همه، ارزیابی مستمر فعالیت ها و مطالبه ی اعلام میزان اثربخشی آن ها است که متأسفانه هیچ آثاری از این رویکرد منطقی در استان به چشم نمی خورد! کاش به جای این همه شعار و سروصدای مسئولین در مورد فرهنگ و کار فرهنگی، استانداران کشور کنار این همه معاونین متعدد یک معاون فرهنگی داشتند. فی الجمله به

راوی: دکتر علیرضا مخبر دزفولی از آذر سال ۱۳۸۹ تا اسفند ۱۳۹۱ ریاست شورای فرهنگی دانشگاه های استان خوزستان و معاون فرهنگی دانشگاه شهید چمران اهواز را به عهده داشته و جالب این که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در چهارمین جشنواره ملی حرکت به عنوان معاون فرهنگی اول دانشگاه های کشور برگزیده شده و در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ هم در ارزیابی کل دانشگاه های کشور توسط اداره کل ارزیابی وزارت علوم تحقیقات و فناوری مجدداً به عنوان معاون فرهنگی و اجتماعی اول دانشگاه های کشور معرفی شده است. مقام های ارزشمندی که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ و در غیاب او دانشگاه شهید چمران از کسب آن ها بی نصیب ماند. تألیف جدیدش به نام "نمی از دریا" در خصوص سفر معنوی عمره مفرده با چنان استقبالی خصوصاً از طرف جامعه دانشگاهیان مواجه شد که در عرض سه ماه در بازار کتاب نایاب شده است. او علاوه بر اخذ مدرک دکتری حرفه ای پزشکی، دکتری تخصصی روان شناسی را هم دارد آنچه به پایان می رساند نظرات دکتر علیرضا مخبر دزفولی را در مورد دوره مدیریت استاندار خوزستان می خوانیم:

نظر می رسد که مهم ترین دغدغه ی فعلی استاندار محترم (البته مثل همه ی استانداران قبلی) تغییر مدیران دولت قبلی و جایگزینی آن ها است و امیدواریم بعد از فراغت از این امر خطیر! فرصتی برای تأمل در مشکلات استان خصوصاً در حوزه ی فرهنگی ایجاد شود، به شرطی که در اثر ترکش خود این انتصاب ها و نارضایتی جناح های سیاسی استان از این تغییرات، زمزمه ی تغییر استاندار شنیده نشود. تقویت انجام فعالیت های هدفمند فرهنگی در حاشیه ی شهر اهواز و استفاده از ظرفیت ارزشمند شورای فرهنگ عمومی اهواز و استان در

در استان مشاهده می شود اثری است که از همه ی استانداران گذشته به مقتدایی رسیده ولی اگر او هم فکری برای آن ها نکند و راه حلی برای آن ها نیابد به لیست آن ها اضافه خواهد شد! و همه ی این ها به هیچ روی نافی حمایت و مدد به او به عنوان نماینده ی عالی دولت در استان برای رسیدن به اهدافی که حاوی منافع استان محروم خوزستان باشد نیست. چقدر سخت است بعد از نام استانی که تقریباً همه ی ثروت کشور مدیون او است پسوند "محروم" به کار برده شود.

قاعدتاً باید در مورد حوزه فرهنگی و با تمرکز بر دانشگاه های استان در مورد مدیریت جناب آقای مقتدایی اظهار نظر کنم و انتظار احتمالی نشریه هم از حقیر احتمالاً این است. بدیهی است وقتی معاون فرهنگی دانشگاه مادر تازه مشغول به کار شده و بسیاری از دانشگاه های استان هم هنوز در گیروودار تغییرات قطاری دولت تدبیر و امید هستند! خیلی نمی توان انتظار کار هدفمندی را در حوزه ی فرهنگی استان و خصوصاً دانشگاه ها داشت. اتفاقاً اولین نکته ی فرهنگی که انتظار می رفت استاندار محترم به آن توجه کند همین پرهیز از انتصابات قطاری و هدر دادن تجربه ها و توجه به شایستگی ها است، نکته ای که به شدت نخبگان استان را نه در دوره ی فعلی که در همه ی دوره های مدیریت استان آزار داده است و متأسفانه کماکان قدرتمندترین شیوه ی مدیریتی همه ی استانداران دولت های قبلی و فعلی است. فرهنگ سازی از همین جاها شروع می شود. تقدیر از خدمات مدیران قبلی و استفاده از تجارب مدیران گذشته و ارزیابی غیرجناحی عملکرد مدیران و سپس تصمیم گیری در مورد تعویض همراه با تکریم یا ابقای آن ها، همه حلقه های مفقوده ی فرهنگ سازی در حوزه ی مدیریت استان است که هنوز هم این حلقه های درشت به چشم نیامده و یا پیدا نشده اند.

اگرچه با خیل مشاوران متنوع و متعدد استاندار به نظر نمی رسد جناب مقتدایی به مشاوره ی رسانه ها اعتقاد یا احتیاجی داشته باشند ولی به عنوان یک شهروند، تقویت شورای

ضرورت پرهیز از یکجانبه نگری در رسیدگی به شهرها

آبادان گرایی مقتدایی سهم مهلکی برای اوست



عبدالرحیم سوار نژاد
فعال اجتماعی

و روزها گذشت اما خفتگان خفته را بیداری نبود و بازهم چشمان خواب آلودی که خمارانه ادای خواب رفتگان در می آورند و سکوت یگانه شیوه ای برای آرامش باز فرط فشار کف دستهایشان بر گونه و گوش خویش برای خواب ناز قرمز می نمایند و به گمان اینکه از سیلی خوردگان لب به ترجمه گزیده می شود و باز غافل شدیم! و باز فقط می نویسم با رنجی که از خرو پف بیماران بخواب رفته می کشم!

جناب مقتدایی، در انتصبات جدید علاوه بر اینکه چهره جدیدی را به عرصه مدیریت وارد نکرد، با جایجایی نیروهای امتحان پس داده بر ارتقا و تکریم!! نیروهای درون سازمانی تکیه نمود تا عملاً "شایستگی ها ی مدیریتی فرزندان استان به فراموشی سپرده شوند و استان از توانمندی و تجربه نیروهای خارج از سیستم بخصوص فرهنگیان محروم شود و در خصوص این شیوه بارها مورد سؤال قرار گرفت که: نیروهای درون سازمانی اگر با لابی و ارتباط های پنهانی به سیستم تحمیل نشده اند کدامین مرحله استفاده را می گذرانند و با کدام آزمون وارد سیستم شده اند و چه راندمان کاری داشته اند که امروزه در کسب کرسیهای مدیریتی از دیگران توانا تر تشخیص داده می شوند! البته این شیوه را در ورژن قبلی آزمود و نتیجه آنرا دید! چرا حالا که ورژن ۲ را برگزیده اید بازهم بر همان شیوه های منسوخ اصرار می ورزید؟ که در این راستا بایستی پارادوکس ورژنی خویش را رفع کند یعنی یا از نیروهای شایسته ای که در خارج از دستگاه تحت امرش اشتغال دارند استفاده نماید تا ورژن جدیدش را بپذیرد یا بر همان روال سابق بچرخد و اعتراف کند که همان مقتدایی کلاس اول است و حرفش را پس بگیرد.

جناب مقتدایی باید بدانند که شاخص همراهی با آموزش و پرورش در تشکیل جلسات منظم و مرتب شورای آموزش و پرورش و مصوبات اجرایی آن تعیین و مشخص می گردد و جامعه فرهنگیان می داند که در سال ۹۳ فقط یک جلسه در پایان اردیبهشت با دستور کار سواد آموزی برگزار گردید که خروجی خاصی نداشت و به مسئله اوقات فراغت که اولویت اول در این شرایط زمانی است توجهی نگردید! ضمن اینکه در جلسه مذکور بازهم سیاه نمایی نموده و نقاط منفی را پررنگتر از همیشه طرح نموده اند که باید در

ابتدای ورود آقای مقتدایی و جلوس بر کرسی استانداری، مطلبی را در سایت ها قرار دادم با عنوان "استاندار، سلام" و نکاتی را در خصوص این مسئولیت و موهبت الهی خدمت به استاندار محترم متذکر گردیدم و بر اساس رسالت اجتماعی و باور خویش که حاصل سی و چند سال کار در عرصه های مختلف بوده است، توجه به آموزش و پرورش را به عنوان اصلی ترین وظیفه با استناد به جایگاه فرهنگ ساز و نقش تاثیر گذارش بر جامعه اولویت اول بر شمردم.

در آن روز که جشن بنر بازان و پلاکاردکوبان برگزار شده بود و ماشالله پلاکاردهای بسیاری هم نصب کردند، شور و ولوله زیادی نیز ایجاد شد و همه به نوعی از اینکه فرزندی از جنس خودشان را بر این مسند می بینند پشتیبانی کردند و مسرور شدند، من با خوش بینی و امید حکایتی را از امیر کبیر باز گو نمودم تاهشدار برای روزهای بعد نیز داده باشم شاید ثمر افتد و اما امان از عناوین ذیل پلاکاردها که عجیب ذهن را مشغول می سازند و مرور می شوند و فرصتهایی که به آنها اختصاص داده می شود! و آنروز چشمها بر کلمه بسته شد و در جشن تولد بنرها در شیک ترین خودروهای آزاد آروندی، دستها تکان داده می شد و لذت بخش می نمود و اما در معارفه از همه جا گفت بجز از غفلتهایی که بر این دیار رفت و از همتی که باید برای تقویت عرصه فرهنگ نمود استاندار چنین گفت: "علاقتمندی بنده به کار عمرانی است، زیرا اگر کار عمرانی خوب در استان انجام شود، معضلات دیگر مانند اشتغال، ازدواج، مسایل مالی و دیگر مشکلات نیز حل می شوند و استان رونق می گیرد."

و سخنان به حافظه ها سپرده شد و می دانستند که در سرزمین آباد تفکر توسعه می یابد و فکر توسعه یافته به بالندگی و شکوفایی می اندیشد

ارائه تصویر مثبتی از استان به عرصه ملی با ظرافت عمل نمود، تکرار مکرر آمار بیسوادان بدون نظر گرفتن و تعیین گروههای سنی علاوه بر اینکه برای استان عایدانی ندارد، نگاه مخاطبان و مسئولین خارج از استان را در مورد مردم ساکن تغییر خواهد داد و هر گونه مطالبه ای را ناشی از عدم مطالعه تعبیر می نمایند.

جناب مقتدایی در چپش نیروها و فعالیتهای محیطی بجای موازنه قومی به موازنه شهری روی آورد. یعنی اینکه اگر به اقوام که شمار آنان به عدد پنج یا شش می رسد بصورت متعادل توجه شود عمران و بهبودی شرایط بیشتر و بهتر رقم خواهد خورد تا اینکه از منظر آبادان نگرایی به دیگر شهرها نگرینست که سهم ۱/۲۶ اختصاص می یابد و موجب محرومیت مضاعف دیگر مناطق می گردد که باز دیدهای استاندار از شهرستانها در مدت ۲۰۰ روز گواه روشنی بر این ادعاست! لازم است باز دیدها و ملاقاتهای مردمی استاندار محترم را روابط عمومی اعلام نمایند تا جایگاه شمال خوزستان در نگاه ایشان عیان گردد! مقتدایی را خوب استقبال کردند و هنوز فرصت دارد تا بد بدرقه نشود زیرا در حال حاضر می توان ضعیف ترین مدیران تاریخ استان را در این عرصه مشاهده نمود که امید را برای رفاه ساکنان کمرنگ می سازند! البته حساب چند مدیر بویژه ریاست دانشگاه علوم پزشکی را باید جدا کرد زیرا فعالیتهایشان مورد قبول عموم قرار گرفته است و در اردوگاه استاندار آنها را بر نمی تانند! در ارزیابی عملکرد استانداران، استاندار البرز توانست نمره قبولی کسب نماید و عزل گردید خدا نکند که مقتدایی نمره لازم را کسب نکند! اما ابداً اعتماد به نیروهای بومی نزد مرکز نشینان چنان شود که برای توسعه استان بازهم یک اصفهانی را بر مسند بنشانند.

مقتدایی در چپش نیروها و فعالیتهای محیطی بجای موازنه قومی به موازنه شهری روی آورد. اگر به اقوام بصورت متعادل توجه شود عمران و بهبودی شرایط بیشتر و بهتر رقم خواهد خورد تا اینکه از منظر آبادان نگرایی به دیگر شهرها نگرینست که سهم ۱/۲۶ اختصاص می یابد و موجب محرومیت مضاعف دیگر مناطق می گردد. باز دیدهای استاندار از شهرستانها در مدت ۲۰۰ روز گواه روشنی بر این ادعاست!

در یک برنامه مبتنی بر منافع استان حتی با اصول گرایان هم باید کار کرد

استانداری نماینده یک جناح نیست



محمد کیانوش راد

نماینده اسبق اهواز

دکتر مقتدایی کاندیدایی ما نبود ولی از حضور ایشان در مدیریت استان حمایت می‌کنیم و باید از همه ظرفیت های استان به نفع توسعه استان استفاده شود. من قبلا هم در مصاحبه ای گفته‌ام که اگر از اصولگرایان هم کسی استاندار شود در جهت توسعه استان وظیفه حمایت و کمک داریم. البته روشن است کمک به استان و

مسئولان با رفیق بازی، حمایت قومی و طایفه ای فرق دارد.

ما انتظارمان در مرحله اول حمایت از برنامه و شعارهای دکتر روحانی است. انتظار داریم از فضای فعالیتهای قانونی احزاب و تشکل‌ها و سازمان‌های مردم نهاد حمایت شود. انتظار داریم فضای استان از فضای امنیتی خارج شود. البته همواره اعتقاد داشته ایم که فرصت برابر برای همه جریانات سیاسی و قومی باید فراهم شود. همیشه طرفدار ایجاد فرصت برابر برای اقوام بوده ایم چرا که باور ما این است این مساله الفت، دوستی و همگرایی را در استان بیشتر می‌کند.

اصلی ترین مساله استان مساله فرهنگی و اجتماعی است. در پرتو حل این مساله بقیه مسائل هم حل خواهد شد. توسعه باید مبتنی بر برنامه باشد و برنامه جز با حضور نیروهای فکور و تکیه بر مدیریت علمی و در سایه سازگاری و همگرایی نیروهای سیاسی و اجتماعی تحقق نمی‌یابد. نیروهای سیاسی استان دوران ناپالی را پشت سر گذاشته باشند زیرا ناپالی رفتاری و سیاسی آفت توسعه است. می‌توان مخالف بود ولی در یک برنامه مبتنی بر منافع استان حتی با اصول گرایان باید کار کرد. ناپالی یعنی غلبه احساسات غریزی و هیجانی و دوستی و دشمنی‌های

سطحی است، رقابت و حتی دشمنی در دوره بلوغ تابع قواعد و ضوابطی است. اخلاق سیاسی و اخلاق حرفه ای در مبارزه سیاسی و مدیریتی باعث شکوفایی بیشتر جامعه خواهد شد. من در حد یک خوزستانی دغدغه‌ام افراد نیست. مساله ما، مطالبات گفتمانی و برنامه محوری است. مقتدایی هم جز نیروهای دلسوز و باسابقه استان است و قطعاً هدفی جز رشد و توسعه استان ندارد و امیدوارم که موفق باشد.

استانداری نماینده یک جناح نیست. استانداری نماینده دولت و نظام است و باید با همه گروه‌ها تعامل داشته باشد. همه باید بتوانند با استاندار رفت و آمد داشته باشند. همه حرف‌ها باید شنیده شود و بهترین‌ها بکار بسته شود. البته روشن است در سیاست های کلی نه فقط استانداری که شخص رئیس جمهور هم باید تابع رای اکثریت باشند و به وعده‌های داده شده عمل نمایند. از سوی دیگر هر خوزستانی در هر کجا و در هر نقطه ای از ایران و

سیاست حمایت و نقد مشفقانه

دکتر محمد کیانوش راد (کربلایی) صرفنظر از اینکه مخالف یا موافق او باشیم سخنانش در استان خوزستان توسط مخالفان و موافقان شنیده می‌شود. او مخالفانی جدی دارد تا جایی که چندین بار مورد حمله و ضرب و شتم نیز قرار گرفته است. از سویی دیگر دوستان او نیز در خوزستان کم نیستند . بسیاری او را به خاطر صداقت ، صراحت و شجاعت در طرح دیدگاه هایش، می‌ستایند . حتا هستند کسانی که علیرغم مخالفت با دیدگاه های سیاسی او ، برایش احترام ویژه ای قائلند. بی شک، دکتر محمد کیانوش راد در سالیان گذشته و بویژه دو دهه اخیر از جمله انگشت شمار سیاسیون استان بوده است که تأثیرات مهمی در عرصه سیاسی اجتماعی استان داشته و همیشه از ثبات موضع برخوردار بوده است. تأثیر گفتمانی وی نیز در حوزه سیاسی و اجتماعی کم نیست و وی بعنوان موثرترین چهره اصلاح طلب خوزستان شناخته می‌شود. کیانوش راد معتقد است که می‌توان مخالف بود ولی در یک برنامه مبتنی بر منافع استان حتی با اصول گرایان باید کار کرد. ناپالی یعنی غلبه احساسات غریزی و هیجانی و دوستی و دشمنی‌های سطحی است، رقابت و حتی دشمنی در دوره بلوغ تابع قواعد و ضوابطی است.

کیانوش راد پس از دولت تدبیر و امید ، در خوزستان فعالیتی دو چندان دارد و در این مطلب بخشی از گفته های وی درخصوص دولت روحانی و همچنین دکتر مقتدایی استاندار خوزستان آمده است.

نبايد با عينک گذشته ، امروز را داوری کرد

هیچ جریانی حق سهم خواهی ندارد

ما خوزستانی ها دارد .

سوم : امروز که پس از کش و قوس فراوان دکتر مقتدایی به عنوان یک مدیر شناخته شده بومی استاندار شده است ، هم استاندار جدید و هم نخبگان و گروه های سیاسی برای حرکت به سمت توسعه استان در آزمونی مجدد قرار گرفته اند. فائق آمدن بر مدار بسته توسعه نیافتگی در استان خوزستان امکان پذیر نخواهد بود ، مگر آنکه هم استاندار و هم نخبگان ، گروه های سیاسی ، اجتماعی و شهروندان نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

چهارم : وظیفه امروز نخبگان و گروه های سیاسی این است که در مسیر سخت تأمین رفاه مردم ، پاسخ گویی به مطالبات شهروندان، و محقق کردن برنامه های دولت در استان ، استاندار جدید را همدلانه همراهی کنند ، دلسوزانه مشورت دهند ، منصفانه نقد کنند و مشفقانه تذکر دهند .

پنجم : گروه های سیاسی ، نخبگان و استاندار باید با تدبیر ، عقلانیت ، سعه صدر ، نقد پذیری ، شفافیت ، شجاعت پذیرش اشتباه ، احترام به مخالف ، مدیریت اختلاف ها و اولویت بخشی به مصالح مردم و منافع استان ، مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار در خوزستان را هموار کنند .

ششم : نباید اجازه داد اختلاف سلیقه و دیدگاه خللی در خدمت رسانی به مردم ایجاد کند. نباید با عینک گذشته ، امروز را داوری کرد. نباید اشتباهات گذشته تکرار شود. نباید اجازه

جهان در صورت تمایل باید بتواند به استان کمک کند. دلسوزان استان باید با دیده منت دعوت به همکاری شوند. در عصر ارتباطات فاصله‌ها برداشته شده است چرا یکدیگر را از کمک و مساعدت بهم آنهم برای استان محروم کنیم. استان دچار مشکلات عدیده ای است و برای حل آنها به عزمی فراتر از یک جناح خاص نیازمند است، چه رسد به گرایشی خاص در یک جناح سیاسی.

چندی پیش در یک سخنرانی گفته شده است از سوی اعضای ستاد خاتمی بیشترین حملات و فشارها به احمد خرم استاندار وقت خوزستان انجام شده است که در نهایت زمینه ترک وی توسط ستاد فراهم گردیده است. در این رابطه باید بگوییم که این نه درست نیست و صحت ندارد. ستاد خاتمی حمله و فشاری به آقای خرم نیاورد البته ما در همان زمان هم عنوان کردیم که سیاست ما سیاست اتحاد و حمایت و البته نقد مشفقانه است و ذکر این نکته ضروری است که ترک استان خوزستان توسط احمد خرم به هیچ عنوان به خاطر فشارها و حملات ادعا شده نبوده است و آگاهان نیک می‌دانند رفتن احمد خرم دلایل دیگری داشت که بنده از ذکر آن خودداری می‌کنم. اما شما می‌توانید بعداً از خود خرم بپرسید تا جواب آن را بشنوید . در آن مقطع برخی از دوستان خواستار اعلام حمایت و صدور بیانیه حمایتی به وزارت کشور برای تداوم حضور خرم در استان بودند اما ستاد خاتمی در این ماجرا دخالت نکرد. اطلاعی از قضایا و موارد اخلاقی ستاد روحانی با استاندار ندارم اما فکر نمی‌کنم مسائل ریشه‌ای و عمیقی وجود داشته باشد اما در کل باید گفت که اگر تعامل و گفت‌وگو با جریانات مخالف و منتقد امر پسندیده و درست است، همین سیاق با دوستان و اعضای ستادهای روحانی امری پسندیده‌تر است(زیرا اینان دوستانند)، البته ستاد روحانی نیز باید به محدودیت‌های تصمیم‌گیری آقای استاندار توجه کنند به نظر من همه باید استاندار را کمک کنند و بدون سهم خواهی‌های شخص محور به مطالبات برنامه محور فکر کنند و وقت فعالان سیاسی و مسوولان و مدیران را در این مباحث تلف نکنند و بهتر آن است همه در محیط‌های دوستانه مسائل را مطرح کنند و از شیوه‌های علنی و رسانه‌ای پرهیز نمایند.

داد فرصت طلبانی که نگاه کام جویانه به قدرت دارند و یا چاپلوسانی که برای رسیدن به پست و مقام هرروز رنگ عوض می‌کنند و یا ناشایستگانی که امید دارند با هوچیگری به قدرت و ثروت دست یابند و یا کینه روزانی که قصد عقده گشایی دارند و یا دلالان سیاسی که بنای آن دارند در زد و بندهای شبانه پست و مقام خرید و فروش کنند ، با ایجاد اختلاف و تفرقه، منافع استان را به چالش بکشاند.

هفتم : هیچ شخص ، جریان و گروهی حق سهم خواهی ندارد. البته دکتر مقتدایی هم با رفتار هوشمندانه خود بدون وامداری به هیچ جریان ، گروه، فرد و یا نماینده ای در مسند استانداری قرار گرفت و علی القاعده جز به مردم و دولت به هیچ کسی تعهدی ندارد. جمع بندی اینکه چیره شدن بر علل درونی عقب ماندگی خوزستان جز با کنار گذاشتن اختلافات ، دسته بندی ها ، باند بازی ها و رفیق بازی ها امکان پذیر نیست . با انتصاب استاندار جدید خوزستان ، وظیفه نخبگان و گروه های سیاسی است که در چارچوب برنامه های دولت و گفتمان تدبیر و امید و در مسیر خدمت به مردم استاندار را حمایت کنند. البته در این میان استاندار هم وظایف سنگینی بر عهده دارد که بحث در این خصوص را به زمان دیگری موکول می‌کنم.

تدابیر ناخوشایند مقتدایی در خوزستان

حجت الاسلام و المسلمین فیاضی

رئیس کمیته روحانیون ستاد انتخاباتی دکتر روحانی در خوزستان



استاندار خوزستان با وجود اینکه مشاوران زیادی منصوب کرده است اما اعتقادی به مشورت و همفکری ندارد. گواه این امر اظهارات دکتر مقتدایی در جلسه معارفه معاونان و مشاوران خود بود که اعلام کرد تا یک سال هیچ جلسه ای با هیچ ستاد و انجمنی نخواهد داشت و هیچ شخصی را نیز به ملاقات حضوری نمی‌پذیرد. آیا یک سال جداسازی خود از فرهیختگان و دلسوزان استان خوزستان استبداد نیست؟ ستاد دکتر روحانی نقش پررنگی در انتخاب دکتر مقتدایی به عنوان استاندار خوزستان داشته اند آیا این موضوع که وی خود را ملزم به برگزاری نشست با محوریت هم اندیشی با اعضای این ستاد نمی‌داند جفا نیست؟ ما در چه

زمانی و در چه نظامی زندگی می‌کنیم؟ چگونه در نظام جمهوری اسلامی ایران که مردم سالار و مبتنی بر ارتباطات است عالی ترین مقام دولت در استان خوزستان چنین تدبیر ناخوشایندی اتخاذ نموده است؟ طی چند ماهی که از استانداری دکتر مقتدایی می‌گذرد فقط یک نشست با هزاران اصرار و رایزنی با اعضای ستاد انتخاباتی دکتر روحانی در خوزستان توسط دکتر مقتدایی برگزار شد که تنها درخواست ما از وی که حداقل ترین درخواست ما می‌تواند باشد این بوده است که با دلسوزان استان مشورت و همفکری داشته باشد. اینکه استاندار خوزستان گفته است " متحمل بیشترین فشارها از سوی ستاد دکتر روحانی هستم" را به هیچ عنوان تأیید نمی‌کنم چرا که هیچ گونه فشاری بر وی از سوی ما تحمیل نشده است و کل خواسته ما نادیده گرفته نشدن نظرآتمان در مسیر پیشرفت وضعیت استان از سوی استاندار خوزستان بوده است.

سازی که اصلاح طلبان و اصول گرایان می نوازند



غلامرضا نجفی سولاری

روزنامه نگار

نه میمی، نه بیانک، نه تولاتی، نه جادی و نه محسن رضائی و نه هیچکس دیگر توفیق نیافت تا در خوزستان این استان زرخیز خدمتگزار مردمی بشود که در عین ثروت با فقر زندگی می کنند! مردم کم توقعی که تلاش و صداقت و دلسوزی مسئولین را خوب درک می کنند و با جان و دل همراهی می کنند. بالاخره پس از کش و قوص های فراوان حاج حسن این مسئولیت مهم را پذیرا شد! دکتر عبدالحسن مقتدایی که خود از قشر مستضعف جامعه بوده و از کارگری در پالایشگاه نفت آبادان به نمایندگی مجلس در سه دوره راه یافت و سرد و گرم روزگار را چشیده است و یک دوره نیز استاندار خوزستان و هرمزگان بوده است با تجربیات گذشته می توانست برای استان مهم و استراتژیک خوزستان عصری مفید و ارزنده باشد. فراموش نمی شود که آنگاه که مقتدایی استاندار خوزستان بود در دو نوبت ایشان را با همسر و فرزندان در فروشگاه راه اهواز مشاهده کردم که بدون تشریفات خاص و همانند یک شهروند عادی مشغول خرید بازار منزل بودند. به ایشان عرض کردم جناب مقتدایی حقیقتاً حضور شما بعنوان عالی ترین مقام اجرایی استان با این شکل در میان مردم مایه دلگرمی برای مردم است که ایشان گفتند: ما از مردم هستیم و بین من و پائین ترین جامعه تفاوتی نیست. من هم دوست دارم با خانواده ام به بازار باییم و وضعیت مردم را شخصاً ببینم و اگر احیاناً کسی کار و مشکلی داشت بتواند بدون واسطه و تشریفات بمن مراجعه و در خدمتش باشم. حقیر که خود معمولاً فرد منتقدی به مسائل موجود اطراف خود بوده و هستم از آن برخوردار مقتدایی واقعا لذت بردم و هر جا توانستم این نکته را اشاره کردم و از شخصیت والای او سخن بر زبان راندم.

یکی دیگر از محاسن استاندار منتخب دولت تدبیر و امید تعامل عالی با نماینده محترم ولی فقیه در استان خوزستان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و منتقدین و معتمدین و شیوخ و بزرگان طوایف مختلف استان است. اطاله نشود که جناب حاج حسن آقای عزیز با انرژی و توان و ساده زیستی

با چهره ای مصمم و خندان همیشگی پای به کاخ استانداری خوزستان گذاشت تا بتواند منشاء خیر و برکات فراوانی برای استان مظلوم خوزستان شده و در دولت تدبیر و امید رئیس جمهور محبوب همانند همیشه خدمتگزاری صدیق و تلاشگر برای مردم باشد. حال که حدود ۲۰۰ روز از انتصاب این کارگر پالایشگاه نفت آبادان که حقیقتاً با زحمت و تلاش و چند دور نمایندگی مجلس برای دومین بار به مقام استانداری مهم و استراتژیک خوزستان رسیده است انتقادات فراوانی را در این ایام کوتاه به بار آورده است که بخشی از آن به شخص ایشان و بخش دیگر به دولت تدبیر و امید بازمی گردد که امید است دکتر مقتدایی عزیز با همان ویژگی های اخلاقی منحصربفردش بتواند مشکلات و کاستی ها را به فرصت هایی برای استان و مردم مظلومش تبدیل نماید.

برخی از اقدامات مقتدایی همچون هیات مدیره ای که برای منطقه آزاد اروند با هماهنگی دولت تدبیر انتخاب کرده و در آن نام های بزرگی چون علی شمشانی، محمد مخبر و محمد فروزنده در کنار اسماعیل زمانی و عبدالله کعبی به چشم می خورد گویای تصمیم بزرگ دولت برای توسعه مناطق مختلف خوزستان است. ثانی و تدبیر دولت روحانی برای انتخاب یک استاندار بومی و قوی و مقوم این تصمیم بود. تجربه مقتدایی به عنوان یک تکنوکرات در سال های اخیر که در شرکت ملی حفاری منشا خدمات بوده جهت گیری سریع خوزستان به سوی

توسعه را تسهیل می کند. با این حال چندگانگی مسائل استان پهناور خوزستان که شمال و جنوب آن را با هم متمایز کرده است امری است که در مسیر برنامه ریزی برای توسعه همه جانبه خوزستان باید در نظر گرفته شود. در این راستا بنظر می رسد می بایست در مسیر توسعه خوزستان شکاف های ایجاد شده سیاسی و اجتماعی سال های اخیر را کم کرد.

حاج حسن کاری بس دشوار با اصولگرایان و اصلاح طلبان در خوزستان دارد زیرا هر کدام ساز خودش را می زند و هیچ خدائی را بنده نیستند. اعمال سیاست ها و برنامه های دولت در یکی از دورترین استان های کشور نسبت به پایتخت که هشت سال توسط اصولگرایان اداره شده و نمایندگان شهرهای آن عمدتاً محافظه کار هستند امری ساده نیست. او ناچار باید توان و تجربه خود را برای مقابله با مقاومت ها و کارشکنی های محلی بکار گرفته و تا حدودی هم موفق بوده است. برخی از مقاومت ها از اختلافات گذشته نشات می گیرد و برخی دیگر به دلیل به خطر افتادن منافع کسانی است که این سال ها بهره های کلان سیاسی و اقتصادی برده اند. عاملی که به جز تجربه در این مسیر یار مقتدایی خواهد بود اینست که او اصلاح طلبی معتدل است. کسی از او رفتار سیاسی تند و افراطی به خاطر ندارد و این خصلت می تواند در کنترل مقاومت های احتمالی اصولگرایان منطقه به او و تیم همراهش کمک کند. مقتدایی گرچه همواره اصلاح طلبی میانه رو بوده و این سال ها بیشتر به سمت تکنوکرات بودن میل داشته است اما باید در نظر داشته باشد

که استانداری کلا یک پست سیاسی است. سیاست توسعه ای اصلاح طلبانه گرچه با بهره گیری از تکنوکرات ها پیش می رود اما اهداف آن فراتر و به سوی توسعه پایدار و انسانی است. در این سیاست مردم و جامعه هدف اصلی توسعه هستند. لذا حفظ و تقویت طبقه متوسط جدید و عمق بخشیدن به گفتن اصلاحات در استان خوزستان باید هم به مثابه استراتژی و هم به عنوان هدف مدنظر مقتدایی قرار گیرد و برای تحقق آن برنامه حرکت عمقی و تدریجی طراحی شود.

ترکیب انتصابات مقتدایی در استان هیز همواره مورد انتقاد دوستان دولت تدبیر و منتقدان او و دولت قرار گرفته است مه می بایست با تعامل بیشتر با مسئولین و مقامات و نمایندگان محترم این انتقادات را به حداقل برساند زیرا به یقین نمیتواند را توان همه را راضی کرد و منتقدی نداشت.

امیدواریم مقتدایی عزیز هوای شهرهای نورچشمی آبادان و خرمشهر را که خوستگاه اصلی اوست و غریب و مظلوم در دولتهای مختلف قرار گرفته است را نیز داشته باشد و فراموش نکند که آبادان و خرمشهر حق ویژه ای بر گردن او و استان و کشور عزیزمان دارند.

از دفاع سید محمد خاتمی تا سنگ تمام منتجب نیا

در بحبوحه انتصاب استانداران و رایزنی های گسترده و معرفی گزینه های متعدد سید محمد خاتمی رییس جمهور اسبق ایران دفاعی جانانه از چهار استاندار دولت تدبیر و امید کرد که یکی از این چهار استاندار، مقتدایی استاندار خوزستان بود. محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات در نشست در جمع اصلاح طلبان گفت که استانداران دولت یازدهم مدیران خوبی هستند اما آقایان انصاری، زاهدی، میرمحمدی، مقتدایی و جبارزاده از دیگران بهتر هستند. برتری این پنج استاندار از آن رو مورد توجه خاتمی قرار گرفته که پیش از این نیز برخی از این استانداران در دولت اصلاحات نیز صاحب پست و مقامی بودند و عملکرد خوبی از خود بر جای گذاشته بودند. همچنین حجت الاسلام رسول منتجب نیا عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز که چندی پیش به خوزستان آمده بود و در نشست اصلاح طلبان شرکت کرده بود برای مقتدایی سنگ تمام گذاشت. وی گفت در این نشست ضمن انتقاد از استاندار لرستان به خاطر ناتوانی در برگزاری نشست سید حسن خمینی و لغو این نشست توسط عده ای تندرو گفت که برخی از استانداران مثل استاندار استان خوزستان در راس اش نیرویی ست که حداقل از من اصلاح طلب تر است و دغدغه اش برای جریان اصلاح طلبی بیشتر است. به عقیده منتجب نیا دکتر مقتدایی از چهره های شاخص اصلاح طلبان در خوزستان و کشور است.

وقتی استرداد کار دست مقتدایی می دهد

عینک سیاسی را از چشم برداریم



علی مقامی

خبرنگار

چشمان مان برداریم و به مقوله های فرهنگی با دید سیاسی نگاه نکنیم. این اولین بار نیست که مسئولین و شخصیت ها به اکران های خصوصی فیلم ها دعوت می شوند و آخرین بار نیز نخواهد بود.

با کمی تامل می توان به چرایی دعوت استاندار خوزستان به اکران این فیلم پی برد. بی شک "حمید فرخ نژاد" بازیگر آبادانی این فیلم بانی و باعث این دعوت بوده است. "آبادان گرایی" مقتدایی به دلیل آنکه خود زاده آبادان است به وضوح مشخص است. هر چند این خصوصیت در برخی موارد از جمله "انتصابات" بعضاً با انتقاداتی همراه بوده اما توجه مقتدایی به شخصیت های هنری و ادبی این شهر و بها دادن به آنان قابل تقدیر و ستایش است. حمید فرخ نژاد بازیگر نقش اول فیلم استرداد است که به خاطر بازی در این فیلم، برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مرد در جشنواره فیلم فجر شد. بی شک ارتباط نزدیک این بازیگر با مقتدایی، علت اصلی این دعوت بود. در واقع فرخ نژاد حلقه مفقوده ای ست که در تصاویر منتشر شده (مقتدایی - عارف - مهدی هاشمی) دیده نشد.

البته دعوت فرخ نژاد از استاندار مسبوق به سابقه است و چندی پیش نیز وی واسطه دیدار مقتدایی با نجف دریابندری نویسنده و مترجم مشهور کشور شده بود. در این دیدار مقتدایی از حمید فرخ نژاد به خاطر این که باعث برقراری ارتباط با اهل فرهنگ و هنر و قلم شهرآبادان شده، به صورت ویژه تشکر کرد و گفت: با همکاری اهالی هنر و فرهنگ مثل آقای فرخ نژاد در حال تدوین طرحی هستیم تا بتوانیم برای هنرمندان و شخصیت های فرهنگی این استان کاری انجام دهیم و با تشکیل یک تیم از چهره های ماندگار استان در این حوزه تقدیر کنیم.

مقتدایی برخلاف دیگر استانداران خوزستان، میانه خوبی با حوزه فرهنگ و هنرمندان دارد. به قول حمید فرخ نژاد، دیدار استاندار خوزستان با نجف دریابندری بسیار قشنگ و زیبا بود چرا که رویکردشان در قبال اهالی فرهنگ و هنر باعث شود که دیگر مسؤولان هم فرهنگ و هنر را عزیز بدانند...

عمر کوتاه مدیریتی استانداران خوزستان

مصطفی نریمانی: از میان افرادی که در سال های پس از انقلاب استاندار خوزستان بودند، اکنون تنها سیداحمد مدنی - نخستین استاندار - در قید حیات نیست. کمترین مدت استانداری مربوط به سرپرستی مرتضی روزبه است که تنها ۳۹ روز این مسئولیت را برعهده داشت. سیدجعفر حجازی استاندار دولت احمدی نژاد نیز رکورد ماندگاری را از آن خود کرد و از خرداد ۸۶ تا شهریورماه ۹۲ استاندار بود. در سال های پس از انقلاب هیچ کدام از استانداران خوزستان بیش از چهار سال در این سمت باقی نماندند و این در حالی است که حجازی بیش از ۶ سال است که در راس هرم مدیریت استان قرار دارد.

استان خوزستان در فاصله سال های ۵۸ تا ۶۸ تعداد ۵ استاندار و یک سرپرست داشته است؛ در دولت های اول و دوم هاشمی رفسنجانی نیز ۳ استاندار و یک سرپرست در خوزستان منصوب شده اند. در دو دوره سیدمحمد خاتمی نیز ۳ استاندار، در دوره محمود احمدی نژاد نیز ۲ استاندار و در دولت روحانی نیز تاکنون یک استاندار در خوزستان فعالیت داشته اند. بررسی تعداد افرادی که در این سال ها بر مسند استانداری خوزستان تکیه زده اند نشان می دهد که میانگین عمر مدیریت در استانداری ۲،۲۶ سال است. همچنین این رقم در ۱۰ سال نخست پس از پیروزی انقلاب (فاصله سال های ۵۸ تا ۶۸) ۲ سال، در دولت هاشمی رفسنجانی ۲ سال، در دولت خاتمی ۲،۶ سال و در دولت احمدی نژاد ۴ سال بوده است. از این تعداد ۹ نفر غیر بومی بوده اند که به ترتیب مدنی دارای اصالت کرمانی، غرضی، جنتی، میردامادی، تولا، یی، علیرضا تابش، خرم و معین دارای اصالت اصفهانی و نیز محمدحسین مقیمی اهل خمین در استان مرکزی می باشند. آقایان محمد فروزنده، امیر حیات مقدم، عبدالحسین مقتدایی و حجازی استانداران بومی خوزستان هستند که عمر مدیریت آنها بجز حجازی بسیار کوتاه بود. عبدالحسن مقتدایی نیز هر چند بزرگ شده آبادان است اما اصالتاً بوشهری است.

نگاهی به حلقه های لابی گری در خوزستان و پایتخت

جنگ سرد بر سر انتخاب مقتدایی!



حسین میرزایی

روزنامه نگار

مقتدایی در حالی به عنوان استاندار خوزستان معرفی شد که تا چند روز قبل از انتخاب هنوز موافقت قطعی خود را برای پذیرش این سمت اعلام نکرده بود اما حجم بالای درخواست ها و رایزنی های دولت و دستداران خوزستان سبب شد تا سرانجام موافقت این سیاستمدار کارکن شده برای بازگشت به جایگاه سابق خود جلب شود. مقتدایی که پیش از این هم در دولت خاتمی استاندار خوزستان بود برای بازگشت به سمت های سیاسی تمایلی نداشت اما سرانجام مصالح استان را بر تمایلات خود ترجیح داد.

استانداری و محافل ذی نفوذ محلی

سال گذشته موضوع انتخاب استاندار خوزستان چالش عمده ای در محافل سیاسی و اجتماعی استان ایجاد کرده و بحث ها و رایزنی های زیادی برانگیخته بود. چندین حلقه لابی گری در استان و پایتخت بر سر انتخاب استاندار شکل گرفته بود. مجمع نمایندگان خوزستان در مجلس هم یک پای اصلی این مباحث بود. عبدالحسین مقتدایی از اولین کسانی بود که پیشنهاد استانداری را از دولت دریافت کرد. اما استاندار اسبق خوزستان که حمایت اثرگذارش از روحانی در انتخابات ریاست جمهوری نام او را در محافل سیاسی مجددا مطرح ساخته بود در آن مقطع تمایلی به پذیرش پست های سیاسی نشان نداد.

پس از آن بود که اختلاف نظر شدید محافل لابی گری در استان و پایتخت دولت را در تصمیم گیری مردم ساخت. مقتدایی اما در یک برهه مهم به مباحث استانداری ورود کرد و آن زمانی بود که لابی خوزستانی های پایتخت نشین بی توجه به آنچه درون استان در جریان است اقدام

به معرفی کاندیدا به دولت کردند. در آن زمان مقتدایی این اقدام مرکز نشینان را رد کرد و گفته بود استاندار باید از درون محافل مستقر در خود استان بیرون بیاید نه از میان کسانی که خوزستان را ترک کرده اند. در این میان مجمع نمایندگان استان یک نفر از میان خود را به عنوان استاندار معرفی کرده بود و ستادهای روحانی بر استانداری جاسم جادری پای می فشرده. محافل سیاسی و اجتماعی استان در این مقطع عرصه نوعی جنگ سرد شده بود و حتی پای مباحث و علقه های قومیتی هم به میان آمده بود.

مقتدایی و اصول گرایان

مقتدایی در استانداری خوزستان کار دشواری در پیش دارد. اعمال سیاست ها و برنامه های دولت جدید در یکی از دورترین استان های کشور نسبت به پایتخت که هشت سال توسط اصولگرایان اداره شده امری ساده نیست. مقتدایی ناچار باید توان و تجربه خود را

سیاستمدار اصلاح طلب

ویکی پدیا - بزرگترین دانشنامه اینترنتی چند زبانه - عبدالحسن مقتدایی را اینچنین معرفی می کند: عبدالحسن مقتدایی، (زاده ۱۳۳۴ در آبادان)، سیاستمدار اصلاح طلب و استاندار خوزستان در کابینه حسن روحانی است. وی در سال ۱۳۷۷ و در دولت سید محمد خاتمی مدتی استاندار خوزستان بود که بعد از آن با تصمیم دولت، استاندار هرمزگان شد. همچنین وی نمایندگی مردم آبادان در دوره های سوم و چهارم مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت و عضو هیئت مدیره و مشاور شرکت ملی حفاری ایران نیز بوده است. عبدالحسن مقتدایی در آبادان در خانواده های لیراوی تبار به دنیا آمد و مرحوم پدرش در همان جا تن به آغوش خاکی که از آن برخاسته سپرده است. خانواده آنها غالباً شهرت کنارکوهی دارند.

پدرش به خاطر موقعیت شغلی سال ها پیش از روستای کنارکوه (لیراوی) به آبادان مهاجرت کرد، حتی هنگام آغاز جنگ تحمیلی آنها به بیدو و کنارکوه زادگاه اجدادی شان بازگشتند. استاندار جدید خوزستان در دوره های سوم و چهارم مجلس شورای اسلامی نمایندگی مردم آبادان را بر عهده داشته است، همچنین در دولت اصلاحات استانداری استان های خوزستان و هرمزگان را عهده دار بوده است. وی از مقبولیت خوبی در زمان تصدی استانداری این دو استان جنوبی برخوردار بوده است.

هدف مقتدایی از تشکیل شبه کابینه محلی با مشاوران متعدد چیست؟

"هوو"هایی برای مدیران اجرایی خوزستان



رضا مولایی

خبرنگار

ورژن ۲ مقتدایی همچنان و بی وقفه شگفتی می آفریند؛ چه آنگاه که پس از رد پست استانداری ناگهان با حکمی در دست از تهران به خوزستان بازمی گردد، چه آنگاه که خوش مشربی اش را در قالب لطفیه گویی به رخ مستمعین می کشد و چه اینک که بواسطه انتخاب مشاوران رکورد شکسته و انتقاداتی در مرکز استان برانگیخته است.

۳۰ مشاور برای یک استاندار؟ پرسشی که مدام با یک علامت تعجب در محافل سیاسی و رسانه ای مرکز استان زمزمه می شود اما کمتر کسی به معانی که این انتخاب ها می تواند در بر داشته باشد توجه کرده است. مقتدایی خود با این اظهارنظر که "به تعداد وزارتخانه ها مشاور انتخاب می کنم" و بعد با انتخاب مشاوران دیگر کلید فهم این معنا را بدست داده است. او یک "کابینه محلی" نمادین تشکیل داده که همه ارکان یک دولت را دارد، از حوزه بهداشت و آموزش و پرورش و فرهنگ گرفته تا حوزه عمران و اقتصاد و در نهایت روابط خارجی. کابینه مقتدایی تنها یک عضو امنیتی و نظامی کم دارد تا کاملاً در مقام یک دولت محلی رسمیت پیدا کند.

تشکیل کابینه محلی خوب است یا بد؟

استان را چونان یک کشور کوچک اداره کردن، ابتکار مقتدایی ورژن ۲ است. کمتر کسی فکر می کرد که با وجود مدیرکل های ادارات متعدد، استاندار چنین ایده ای برای اداره استان پیش بگیرد اما تجربه نشان داده که انتخاب مدیرکل ها تابعی است از رایزنی قدرت های متکثر محلی با وزیران مرکز نشین و در این تابع ممکن است جایگاه استاندار در حد یکی از پازل های قدرت محلی تنزل یابد.

اما مقتدایی چنانکه در دوره قبل زمامداریش در استان هم گفته بود مایل نیست قدرت محلی اجرایی را با کسی قسمت کند، مگر آنکه خود تصمیم به تقسیم آن گرفته باشد.

نخست برای مقابله با مقاومت ها و کارشکنی های محلی بکار گیرد. برخی از مقاومت ها از اختلافات گذشته نشات می گیرد و برخی دیگر به دلیل به خطر افتادن منافع کسانی است که این سال ها بهره های کلان سیاسی و اقتصادی برده اند. عاملی که به جز تجربه در این مسیر یار مقتدایی خواهد بود اینست که او اصلاح طلبی معتدل است. کسی از او رفتار سیاسی تند و افراطی به خاطر ندارد و این خصلت می تواند در کنترل مقاومت های احتمالی اصولگرایان منطقه به او و تیم همراهش کمک کند.

مقتدایی و اصلاح طلبان

استاندار جدید خوزستان گرچه همواره اصلاح طلبی میانه رو بوده و این سال ها بیشتر به سمت تکنوکرات بودن میل داشته است اما باید در نظر داشته باشد که استانداری در ذات خودش یک پست سیاسی است. درست است که دولت روحانی نگاه توسعه گرایانه به خوزستان دارد اما باید سمت و سوی این توسعه مشخص باشد. سیاست توسعه ای اصلاح طلبانه گرچه با بهره گیری از تکنوکرات ها پیش می رود اما اهداف آن فراتر و به سوی توسعه پایدار و انسانی است. در این سیاست مردم و جامعه هدف اصلی توسعه هستند. لذا حفظ و تقویت طبقه متوسط جدید و عمق بخشیدن به گفتمان اصلاحات در استان خوزستان باید هم به مثابه استراتژی و هم به عنوان هدف مدنظر مقتدایی قرار گیرد و برای تحقق آن برنامه حرکت عمقی و تدریجی طراحی شود.

مقتدایی و آبادان

انتخاب مقتدایی به سمت استانداری خوزستان تکمیل کننده رویکرد مثبت دولت روحانی نسبت به احیا و توسعه آبادان و خرمشهر و لاجرم مورد استقبال آبادانی ها و خرمشهری است. اما مردم این دو شهر نباید همه چیز را از استاندار جدید خود بخواهند زیرا مقتدایی هم اینک استاندار تمام مردم خوزستان با گوناگونی ها و مسائل مختلفش است. یک نکته بدیهی است که استانداری خوزستان از این پس به صورت مضاعف در جهت حل مشکلات آبادان و خرمشهر خواهد کوشید اما توقع اصلی در این خصوص را باید از سازمان منطقه آزاد اروند داشت که مأموریت اصلی اش از سوی دولت روحانی احیای آبادان و خرمشهر اعلام شده است.

باید گفت که مقتدایی مردان اجرایی مطلوب خود را در قالب مشاوران گرد هم آورده است. سوابق مشاورین استاندار خوزستان هم نشان می دهد که آنها عمدتاً مردان اجرایی اند و نه نظریه پردازان حوزه های مرتبط، لذا اگر به زودی در صندلی های مدیرکلی استان قرار نگیرند، "هوو" هایی هستند که قابلیت جایگزینی فوری را هر زمان که لازم باشد، خواهند داشت.

اغلب اینها اصلاح طلبان میانه رو یا مردان تکنوکراتی هستند که سوابق اجرایی در دوره پیشین استانداری مقتدایی داشته اند، البته نام چند تن از معاونین حجازی استاندار پیشین هم در این فهرست هست که ظاهراً رویکرد اجرایی در عملکرد آنها بر بینش سیاسی غلبه دارد. هرچند که این فهرست می توانست متفاوت باشد و از اصلاح طلبان شاخص تری بهره گیرد. با این حال استاندار از سوی محافل رسانه ای و سیاسی مرکز استان به هر بهانه ای کوبیده می شود؛ یک بار به خاطر انتخاب مشاورین، یک بار به خاطر لطفیه گویی، یک بار به خاطر نشستن در سالن سینما و به طور مدام به خاطر آبادانی بودن، تا جایی که مقتدایی به طنز گفته است دیگر نمی دانم آبادانیم، خوزستانیم ویا هرمزگانیم!

مقتدایی معتدل و میانه رو است

سید موسی بلاذیان

رییس ستاد اقامه نماز در خوزستان



حدود ۲۵ سال است که از نزدیک با دکتر مقتدایی آشنا هستیم. از مهم ترین ویژگی های مثبت ایشان می توان به سالم کار کردنش اشاره داشت. دکتر مقتدایی از زمانی که به عنوان نماینده مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی بود نیز سالم کار می کرد و هیچ گاه به دنبال سهم خواهی و حواشی نبود. وی همواره پایبند به اصول دین بوده و هست. دکتر مقتدایی همواره فردی متواضع و افتاده بود. هنگامی که مسئولیت استانداری خوزستان را نیز به عهده گرفت، معتدل و میانه رو خدمت می کرد. به همین دلیل از او خاطرات خوب و مثبتی در ذهن دارم. پس از آنکه وی در سمت

استانداری هرمزگان نیز قرار گرفت، از بسیاری دلسوزان دین و نماز خبر دار می شدم که بیشترین حساسیت را در موضوع نماز و دینداری داشته و هیچ گاه حمایت های خود را در این حوزه کاهش نداد. دکتر مقتدایی در حوزه خانه سازی برای مستضعفان نیز فعالیت قابل توجهی داشت. نکته که باید یادآوری و گوشزد نمایم این است با تغییر دولت ها نباید کل مجموعه و سیستم تغییر کند. این کار، کار پسندیده ای نیست و با اسلام ناب مغایرت دارد. امام علی(ع) می فرماید: "خدا لعنت کند کسی را که پست و مسئولیتی بعهده گیرد و از او فرد شایسته تری در آن مسئولیت وجود داشته باشد." با تغییر دولت ها نباید نیروهای ارزشی و مدیران شایسته تغییر کنند. در انتصابات نگاه ها باید به سمت شایسته سالاری برود.

مدعیانی که مقابل استانداری مقتدایی ایستادند



داریوش معمار
روزنامه نگار

بسیاری بازگشت او را بازگشت اصلاحات می‌دانند. عبدالحسن مقتدایی فرزند خوزستان متولد ۱۳۳۴ در خانواده‌ای کارگری است که اصالتش به کنارکوه (لیرای روستایی بین هندوچان و دیلم) برمی‌گردد. او اما متولد آبادان است و در سال های پایانی دهه پنجاه؛ دو سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، با مدرک دیپلم به استخدام پالایشگاه آبادان درآمد، همزمان با اوج گیری مبارزات مردمی در سال ۵۸، مقتدایی نیز در جمع جوانان پرشور و انقلابی آن سال های صنعت نفت به مبارزه با رژیم پرداخت و پس از پیروزی انقلاب به عنوان رئیس حراست پالایشگاه آبادان که بزرگترین پالایشگاه نفت خاورمیانه به حساب می‌آمد و شاهرگ حیاتی تصفیه نفت در کشور بود، منصوب شد.

مقتدایی جوان ترین رئیس حراست در تاریخ فعالیت پالایشگاه است، وی در آن روزهای شور و هیجان انقلابی همزمان در بنیاد تازه تاسیس مستضعفان نیز در موضوع ساماندهی اموال به جامانده از عوامل فراری رژیم سابق فعال شد. با آغاز جنگ تحمیلی مقتدایی ابتدا عازم جبهه جنگ شد، اما مدتی بعد از سوی وزارت نفت فراخوانده شد و به عنوان رئیس ستاد مرکزی پالایشگاه آبادان منصوب گردید. روحیه عبدالحسن مقتدایی جوان در همان روزها سخت و آبدیده شد تا آماده برای پذیرش مسئولیت‌های بزرگتر در آینده شود. مقتدایی با توجه به تعهد و روحیه خاصی که داشت تلاش‌هایش مورد توجه درست اندرکاران جنگ و انقلاب واقع شد، همچنین میان خانواده کارکنان پالایشگاه و مردم آبادان محبوبیتی به دست آورد. او با حفظ روابط نزدیک با مرحوم آیت الله جمی امام جمعه مبارز آبادان موفق شد تأثیر فراوانی بر حفظ روحیه مدافعان شهر در آن روزها داشته باشد.

اما فصل تازه زندگی کاری و آغاز زندگی سیاسی مقتدایی که تا سال های ابتدایی دهه شصت با نام خانوادگی کنارکوهی شناخته می‌شد، از مبارزات انتخاباتی دوره سوم مجلس شورای اسلامی آغاز گردید. در آن زمان او به دلیل مشکلاتی که در تمویض شناسنامه برای خانواده اش پیش آمده بود، نام خانوادگی خود را از کنارکوهی به مقتدایی تغییر داد. انتخاب مقتدایی در انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی به همراه انصاری و رشیدیان به عنوان نماینده مردم آبادان، فرصتی بود تا بتواند در جایگاهی دیگر به حل مشکلات مهاجران و کارکنان پالایشگاه آبادان بپردازد. انتخابات در این دوره میان آبادانی‌هایی که در سراسر ایران پراکنده شده بودند انجام شد و می‌توان گفت به سبب نوع آن، انتخابی خاص در تاریخ مجلس شورای اسلامی برای نمایندگان وقت این شهر به حساب می‌آمد، آن روزها دوران رنج، سردرگمی و سختی مردم شهری بود که روزی به عنوان بزرگترین مرکز صنعتی ایران، میزبان مسافران بسیار و جویندگان کار از سراسر ایران و جهان بودند. مقتدایی همچنین در دوره چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی، همزمان با پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران بازسازی، به عنوان نماینده

سوی دیگر مخالفت جمعی از نمایندگان وقت خوزستان با استاندار و کارشکنی علیه او نیز شرایط را در آستانه انتخابات مجلس ششم بحرانی کرد، مقتدایی که در همان دوره نیز شهرت به تعادل در انتصاب‌های خود و توجه به حلقه دوستانش داشت، به دلیل سرسختی برابر بعضی خواسته‌های نمایندگان که از نظر او با وظیفه نمایندگی ایشان تناسبی نداشت، در نهایت توسط وزیر کشور وقت موسوی لاری برکنار و به سمت استانداری هرمزگان منصوب شد. دوره استانداری او در خوزستان جدای از حواشی و حوادثی که به همراه داشت، می‌توانست آغاز عصری باشد که توسعه در مسیر حقیقی خود بر چهره رنجور این استان لیخنند بزند. مقتدایی مرد روزهای سخت جنگ و بازسازی بود، اما روابط سیاسی و سهم خواهی‌ها در آن دوره حتی به او اجازه نداد کارهایی که لازم بود را برای توسعه استان آغاز کند.

همزمان با استانداری هرمزگان مقتدایی جهت تحصیل در مقطع دکترا از دانشگاهی در هند پذیرش گرفت، او در دوره تصدی مسئولیت در این استان مبدل به چهره‌ای محبوب در بین مردم استان شد که زمینه تحولاتی چشمگیر را در توسعه اجتماعی و اقتصاد آن استان فراهم آورد. با افول ستاره بخت اصلاح طلبان در کشور و پیروزی محمود احمدی نژاد شهردار سابق تهران در انتخابات ریاست جمهوری که منجر به فصل تازه‌ای در شرایط سیاسی کشور شد، بسیاری از چهره های سیاسی اصلاح طلب به انزوا رانده شدند، از جمله مقتدایی که دیگر مبدل به معتبرترین چهره اصلاح طلب در جنوب کشور شده بود. در این دوره او مجدداً به وزارت نفت بازگشت و با پایان بردن تحصیلات خود در مقطع دکترا به عنوان عضو هیئت مدیره و مشاور مدیرعامل شرکت ملی حفاری ایران در اهواز مشغول به کار شد، دوره دوری از فعالیت سیاسی برای مقتدایی دوره آرامش و تلاش او در وزارت نفت به عنوان کارشناس و مشاور ارزنده بود، این دوره برای او دوستانه‌ای تازه و حلقه‌ای تازه از میان کارکنان شرکت ملی حفاری ایران فراهم آورد، در وقایع سال ۸۸ مقتدایی با برخوردی هوشمندانه، خود را از تیررس مسائل و بحران‌ها دور ساخت و عملاً به عنوان چهره‌ای اعتدال گرا، در میان طرفداران اصلاحات و اصولگرایی شناخته شده و پذیرفته شد.

پایان عصر احمدی نژاد، پایان دوره‌ای بود که در آن بسیاری از نیروهای متخصص در بخش های مختلف خانه نشین و از کار بیکار شدند، انتخاب دکتر روحانی به عنوان رئیس جمهور در عین ناباوری اصولگرایان، با شعار اعتدال فصلی نو برای فعالان استخوان دار و با سابقه سیاسی در ایران به حساب می‌آمد. مقتدایی پیش از انتخابات با صدور بیانیه‌ای در حمایت از کاندیداتوری روحانی به استقبال دوره اعتدال رفته بود. از همان روزهای نخست روی کار آمدن دولت جدید در میان گزینه‌هایی که برای استانداری خوزستان کاندیدا بودند، مقتدایی شناخته شده ترین فرد به حساب می‌آمد، او در عین اصلاح طلبی تمایلات اعتدال گرایانه قوی داشت. پس از چندین ماه رایزنی و شایعات مختلف، همچنین اظهار بی میلی مقتدایی برای پذیرفتن مسسئولیت استانداری خوزستان، سرانجام ظاهراً بار دیگر این مسسئولیت به وی تکلیف شد و حجازی استاندار اصولگرا، صندلی خود را به مقتدایی استاندار اصلاح طلب تحویل داد. بلافاصله با روی کار آمدن مقتدایی مجدداً زمزمه‌هایی در خصوص مخالفت برخی نمایندگان خوزستان با حضور وی به گوش رسید. گفته می‌شد کسانی که در ستاد روحانی فعالیت داشتند به عنوان مدعی مسند استانداری در صف نخستین مخالفان استاندار ایستادند.

مردم آبادان به همراه انصاری و سید یونس موسوی منتخب شد. شاید بتوان ادعا کرد، آن مقطع جزء حساس‌ترین دوران سیاسی و اجتماعی برای آبادان و مردم به شمار می‌رود که نوع تصمیم‌سازی‌ها و انتخاب‌ها در خصوص اسکان مردم و بازسازی آبادان در آینده این شهر تأثیری اساسی داشت.

مقتدایی در زمان نمایندگی مجلس در دوره سوم و چهارم موفق به اخذ مدرک لیسانس مهندسی صنایع و فوق لیسانس مهندسی صنایع شد، شرایط در دوره پنجم انتخابات مجلس به شکل دیگری پیش رفت. در مرحله نخست مقتدایی با کمی و صفاتی انتلافی را تشکیل دادند که در روز انتخابات دوام نیاورد و با انداختن تک رای توسط طرفداران هم‌پیمانان و پیش آمدهای دیگر رای مقتدایی شکست، و او با اختلافی اندک از راه یابی به مجلس باز ماند. شکست مقتدایی به عنوان یکی از سرشناس ترین چهره‌های فعال صنعت نفت در آبادان، آغازی بر افول نفوذ پالایشگاه در حوزه‌های مختلف شهری بود. گروه فعالان سیاسی و اجتماعی پالایشگاه به خصوص اعضاء انجمن اسلامی که پس از نزدیک به ۱۵ سال از میزان نفوذشان در سازمان کاسته شده بود، با شکست مقتدایی در دوره پنجم مجلس جایگاهشان در شهر افول جدی پیدا کرد، به نحوی که در دوره بعد نیز با کاندیداتوری آقای فیروزی (از همراهان قدیمی حلقه مقتدایی) برای انتخابات مجلس موفق به احیاء آن نشد.

پس از پایان دوره نمایندگی، مقتدایی در انتخابات ریاست جمهوری که منجر به انتخاب سیدمحمد خاتمی و پیروزی اصلاحات در کشور شد، نقشی کلیدی بازی کرد، اما پس از ریاست جمهوری آقای خاتمی وی به وزارت نفت بازگشت و به عنوان مامور به کشور کانادا رفت. پس از مدتی بنا به نیاز کشور به ایران بازگشت و به عنوان استاندار خوزستان در دولت اصلاحات منسوب شد. همزمان با این انتصاب بعضی حوادث در استان اتفاق افتاد که شاخص ترین آن غائله آب در آبادان بود.

این غائله که به دلیل شور شدن آب در نتیجه تجمعی کوچک برابر فرمانداری آبادان آغاز شد، به دلیل برخورد نامناسب منجر به شورش در این شهر شد که پس از سال های انقلاب سابقه نداشت و بخشی از بازار آبادان و مناطق شهری در نتیجه آن آسیب دید. از

مردی که به وعده هایش عمل کرد

فرامرزی روزنامه نگار هرمزگانی: مهندس عبدالحسن مقتدایی بعد از روی کار آمدن دولت اصلاحات با پیگیری مجموعه نیروهای سیاسی و در رأس آنها حجت الاسلام و المسلمین ذوالقدر که روابط نزدیکی با وزیر کشور و رئیس دولت یعنی سید محمد خاتمی داشت، زمینه حضور مهندس عبدالحسن مقتدایی در هرمزگان فراهم آمد. وی در اولین اقدام از رسانه‌ها خواست دو سال به او فرصت دهند تا برنامه هایش را سامان دهد و استان را در مسیر توسعه قرار دهد و پس از آن انتقادات خود را مطرح نمایند. او از معدود استاندارانی است که بر اهمیت تأثیر گذاری رسانه‌ها بر جامعه صحنه گذاشت. بر همین اساس ایجاد تحول در بکار گیری نیروهای ستادی در دستور کارش قرار گرفت. ابتدا زیر ساختهای توسعه استان را مد نظر قرار داد بحث امنیت از مهمترین موضوعات بود و سپس کارگروهها را فعالانه در گیر اجرای این برنامه کرد. سازمان مدیریت هم به عنوان مغز متفکر مدیریت استان مدیرانه امور را هدایت و برنامه ریزی نمود و همین امر موجب شد در بخش های مختلف: امنیت، اقتصاد، عمران، راه، مخابرات، حمل و نقل، آب و برق و... به توسعه متوازن نزدیک شویم یعنی بین همه ابعاد توسعه یک هارمونی ایجاد شد. لذا روزی که وی از استانداری رفت در مطلبی عرض کردم "مقتدایی مردی بود که به وعده هایش عمل کرد" رضایت عمومی از عملکرد ایشان به حدی بود که منتقدانش هم نقد جامعی در باب عملکردی منتشر نکردند.

مقتدایی یک گروه "معتمد" پیشنهاد داده است

ارزیابی ما باید واقع بینانه باشد نه ایده آلیستی



جهانمير پيش بين
فعال سياسي

برای تحلیل عملکرد مدیران باید چند مسئله را در نظر گرفت و گر نه نمی‌توان به درستی در خصوص عملکرد مدیری قضاوت کرد. ممکن است در کارکرد مدیران انتقاداتی هم وجود داشته باشد که این انتقادات در خصوص تمام مدیران اجرایی کشور از جمله رئیس جمهور صدق می‌کند. ولی ارزیابی ما باید یک ارزیابی واقع بینانه باشد نه ایده آلیستی. استاندار مقتدایی تجربه‌ی تصدی گری استانداری خوزستان و هرمزگان را در

کارنامه‌ی خود دارد و کادری هم که با ایشان کار می‌کنند در مجموع دارای عملکرد مثبتی هستند..

لزوم ارتقاء سطح مدیریت در استان ایجاب می‌کند که به نیازهای آموزشی و ارتباطی توجه شود در همین راستا استاندار خوزستان کار خوبی کرده است و از یک تیم مشاوره‌ای به صورت سامان یافته استفاده می‌کند و اگر این مشاورین بتوانند ضمن ارتباط مستمر با مردم نقطه نظرات تخصصی آنان را در حیطه‌ی مشاورتی خویش جمع‌آوری و جمع‌بندی کرده و به طرح و برنامه تبدیل کنند و این برنامه‌ها را تا حصول نتیجه پیگیری کنند بسیار مثبت است و می‌تواند نقش تأثیر گذاری در جهت اصلاح رویه و کارآمد شدن تجربه‌ها و بهره‌وری و اثر بخشی در جهت پیشرفت امور استان داشته باشد.

مقتدایی یک گروه "معتمد" هم پیشنهاد داده است که به نظر من اگر این گروه به صورت یک سازمان مردم نهاد ایجاد شود و به نقد سازنده‌ی شرایط موجود و ارائه‌ی راهکارهای مشارکتی بر اساس خرد جمعی بپردازد می‌تواند بسیار مثمر ثمر باشد.

پرونده شماره آینده نشریه راوی

بررسی عملکرد سید خلف

موسوی شهردار اهواز

مطالب و نوشته‌های خود را می‌توانید

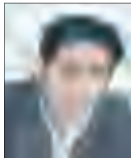
به ایمیل:

RAVIKHZ.۱۳۹۱@YAHOO.COM

ارسال نمایند

تلفن جهت هماهنگی: ۰۹۱۷۸۳۲۷۴۴۰

عمل‌گرایی و هم‌افزایی دو شاخصه کارنامه ۲۵۰ روزه مقتدایی



سید غلامرضا شریفی

روزنامه‌نگار

هدف این مقال کند و کاو در عملکرد آقای مقتدایی و بررسی آسیب شناسانه آن نیست این امر مستلزم کاری کارشناسی وزمانبراست که از حوصله این مقال ومخاطب آن خارج است اما برخی اقدامات دکتر مقتدایی را که حضور ذهن دارم با مخاطبین به اشتراک میگذارم آقای مقتدایی طی دو دوره در قامت قانونگذار و کالت ونمایندگی مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی را به عهده داشت واستانداری خوزستان وهرمزگان در دوره اصلاحات هم حاصل مدیریت اجرایی وی بوده است ،آنچه بیش از هر خصوصیت دیگری در آقای مقتدایی به خوبی ودر همان برخورد اول کاملا مشخص است،خونگرمی ،مردم داری ومناعت طبع وی است واین امر مصداق همان مثل معروف ادب مرد به دولت اوست ،اخلاق این مرد ما را به یاد دهه ۰عمی اندازد آن زمان که القابی چون دکتر ،مهندس،و...نبودوحتی در مکاتبات اداری اگر مخاطبت درهر پست ومقامی هم که باشد او را برادر خطاب میکنی ،اما درتوصیف امروزبهترین وصف را شهید والا مقام شهید شوشتری دارد: دیروز از هرچه بود گذشتیم !امروز از هرچه بودیم گذشتیم!آنجا پشت خاکریز بودیم واینجا در پناه میز! دیروز به دنبال گمنامی بودیم و امروز مواظبیم ناممان گم نشود! جبهه بوی ایمان میداد واینجا ایمانمان می میدهد ،آنجا بر درب اتاقمان می نوشتیم (یاحسین فرماندهی از آن توست)اینجا می نویسیم (بدون هماهنگی وارد نشوید)الهی نصیرمان باش تا بصیر گردیم ،بصیرمان کن تا ز مسیر برنگردیم و آزادمان کن تا

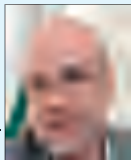
اسیر نگردیم ،در ۱۳آذر ماه سال گذشته یادداشتی داشتم که تم آن برضرورت هماهنگ بودن دستگاههای اجرایی در زمان وقوع بحرانهای طبیعی مبتنی بود ،ویکی از ماموریتها وچه بسا دستاورد های آینده آقای مقتدایی را ایجاد هماهنگی وانسجام بین دستگاههای اجرایی عنوان نموده بودم که صالدته کماکان بر این باور ، راسخ ایستاده ام ،حال پس از گذشت حدودا شش ماه از آن یادداشت ازآنجائیکه عمده ترین رسالت قلم رعایت انصاف است،انصافا" یکی از نقاط برجسته کارنامه ۲۵۰روزه آقای مقتدایی تلاش وی برای ایجاد هماهنگی وانسجام بین دستگاههای اجرایی است وشاید برآیند این هماهنگی ارتقاء رتبه استان در شاخص سفرهای نوروزی است ،چرا که دراین خصوص جلسات متعددی برای هماهنگی دستگاههایپیش از آغاز تعطیلات در استانداری برگزار شد.

البته این بدان معنی نیست که سکاندار مدیریت ارشد استان توانسته در سایر موضوعات مهم در بین دستگاهها هماهنگی ایجاد نماید امابه نظر می رسد فرمان حرکت وی به این سمت است،تاکید آقای مقتدایی بر بهره گیری از ظرفیتهای منطقه آزاد اروند و در گام اول صدور مجوز تردد خوروهای این منطقه تا مرکز استان وبرخی شهرستانها هرچند که هنوز اما واگر های زیادی در این خصوص وجود دارد اما خود فی نفسه تصمیم صائب وارزنده ایست ،ویروکرد فعالانه در قبال موضوع انتقال آب از سرشاخه های کارون به دیگر استانها وتبیین حق استان در این خصوص شاید یکی دیگر دستاوردهای آقای مقتدایی باشد ،احیای مجدد طرح ۵۵۰هزار هکتاری سفر مقام معظم رهبری که اگر به درستی مدیریت شود میتواندوضعیت اشغال در استان را بهبود بخشد،تلاش وی درجهت ارتقاء فرهنگ عمومی ستودنی است تاکید وی بر حفظ حرمت وشأن مردم در اماکن عمومی همچون فرودگاهها ،پایانه های مسافبری ،و...در خور تقدیر است .

توجه خاص وی به تربیت مدیران توانمند و رعایت اصل شایسته سالاری در گزینش مدیران وره اندازی سامانه ای تحت عنوان سامانه اطلاعات مدیران که در خبرها خواندیم نیز قابل تحسین است ،ملزم ساختن دستگاههای اجرایی به استفاده از تولیدات داخلی

گرایش های سیاسی مانع از بکار گرفتن نیروهای توانمند نشود

سنت خلع ید اصول گرایان و اصلاح طلبان !



محمد رضا ایزدی

روزنامه نگار

اساس دموکراسی در کشور ما و حقوق شهروندی برای تمام گروه ها با هر گرایش سیاسی و همچنین تمام اقوام باید بصورت یکسان در نظر گرفته شود و مشارکت در قدرت حاکمه بخشی از این حقوق بشمار می رود. این حق، خاص گروه و یا قومی نمی تواند باشد ؛ همه افراد از هر گروه و حزب با هر دیدگاه و تفکر در صورتی که توانمند، متعهد به نظام، دلسوز و خادم مردم و جامعه هستند باید در این حق سهیم باشند.

در این چند سطر دیدگاه خود را از زاویه سیاسی مطرح نمی کنم زیرا اکثر جهت گیری های سیاسی، عاقبت بخیری در آن وجود ندارد بلکه نوشتار خود را براساس دیدگاه اجتماعی مطرح و امیدوارم پیشگفتاری بر عملکرد مدیران ارشد باشد و مورد توجه قرار گیرد. با انتخاب هر دوره ریاست جمهوری در کشور، مدیران ارشد استان ها دستخوش تغییر و تحول می شوند. استانداران از طرف وزیر کشور، فرمانداران با حکم استانداران مدیران کل با تصمیم و انتصاب وزرا و ... این تغییرات متأسفانه براساس خط فکری و خط کشتی های سیاسی بوجود می آید که یکی از علل اصلی عدم پیشرفت مورد نظر ما طی سی سال گذشته در کشور بوده است.

بدین منظور وقتی اصولگرایان سکان مملکت را به دست می گرفتند تمام نیروهای اصلاح طلب و معتدل را کنار می زد و هنگامی که اصلاح طلب ها در رأس قرار می گرفتند اصولگرایان را خلع ید می کردند و این اقدام طی این سه دهه بعنوان یک اصل نهادینه شده و هزینه ی خسارت ناشی از این همه تغییرات از جیب مردم و بیت المال پرداخت شده است. استان ما و استاندار ما هم از این امر مستثنی نیست . هر چند معتقد دکتر مقتدایی فرد توانمند و خردمند می باشد اما نباید فراموش کرد که فشار جناهای سیاسی را باید تحمل و گاهی مجبور است این فشارها را لحاظ کند.

وجود جناهای سیاسی از هر طیف در هر مملکت می تواند بسیار سودمند و موثر باشد اما آنچه که تاکنون ملاحظه شده ، بجز ضرر و زیان و آثار مخرب چیزی به جای نگذاشته است و از جناب دکتر مقتدایی انتظار می رود، آن عاقبت بخیری که به آن بسیار معتقد هستند با فشار تندروها از هر جناح اعم از اصولگرا و اصلاح طلب کمرنگ نشود و راه اعتدال را پیش گرفته تا مرهمی بر زخم مردم شهید پرور، نجیب و محروم خوزستان که

استان در طرحهای عمرانی وسپردن طرحها به پیمانکاران بومی استان هم از نقاط قوت کارنامه ۲۵۰روزه آقای مقتدایی است .انتصاب بیش از ۲۰مشاور که اکثریت آنها از اساتید دانشگاه و صاحب نظران در حوزه های مختلف استان هستند هم حاکی از اعتقاد آقای مقتدایی به خردجمعی وپابندی وی به سیرت امیرمومنان علی (ع)در حکومت داری وفرمایش ایشان (من استبد برایه هلك ومن شاور الرجال شارکهم فی عقولهم) است واینکه نیک میدانند که برآیند مشورت ،سهیم شدن در عقل و خرد دیگران است ،اما در عین حال هرچند شنیده شده که استاندار تلاش وافر برای همراه ساختن نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی نموده وکارگروه هایی را در حوزه های مختلف با حضور نمایندگان تشکیل داده لیکن نگارنده بر این باور است که این موضوع تنهابخش خیلی جزئی از ظرفیت سرشاری است که نمایندگان مجلس دارند و برای کشاندن نمایندگان در گود مدیریت استان آقای استاندار باید تلاش بیشتری کند.

شهرستان شدن کارون، حمیدیه و باوی هرچند که در گام اول مردم این مناطق را شادمان کرد لیکن این نکته نباید از چشم تیز بین استاندار پنهان بماند که اگر ساز و کاری برای توسعه این مناطق اندیشیده نشود در آینده ای نه چندان دور به پاشنه آشیل مدیریت استان تبدیل خواهد شد ،در پروسه انتصابات بویژه فرمانداران هرچند که به نگاه شایسته سالارانه آقای مقتدایی ایمان داریم لیکن برخی انتصابات وی دراین حوزه صائب نبودند ،تعلم در انتصاب مدیران کل برخی از دستگاههای اجرایی وعدم اتخاذ موضع فعالانه در این خصوص که امورات این دستگاهها را با رکود و روزمرگی مواجه ساخته هم شاید یکی از نقاط ضعف مدیریت استان باشد. در مجموع آقای مقتدایی به خوبی به ظرفیتهای و پتانسیل استان واقف است چرا که سالها در استان بوده وبیش از هر کس دیگری قدر فرصت ها را میدانند در پایان امیدوارم کارنامه ۲۵۰روزه ونهایتا دفتر مسئولیت آقای مقتدایی آنچهان بسته شودکه از وی نام نیکی در اذهان بماند . ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا".

جامعه ی خویش باشیم و به نقطه مطلوب برسیم.

رئیس جمهور، وزرا و استانداران باید از افراد توانمند با هر گرایش سیاسی استفاده کنند و تا زمانی که یک مدیر فعال به کار خود با علاقه و تلاش ادامه می دهد، نباید به لحاظ گرایش داشتن به حزب و گروه خاص ، از کار خود خلع ید شود. بطور مثال آیا در استان ما حتی یک فرماندار از ۲۷ فرماندار شهرستان های خوزستان شایستگی فرمانداری نداشته و وجودشان در سمت فرمانداری موجب ضرر و زیان به استان بوده؟ اگر این چنین بوده که باید استاندار قبل زیر سوال برود و پاسخگو باشد که چرا ۲۷ فرمانداری که صلاحیت چنین سمت و جایگاهی را نداشته اند در این پست منصوب شده اند و اگر در بین آنان تعدادی افراد توانمند وجود داشت و به شهرستان ها خالصانه خدمت می کردند، چرا برکنار شدند.

اینجاست که در کلان و در انتهای هر دوره از تصدی دولت ها و استانداران نتیجه عملکرد آن ها با موفقیت همراه نخواهد بود و مشکلات همچنان باقی است . البته بسیاری از مدیران پس از چند سال در رأس بودن باید جابجا شوند و این عمل می تواند با حضور افراد تازه نفس و با تفکرات جدیدتر اثرات مثبتی برای جامعه در پی داشته باشد.

قطعا مشکلات بوجود آمده و یا به جای مانده از دولت مردان قبل مانند :

۱- جایگاه سی و دوم کشوری در بحث اشتغال که یک فاجعه بشمار می رود.

۲- عدم زیرکشت بردن طرح ۸۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی در استان

۳- رابطه معکوس نسبت تسهیلات به سپرده بانک ها که وجود چنین شرایطی حل مشکل اشتغال را عملا غیرممکن می کند.

۴- مشکل آب سد گتوند

۵- بوی تفنن پسماندهای کارخانه الکل سازی

۶- تخصیص اعتبار در بودجه ۹۳ برای اتمام تونل های انتقال آب از کارون

۷- وجود ریزگردها و هوای آلوده و مشکلات تنفسی ایجاد شده برای بسیاری از شهروندان

۸- تعطیلی واحدهای صنعتی از جمله شرکت صنایع فلزی و چوب در شهرک صنعتی خرمشهر و ... در مدت زمان ۲۵۰ روز قابل بررسی نیست و با این همه مشکلات که در استان وجود دارد پرداختن به عملکرد استانداری که کمتر از یک سال سکان مدیریت استان را بدست گرفته زود است و باید شاهد زمانی حداقل دو چهارساله باشیم.

دکتر مقتدایی با کوله باری از تجربه در استانداری های خوزستان و هرمزگان ، نمایندگی مردم در دو دوره مجلس شورای اسلامی، مشاور وزیر در امور برنامه ریزی و همچنین عناوین بسیاری که در پست های کلان استان و کشور داشته است، اکنون سکاندار این همه مشکلات در استان می باشد. موفقیت استاندار بستگی به حل مشکلات استان دارد، هرچند وی چهره ای معتدل و اجرایی و از پیشینه خوبی برخوردار است و از محاسن غیرقابل انکار ایشان اخلاص و صداقت وی می باشد اما باید دید برای حل مشکل مردم و استان چگونه عمل می کند. امیدوارم شاهد موفقیت ایشان و حل مشکلات استان باشیم.

بررسی هدف استاندار از انتصاب مشاوران و تشکیل کابینه محلی

شورای مشاوران مقتدایی تجربه موفق بوده است



دکتر منصور زرناد

رئیس شورای مشاوران استاندار خوزستان

در حال حاضر مجموعه ای از مشاوران در شورای مشاوران استاندار خوزستان گرد هم آمده اند که این افراد در زمینه های تخصصی خود افرادی صاحب نظر و دلسوز برای استان هستند و این مجموعه ظرفیت بسیار ارزشمند و کارآمدی است که می توان به نحو مطلوب از آن استفاده کرد.

اصولا خدمات مشاوره ای به دو گونه نگاه می شود؛ یک نوع نگاه این است که افرادی که از مسئولیت عزل می شوند به سمت مشاور منصوب شوند تا به نوعی حرمت آنها حفظ شود و همچنین از بروز مشکلاتی در سازمان پیشگیری شود؛ مدیران دیگری نیز وجود دارند که عمیقا به مساله مشاوره و بکارگیری مشاوران در مجموعه اعتقاد دارند و سطح مشاوران را نیز حتی بالاتر از معاونان می دانند. در این بین استاندار خوزستان بر این باور است که می توان از مشاوران و خدمات مشاوره ای در تصمیم سازی بهره برد و شان مشاوران را در حدی می داند که در کنار استاندار به تصمیم گیری بپردازند. وی از همان ابتدا اعلام کرد که انتظار من از مشاور این است که فضای تصمیم گیری را باز کند و به جای درگیر شدن در کار اجرایی، تنها فکر کند. قطعا یک مدیر خوب مدیری است که مشاورانی داشته باشد که به مجموعه های تخصصی متصل باشند و استاندار خوزستان نیز بر این موضوع تاکید داشت. البته تجربه شورای مشاوران رئیس جمهور نیز پیش از این وجود داشته، ولی شورای مشاوران استاندار خوزستان تفاوت هایی دارد. در مجموعه شورای مشاوران رئیس جمهور به طور مثال تعدادی از اقتصاددانان

گرد هم می آیند و شورای مشورتی اقتصاد تشکیل می شود و جمع بندی شورا در اختیار رییس جمهور قرار می گیرد، ولی استاندار خوزستان به دنبال این بود که در هر زمینه تخصصی مشاوری بکار گرفته شود که آن مشاور نیز خود به یک مجموعه متصل باشد و به عنوان مثال به نظرات اساتید دانشگاه دسترسی داشته باشد و به ترتیب خود اداره کننده شورا و کمیسیون هایی خواهد بود و در نتیجه به تعداد مشاوران، شورای مشورتی در اختیار استاندار خواهد بود. البته زمان زیادی لازم است تا این شورا به یک سازمان نظام مند اجرایی تبدیل شود، با این وجود آیین نامه این شورا کاملا شفاف تدوین شده و به هیچ عنوان با حوزه اجرا تداخلی ندارد. این شورا تاکنون بسیار پویا فعالیت کرده و هر کدام از مشاوران نیز یک کمیسیون تخصصی را در زیرمجموعه خود اداره می کند که تعداد زیادی از افراد صاحب نظر در این مجموعه حضور دارند و از این طریق می توان با استفاده از تخصص های مختلف و ظرفیت های فکری و علمی، بخش اجرا را تقویت کرد.

استاندار به مشاوران اعتقاد کامل دارند و اساس کار را بر این نهاده که با استفاده از این مشاوران تصمیم سازی به صورت شفاف و علمی صورت گیرد و با اشراف کامل، تصمیم ها اجرایی شوند. نباید فراموش کرد که هر تجربه جدیدی برای پذیرش عمومی و اثربخشی و کارایی به زمان نیاز دارد و شورای مشاوران استاندار

خوزستان تجربه موفق بوده که می تواند برای استان های دیگر الگو باشد. در حال حاضر جلسات شورای مشاوران استاندار خوزستان هر دو هفته یک بار تشکیل می شود و خروجی جلسات به صورت مشخص و تدوین شده در اختیار

استاندار به مشاوران اعتقاد کامل دارند و اساس کار را بر این نهاده که با استفاده از این مشاوران تصمیم سازی به صورت شفاف و علمی صورت گیرد و با اشراف کامل، تصمیم ها اجرایی شوند. نباید فراموش کرد که هر تجربه جدیدی برای پذیرش عمومی و اثربخشی و کارایی به زمان نیاز دارد و شورای مشاوران استاندار خوزستان تجربه موفق بوده که می تواند برای استان های دیگر الگو باشد. در حال حاضر جلسات شورای مشاوران استاندار خوزستان هر دو هفته یک بار تشکیل می شود و خروجی جلسات به صورت مشخص و تدوین شده در اختیار استاندار قرار می گیرد. خروجی کار شفاف، منظم و سیستماتیک است و استاندار هر کجا مصلحت بداند تصمیم ها را به دستگاه های اجرایی ارجاع می دهد. آیین نامه شورای مشاوران نیز به مرور زمان و هر ۶ ماه یکبار بازنگری می شود.

استاندار قرار می گیرد. خروجی کار شفاف، منظم و سیستماتیک است و استاندار هر کجا مصلحت بداند تصمیم ها را به دستگاه های اجرایی ارجاع می دهد. آیین نامه شورای مشاوران نیز به مرور زمان و هر ۶ ماه یکبار بازنگری می شود. در این مدت شورای مشاوران توانسته بدون تعارض و تداخل، بدنه تخصصی استان را به بدنه اجرایی مرتبط کند و از این نظر بسیار موفق بوده است. همچنین خروجی کمیته های تخصصی که زیر نظر مشاوران اداره می شوند نیز به صورت گزارش کار به شخص استاندار ارایه می شود.

جایگاه فرهنگ در کارنامه کاری استاندار

کلیدی برای قفلی زنگ زده

آنچه نیاز به تغییر دارد، نوع نگاه و بازسازی ساختارهای معیوب است. در توانایی های دکتر مقتدایی در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و... جای تردید نیست. کارنامه ایشان گواهی ست بر این مدعا. اما همین کارنامه درخشان وقتی به بخش فرهنگی می رسد رنگ می بازد و بی فروغ می شود. جبران این مهم نیاز به برنامه ای مدون و کوششی مضاعف دارد. حرف زدن، قول و قرار گذاشتن و شعار دادن همیشه بازاری گرم و پر خریدار داشته و سرپوش مناسبی برای نادیده گرفتن مشکلات و مسائل بر زمین مانده است. نگاه درست و کارشناسی شده، تزریق بودجه مناسب و اراده ای محکم برای اجرای تغییرات، کلید این قفل زنگ زده است. فرهنگیان استان، روزنامه نگاران، نویسندگان، هنرمندان و... مطالبات دور از ذهن و خارج از عرفی ندارند. بعد از دوره رکود هشت ساله و نادیده گرفتن ابتدایی ترین نیازهای قشر هنرمند، کوچک ترین توجه به مسائل و مشکلات آنان می تواند مرهمی باشد بر دل رنجیده ایشان. فراموش نکنیم که فعالان عرصه هنر با وجود نامهربانی ها و بی توجهی ها، همواره آماده کار و شروعی دوباره هستند و با آغوشی باز به استقبال

دولت تدبیر در شعارهای تبلیغاتی خود، بارها به نگاه تازه خود در عرصه فرهنگ و لزوم ایجاد تغییرات ساختاری در این زمینه، اشاره نموده است. چنانچه بعد از روی کار آمدن دولت، تغییرات در عرصه فرهنگی مشهود بوده و امیدواری در میان اصحاب فرهنگ و هنر نمود ویژه ای یافت. در خوزستان نیز می بایست به طبع نگرش دولت، این اتفاق رخ می داد. به ویژه که استاندار خوزستان به عنوان شخصیتی علاقه مند به عرصه فرهنگ در میان فعالان این عرصه شناخته می شد.

تغییرات مثبت می روند. اکنون که دولت تدبیر و امید روزنه ای به آینده ای روشن باز کرده است فرصت مناسبی ست تا دکتر مقتدایی نیز اعلام آمادگی هنرمندان استان را بی جواب نگذارد و همچون نیروی تازه بر پیکر مختصر فرهنگ استان خوزستان جانی دوباره ببخشد. این بازی از طرف هنرمندان آماده شروع است. بازی ای که با حرکت درست استاندار می تواند نتیجه ای برد - برد برای هر دو طرف داشته باشد. با این اوصاف، گرفتن نمره قبولی در عرصه فرهنگ می تواند قدم بعدی و اصلی برنامه کاری استاندار باشد. نمره ای که همچون نمره انضباط در کارنامه تحصیلی، شاید در ذهن محصلین از درجه اهمیت کمتری برخوردار باشد، اما تاثیر غیرقابل انکاری در نگاه معلمین دارد.

تغییر و تحول در بدو استقرار دولت ها امری اجتناب ناپذیر است. پس از روی کار آمدن دولتی جدید، تغییرات در سطوح مختلف آغاز می شود. هر دولتی به تناسب رویکرد و نوع نگاه و نگرش خاص خود به مسائل و عرصه های گوناگون زیر نظرش، برنامه ریزی نموده و شروع به انجام تغییرات براساس اولویت ها می کند.

دولت تدبیر و امید در زمان انتخابات و در شعارهای تبلیغاتی خود، بارها به نگاه تازه خود در عرصه فرهنگ و لزوم ایجاد تغییرات ساختاری در این زمینه، اشاره نموده است. چنانچه بعد از روی کار آمدن دولت، تغییرات در عرصه فرهنگی مشهود بوده و امیدواری در میان اصحاب فرهنگ و هنر نمود ویژه ای یافت. در استان خوزستان نیز می بایست به طبع نگرش دولت، این اتفاق رخ می داد. به ویژه که استاندار خوزستان به عنوان شخصیتی علاقه مند به عرصه فرهنگ در میان فعالان این عرصه شناخته می شد. با این حال و با توجه به کارنامه دکتر مقتدایی

در دوره جدید صدارت خود، هیچ نشانی از تغییرات فرهنگی مشاهده نمی شود. تا جایی که به نظر می رسد در نگرش دکتر مقتدایی، فرهنگ و هنر در مرتبه آخر اهمیت قرار گرفته است. تعبیر کلی تغییرات فرهنگی در واقع اشاره ای ست به برنامه هایی در جهت ایجاد بستری مناسب برای به بار نشستن پتانسیل های فراوان فرهنگی هنرمندان استان خوزستان. توضیح این نکته از آن جهت ضروری ست که شائبه ای جابه جایی یا برکناری نیروهای شاغل در این عرصه در ذهن متبادر نگردد چرا که برای رسیدن به محیط مناسب رشد نیروهای با استعداد و جوان در عرصه فرهنگ، جابه جایی افراد الزاماً نتیجه بخش نیست.

کم و کسری های ورژن ۲ "مقتدایی"



عبدالرحمن نیک سرشت: من از تیم پولوی شخصی آقای مقتدایی بسیار خوشم می آید. قبل از انتخاب استاندار خوزستان توسط دولت اعتدال و امید در مصاحبه ای گفتم "استاندار جدید نباید نهب خور باشد."

بقول ما لرها اجاق زد و یک استاندار جان سخت و نهب خور آمد سرکار. من یکی با استاندار شدن مقتدایی خیلی خوشحال شدم به هر حال وجود سرشار یک سری ژن ها در ذات مقتدایی از نظر هویت شناسانه قابل تامل است و کاری هم نمی شود کرد و ربطی به ورژن ندارد. شجاعت و اخلاص و سلامت نفس ایشان مثل زدن است. این که زیر بلیط جناح ها بودن مقتدایی ریشه در روحیه ی مستقل اندیشی او دارد و ربطی به ورژن های او ندارد.

در دولت آریستو کرات روحانی وجود مقتدایی بعنوان استان خوزستان، که سطح مطالبات زاد بوم گرایانه ی آن بالاست یک نعمت محسوب می شود. خود مقتدایی بیشتر از همه ی ما خوزستان گراست و همین مساله موجب می شود که دولت در این استان به بحرانی بر نخورد. این حرفم علمی است، استانداری که لباس ورزشی صنعت نفت آبادان را بپوشد و با مردم کوچه و بازار ارتباطش را حفظ کند باعث افتخار دولت روحانی است. به نظر من ورژن دو مقتدایی یک چیزهایی کم و کسر دارد که آنها را بشرح زیر بر می شمارم.

یک: جوانگرایی در امور: تعجب می کنم مقتدایی یک فرد ورزشی است و او باید بداند که ما مسئول پرورش نسل های جوان مدیر هستیم دو: اهمیت به برنامه ها و ایده ها: آقای حجازی استاندار سابق در این کار استاد بودند. او مثل یک کارپرداز در این مسایل عمل می کرد. سوم: مقتدایی رسانه گریز است ولی آقای معین رسانه محور عمل می کرد و حجازی شورای راهبردی مطبوعاتی داشت. چهارم: نقاط مثبتی که در عین حال نقاط منفی او محسوب می شوند. الف: قاطعیتی که لجبازی می شود. ب: دقتی که موجب کندی سرعت می شود. پ: قدرتی که ضعف اراده به بار می آورد. ج: اعتمادی که سر از ریفیق بازی در می آورد.

بی مهری به نیروهای کارآمد ستاد روحانی در خوزستان

مناصب کلیدی خوزستان در دست نیروهای احمدی نژاد!



نامه وارده

ستادها و کمیته های اجرایی ستاد روحانی

اگر کسی به عقب برگردیم و روزهای داغ و پر تلاطم انتخابات خرداد ۹۲ را از نظر بگذرانیم، بدون تردید خاطره رشادت ها، شجاعت ها و تلاش های طاقت فرسا و شبانه روزی خیل عظیم انسان های فداکار و فرهیخته ای را که با نهایت اخلاص، در فضای سنگین و کسل کننده حاکم بر دوران تبلیغات انتخاباتی، علیرغم همه فشارها، تهدیدها و تهمت ها، بدون کمترین ترس و ناامیدی و صرفا بنا به احساس وظیفه و تکلیف و با تکیه بر ایمان و اعتقاد به توانمندی و راه گشا بودن مشی سیاسی جنابعلی و با هدف سربلندی و اعتلای نام ایران و ایرانی و کسب اعتبار و وجهت بین المللی برای این سرزمین کهن و نیز مبارزه با برخی بدعت ها و ساختارها و برنامه های نادرست سیاسی و اقتصادی گذشته، وارد عرصه و در این راستا از هیچ کوششی مضایقه نموده اند، بیش از پیش در ذهنمان تداعی شده و ما را به تحسین و تقدیر آنان وا می دارد.

اینک یک سال از آن حادثه تاریخی و پیروزی غرور آفرین و خاطره انگیز می گذرد. گرچه تلاش های موفق دولت کریمه تدبیر و امید را در بسیاری از عرصه های داخلی

و خارجی به ویژه در حوزه سیاست خارجی و حل مسایل بین المللی و نیز برنامه های سازنده درازمدت و علمی در جهت بهبود ساختار اقتصاد و حل مشکلات معشیت مردم را هرگز نمی توان انکار نمود اما در سنجش دیگری که اصلی ترین دغدغه حامیان دکتر روحانی بوده، یعنی حوزه تحول مدیریتی و دستگاه ها و بخش های مختلف اجرایی در سطوح مختلف استان ها و شهرستان ها و استفاده از نیروهای نخبه ستادی که پابندی و وفاداری آنها به دولت تدبیر و امید در سخت ترین شرایط به اثبات رسیده و همچنان بر عهد و پیمان خویش وفادار مانده اند حداقل اقدامی در خور وشایسته صورت نگرفته است.

بسیاری از مدیران فعلی اعم از مدیران ارشد استانی و مناصب کلیدی در شهرستان ها، افرادی هستند که نه تنها کمترین نقشی در انتخابات گذشته و در حمایت از دکتر روحانی ایفا ننموده اند بلکه غالباً از عوامل و کارگزاران اصلی و بدنه دولت گذشته و حامیان ودلواپسان امروزی بوده و فعلاً بر مقتضای شرایط و مصلحت خویش به ناچار با شرایط جدید کنار آمده اند و قطعاً نه تنها هیچ دل نگرانی و دغدغه ای برای عدم توفیق دولت فعلی ندارند بلکه به احتمال قوی، عدم موفقیت این دولت در تحقق شعارها و برنامه های پیش رو، آنها را بیشتر خوشحال خواهد ساخت!

و این در حالی است که جمعی از بهترین و کارآمدترین مدیران باتجربه و اندیشمند دکتر روحانی که هر کدام توان اداره استانی را دارا بوده و می توانند دولت تدبیر و امید را در این راه یاری نمایند، مورد بی مهری و کم لطفی واقع شده و حتی پس از انتخابات، بر خلاف رسم معمول، از حداقل کار ممکن در حق آنها و حتی یک قردانی ساده نیز دریغ

جریان سهم خواهی ها از استاندار خوزستان چه می خواهند؟

دوئل سهم خواهان



علی رضا عبدالله نژاد

خبرنگار

شهرستانی به دلیل عدم دریافت «سهم» خود! قهر و چرخش سیاسی را ترجیح می دهند و سنگ اندازی ها در مقابل پای تیم دولت در استان ها و شهرستان ها آغاز می شود. آن ها از هر فرصتی استفاده می کنند تا به مقام ارشد دولت در استان یا شهرستان خود یادآوری کنند که اگر آن ها نبودند، این مسئولین هم الان بر سر کار نبودند!

استان خوزستان به عنوان یکی از سیاسی ترین استان های کشور، مصداق بارز این نوع سهم خواهی است. این مسئله در دولت احمدی نژاد وجود داشت، در دولت روحانی به وضوح دیده شده است و به احتمال بسیار زیاد در دولت های آینده هم وجود خواهد داشت.

در دولت احمدی نژاد با این که او رسماً ستادهای خود را در سطح کشور تعطیل اعلام کرده بود اما باز هم رگه هایی جدی از نوعی سهم خواهی در استان خوزستان وجود داشت. اما در شرایط کنونی هر چند روحانی هم مانند احمدی نژاد ستادهای استانی خود را منحل کرده است اما به نظر می رسد سهم خواهان ستادی، تیم او در استان و شهرستان ها را تحت فشارهای بعضاً شدیدی قرار داده اند. دکتر مقتدایی استاندار خوزستان تا کنون از طرق مختلف مانند درج در سایت ها، برخی رسانه های مکتوب و غیرمکتوب، بیانیه ها، پیامک، پیغام و پسغام از سوی برخی از افراد منسوب به ستاد روحانی در خوزستان مورد شدیدترین آماج انتقادات و حملات قرار گرفته و حتی در مواردی استاندار خوزستان تهدید به برکناری کرده اند.

به طوری که وقتی در برخی از آن ها عمیق شوی، نوعی سهم خواهی ستادی و جناحی را در آن ها به وضوح قابل رصد کردن است. شاهد این ادعا گلابیه های استاندار خوزستان در دیدار با جمعی از نخبگان عرب است آنجا که اذعان می دارد: استاندارانی که در دوره

بیباید سهم خواهی را کنار بگذاریم چرا که رییس جمهور منتخب؛ رییس جمهور تمام مردم می باشد و ایشان به گروه یا شخص خاصی تعلق ندارند و نماینده عالی او در استان را در این مسیر ناهموار و سخت توسعه استان بیش از پیش یاری دهیم.

ستادهای انتخاباتی کاندیداها یکی از موارد مهمی هستند که در پیروزی یا شکست کاندیداها اثر گذارند. این مسئله آن قدر مهم است که کاندیداها چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی و چه در انتخابات ریاست جمهوری، همواره به دنبال ایجاد یک ستاد قوی به دبیری یک شخص قوی و تشکیلاتی هستند تا احتمال پیروزی خود را افزایش دهند. اما با همه این ها، ستادهای انتخاباتی یک کاندیدا پس از پیروزی او معمولاً وارد مسیری می شوند که کاندیدای حالا رئیس جمهور می نمایند شده را تحت فشار قرار می دهند. «سهم خواهی ستادی» معمولاً از صبح فردای انتخابات که شمارش آرا تمام شود، آغاز می شود. این مسئله طبیعتاً در انتخابات ریاست جمهوری پررنگ تر است. معمولاً رئیس جمهور در سطح کلان کشوری، به نترات اصلی ستاد خود مسئولیت می دهد که امری طبیعی هم هست. اما هر چه از این سطح کلان به سمت استان ها و شهرستان های بیابیم، «سهم خواهی ستادی» بیشتر می شود تا جایی که حتی برخی مواقع مسئولین ستادهای

شده است. بدیهی است این نوع برخورد، در روحیه این جمع نیروهای ارزشمند ستادی که عموماً از چهره های فرهنگی و فرهیخته و نخبگانی سیاسی با سوابق مختلف اداری و اجرایی بوده، تأثیری بسیار نامطلوب گذاشته و قطعاً استمرار این شیوه، هرگز به خیر و صلاح دولت نبوده و نتایج منفی خود را دیر یا زود نشان خواهد داد.

البته شأن و منزلت این افراد، فراتر از آن است که بابت حضور و حمایت از دولت تدبیر و امید در عرصه انتخابات، سهمی در مناصب دولتی مطالبه نمایند اما از سوی دیگر، دغدغه و دل نگرانی و حساسیت آنها نسبت به سرنوشت این دولت، ادعایی کاملاً بجا و قابل تقدیر بوده که نمی توان آن را نادیده گرفت، بعلاوه نمی توان پذیرفت کسانی که در بحبوحه انتخابات، و با تفکر حزبی و با پیروی از رهبران سیاسی خود با جان و دل از این دولت حمایت کرده و همه سختی ها و ناملایمات را به جان خریدند تا دکتر روحانی پیروز این میدان باشد، امروز در خارج از صحنه نظاره گسر اوضاع بوده و جمعی دیگری را که در باطن هیچ همدلی و همراهی با این دولت ندارند میراث خوار زحمات خویش و این پیروزی بزرگ ببینند.

با این وصف، دکتر روحانی خود در سنوات گذشته طعم تلخ این دردهای ناگفته را چشیده و به عمق این دردها آگاهند و این مطلب نیز صرفاً براساس تکلیف و وظیفه، بر خود لازم دانستیم مراتب ناخرسندی و نگرانی همه فعالین انتخابات را در ستادهای استان، بیان نماییم و امید داریم در فرصت باقیمانده نسبت به دلجویی و جذب مجدد این نیروها به هر شکل ممکن، چاره اندیشی شود تا انشاءالله در عرصه ها و صحنه های مختلف، همچون سربازای فداکار در خدمت دولت بوده و موفقیت آن را تضمین نمایند.

اول هر رییس جمهوری بر سرکار آمده اند بیش از استانداران دیگر در فشار قرار دارند. مقتدایی به مطالبات انباشته گروه ها همسو سیاسی و اعضای ستاد دکتر روحانی در استان خوزستان اشاره کرد و گفت: در این مدت از سوی ستاد انتخاباتی دکتر روحانی در استان تحت بیشترین فشارها و حملات بوده ام. برخی از افراد منسوب به ستاد روحانی شدیدترین حملات و انتقادات را به استاندار رسانه ای کرده اند.

وی ادامه داد: کما اینکه در دوره اول ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی نیز از سوی اعضای ستاد خاتمی در استان بیشترین حملات و فشارها به مهندس خرم استاندار وقت خوزستان وارد شد که در نهایت زمینه ترک وی از استان را فراهم کرد.

این انتقادات از سوی برخی از افراد منسوب به ستاد در حالی است که تاکنون مهندس علی عماد قائم مقام ستاد روحانی در استان به عنوان معاون توسعه مدیریت استاندار خوزستان، محسن اورکی به عنوان مدیرکل انتخابات استاندار، جمال عالمی نیسی مشاور اجرایی استاندار، احمد سیاحی به عنوان معاون عمرانی استانداری خوزستان، حاج منصور قمر به عنوان فرماندار ماهشهر و... از سوی استاندار خوزستان منصوب و مشغول بکار شده اند. البته بدیهی است که انتخاب مدیران استانی و شهرستانی بر اساس سیاست های کلان، رویکرد و مشی دولت برآمده از رای مردم در ۲۴ خرداد ۹۲ باشد. بی تردید استاندار خوزستان نیز بر این نکته واقف است می بایست نیروهایی که همراه و هفکر تفکر دولت تدبیر و امید هستند بکار گیرند. اما نحوه چینش و انتخاب مدیران و فرمانداران از اختیارات بدیهی استاندار خوزستان است. به نظر می رسد در شرایط حساس کنونی استان، این نوع سهم خواهی که احتمالاً در روزهای آینده و همزمان دیگر انتصابات استاندار در خوزستان، افزایش نیز می یابد، می تواند مسیر پیشرفت استان را تحت تأثیر قرار دهد و بدون هیچ فایده ای، توسعه استان را دچار چالش جدی کند. بیابید وام خواهی و سهم خواهی را کنار بگذاریم چرا که رییس جمهور منتخب؛ رییس جمهور تمام مردم می باشد و ایشان به گروه یا شخص خاصی تعلق ندارند و نماینده عالی او در استان را در این مسیر ناهموار و سخت توسعه استان بیش از پیش یاری دهیم.



اهواز

از به کار بردن وسایل برقی غیر اقتصادی

مانند آبگرمکن برقی، سماور برقی و اجاق برق جداً خودداری کنیم.

ما می توانیم از وسایل دیگری با سوخت های جایگزین و ارزان تر استفاده کنیم

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق اهواز

شهروندگرامی



مشاور استاندار خوزستان در گفت و گو با راوی

نقد جای تسویه حساب شخصی نیست

سید رسول موسوی فعال سیاسی و بیسکسوت مطبوعاتی خوزستان ، قبل از آنکه اصلاح طلب باشد بوم زادگرایی شدیدی به مردم و منطقه خود دارد. او هم اکنون مشاور استاندار خوزستان در امور فرهنگ عمومی است. با وی در خصوص عملکرد ۲۵۰ روزه استاندار مقتدایی به گفتگو نشسته ایم.

◇ **نظر شما در مورد عقلانیت و اعتدالی که روحانی شعار انتخاباتی خود را بر آن نهاد چیست؟**

رویکرد دولت یازدهم با شعار عقلانیت، اعتدال، تدبیر و امید شکل گرفته است. عقلانیت بدین معناست که کارها می بایست بر پایه عقل، مشورت و کار کارشناسی و ارزیابی دقیق کلیه مراحل عمل و اجرا انجام پذیرد. اعتدال بدین معناست که در کارها باید صبر و بردباری مد نظر قرار گیرد و از هرگونه شتاب و عجله دوری گزید. البته کج روی یا کندروی نیز باید از این مقوله دور باشد. اعتدال نیز بدین معناست که باید در رفتارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جانب مبیانه روی را

پیشه کرد و بر اساس آن تصمیم گیری شود.

◇ **آیا انتصاب فرمانداران و استانداران از جمله استاندار خوزستان هم بر پایه همین عقلانیت بود**

طبیعتا انتصاب فرمانداران، معاونین و مدیران کل نیز با همین مبنا و قاعده پیگیری شده است. این روش برای اداره استان که به لحاظ سیاسی متلاطم می باشد سیاسی ترین استان کشور نیز می باشد، شیوه مطلوب و پسندیده ای است. فرمانداران علیرغم ارزیابی های دقیقی که صورت گرفت و با توجه به خیل موافقین و مخالفین، از بهترین انسان های با تجربه و کار بلد گزینش شده اند. البته ممکن است در جا نمایی این افراد اشکالاتی وجود داشته باشد که با تذکراتی که به معاون سیاسی اجتماعی استانداری داده شد این موضوع در مسیر اصلاح قرار دارد. هرچند که بحث کارآمدی فرمانداران در خوزستان در قیاس با سایر استان های کشور بطور نسبی مطلوب تر می باشد و می توانم بگویم که میزان تجربه و توانمندی این عزیزان که منصوب شده اند در شرایط خوبی قرار دارد.

◇ **خوزستان با چه چالش هایی مواجه است؟**

خوزستان مشکلات بسیار زیادی دارد. برخی مشکلات پیچیده و برخی دیگر دچار گره کوری شده اند که نیاز جدی به تدبیر و درایت و سیاست دارد. بنابراین اگر مشارکت نخبگان بصورت برنامه ریزی شده در کارها مورد توجه قرار گیرد و از این قشر تاثیرگذار بصورت جدی و عملیاتی استفاده شود، قطعا خواهند توانست گره های کور را بکشایند.

◇ **مقتدایی استاندار، اصلاحات و مقتدایی استاندار دوران اعتدال چه وجه تمایزی دارند؟**

در دوره قبل استانداری دکتر مقتدایی ، کسانی که انتقادات زیادی نسبت به وی داشتند، عملکردش را زیر سوال بردند بلکه چون استاندار به سهم خواهی آنها در استان توجه نداشت، کینه و دشمنی را نسبت ایشان در پیش گرفتند. متاسفانه این افراد با امکاناتی که در دست داشتند توانستند با شیوه و شگردهای ناپسند ، مطبوعات را به صف کشیده و در واقع این مطبوعات بودند که مقتدایی ورژن ۱ را مورد حجه و انتقاد قرار دادند. مقتدایی فعلی با مقتدایی دوره اول بسیار متفاوت است، چراکه هم تجربه شان بیشتر شده و هم شناختش نسبت به استان افزایش یافته است. مقبولیت مقتدایی در حال حاضر در بین اقوام مختلف استان زیانزد است. وی از همه اقشار و اقوام مشاورینی را بکار گرفته و معاونین خود را نیز به همین ترتیب از میان انسان هایی برگزیده است که با فضیلت، دانا، پرکار، پر تجربه و دلسوز مصالح استان و نظام هستند.

◇ **دلیل اعتراض و مخالف برخی از اعضای ستاد دکتر روحانی به استاندار خوزستان را چه می دانید؟**

عناصر اصلی ستاد دکتر روحانی اکنون در بدنه دولت و بدنه استانداری به عنوان معاون، مشاور، مدیرکل و ... قرار دارند. البته برخی افراد نیز برای کارهای دیگر گزینش شده اند که به تدریج در استانداری جذب خواهند شد. این در حالی است که استانداری مطابق با بخشنامه وزارت کشور تنها از افرادی می تواند استفاده کند که استخدام وزارت کشور باشند. بنابراین عدم بکارگیری برخی نیروها بدلیل صدور این بخشنامه می باشد. البته نباید این نکته را فراموش کرد که دکتر مقتدایی اعتقاد راسخ دارند که کلیه نیروهای استان باید بومی بوده و اعتقاد به شعار دولت داشته باشند. استان خوزستان به لحاظ سیاسی متلاطم و بحرانی است، به همین

سبب بسیاری مدیران شاید نتوانند همه توانمندی و هنر خود را نشان دهند. در واقع تا شرایط کارآمدی در استان فراهم نشود این هنر در جریان عمل و اجرا در نخواهد آمد.

◇ **برخی منتقدین استاندار را فاقد برنامه برای استان می دانند نظر شما چیست؟**

استاندار خوزستان با درایت و دقت و اعتماد کامل مسایل مربوط به استان را دنبال می کنند، خوزستان تنها استانی است که برنامه ۵ ساله را مدنظر قرار داده و توسط استاندار و اعضای محترم استانداری به تصویب رسیده و به وزارت کشور نیز اعلام شده است. در حال حاضر نیز استاندار خوزستان بر اساس همین برنامه طرح ها و برنامه ریزی های توسعه شهری و روستایی را پیگیری می کند.

◇ **در خصوص تفویض اختیار استاندار خوزستان به معاونین خود چه نظری دارید؟**

تفویض اختیار به معاونین از کارهای زیننده یک مدیر توانمند و با تجربه است. مدیر بالادست باید به معاونین و مدیران کل خود اعتماد داشته باشد و به آنها میدان کار بدهد، چراکه با این کار معاونین و مدیران کل می توانند میزان کارآمدی خود را نیز نمایان سازند. به عقیده من مسئولیت بدون تفویض اختیار کار مدیران ضعیف و قانون گریز است. دکتر مقتدایی هم برنامه دارد و هم قانون مدار می باشد. او با قدرت مدیریت خود تفویض اختیار را به معاونین و برخی مدیران کل داده است، وقتی مدبری به نیروهای خود اعتماد داشته باشد، دلیلی ندارد که همه کارها را قبضه کند و همه چیز را خود بهمهد بگیرد. این شیوه مدیریت در هیچ کجای دنیا وجود ندارد و نتیجه مطلوبی در پی نخواهد داشت.

◇ **برخی دوران مدیریت مقتدایی را در دوره جدید کوتاه ارزیابی می کنند نظر شما چیست؟**

بحث ماندن و نماندن آقای مقتدایی خیلی مطرح نیست. مقتدایی با میل و رغبت این مسئولیت را نپذیرفت، چراکه مسئولیت استانداری برای او کاری جدید نمی باشد، بلکه پست های در کشور وجود دارد که مطرح هم شده بود، اما اصرار و پشتیبایی برخی دوستان موجب شد تا دکتر مقتدایی احساس مسوولیت بیشتری کند و در قبال استان و مشکلات موجود آن در این شرایط حساس این مسوولیت را پذیرا باشد. با توجه به شناختی که از دکتر مقتدایی دارم وی با سیاست تدبیر و امید و با استفاده از تجربه و بر مبنای عقلانیت کلیه امور را پیگیری خواهد کرد و مطمئنا با این روند نتایج مثمر ثمری برای مردم خوزستان رقم خواهد خورد.

◇ **توصیه شما به منتقدین دولت تدبیر و امید و استاندار خوزستان چیست؟**
میدان نقد همواره باز است، ولی نقد همیشه باید کارشناسی باشد تا تاثیرات خود را نیز در استان بجای بگذارد. در غیر این صورت نقد به تسویه حساب تبدیل می شود، این تصفیه حساب ها هیچ جایگاهی میان مردم و مسوولین نخواهد داشت.بختی که با دکتر مقتدایی در ابتدای راه داشتیم، موضوع خرمشهر و آبادان بود. به زعم خیلی ها چون آقای مقتدایی فرزند آبادان محسوب می شود، در این دوره وی به آبادان نگاه ویژه خواهد داشت. بنظر من هیچ کدام از مردم استان مخالف این نیستند که با پیشرفت و آبادانی خرمشهر و آبادان مخالف باشند. آبادان و خرمشهر در دوران جنگ متحمل حمله های شدید بعثی های عراق قرار گرفتند، به همین علت اعتقاد راسخ دارم که مردم استان با در اولویت قرار دادن این دو شهرستان هیچ گونه مخالفتی نخواهند داشت.

متر جا مانده مقتدایی در هرمزگان

مردی که تبار خوزستانی خود را در فرودگاه جا گذاشت

همه نیز محکوم بوده اند که کارکردشان با عملکرد وی سنجیده شود. عنوان موفق ترین استاندار پس از انقلاب هرمزگان لقبی نبود که به سادگی برای مقتدایی به دست آید و بی تردید تمام این افتخارات و خوشنامی مدیون تلاش انسانی است که وقتی وارد هرمزگان شد تبار خوزستانی خود را در فرودگاه بندرعباس جا گذاشت و رخت بندری پوشید و در دوره مدیریتش حداقل برای خود مدیریت پروازی را منسوخ کرد.

مدیریت مقتدایی و سلوک شخصی اش در هرمزگان به گونه ای بود که بسیاری پس از رفتنش نیز همچنان رد پایش را دنبال کردند و من نیز به عنوان یک روزنامه نگار خود را یکی از همین افراد می دانم.وقتی پس از تمام این سالها در بیانیه اش برای اعلام حمایتش از دکتر روحانی خواندم "انقلاب هزینه ای است که یک نسل بابت تعلل، سستی، راحت طلبی، ترس، سازش، جاه طلبی و عدم عمل به تعهدات فردی و اجتماعی نسل های قبل از خود می پردازد." دیدم که به راحتی می توانم شهادت بدهم که او خود بهترین عامل به مانیفستش بوده و بی هیچ تردیدی می توان او را از نادر عالمان با عمل این روزگار دانست .

مقتدایی در ادامه این بیانیه اشاره کرده بود که : " این هزینه ها شباهت به وام و قرضی دارد که نسل های قبل دریافت داشته و در مسیر بدخرجی، ولخرجی و بی تدبیری خود مصرف نموده اند و این نسل انقلابی و نسل های بعد از آن است که بایستی اصل و فرع و دیرکرد این وام را بپردازد." و او خود از کسانی بود که نه تنها سهم خود را به هرمزگان ادا کرد بلکه بخش زیادی از اصل و سود و جریمه کم کاری های گذشتگان در این استان را نیز بر عهده گرفت و پرداخت کرد. مجموع این شرایط موجب شد تا گزاره ای که مردم هرمزگان را خوش استقبال و بد بدرقه معرفی می کرد دربار مقتدایی معکوس شود و این مرد که تقریبا غریب گونه پای به استان گذاشته بود هنگام رفتنش حسرت و آرزوی بزرگ مردم برای بازگشتش بدرقه راهش شود....

در مهمانسرای اداره اوقاف خورد ، شناخت چندانی از او وجود نداشت و صدالبته کسی چندان خوشبین نبود که او بتواند از بین سیاسیون پرمدعای هرمزگان یارگیری کند. اما وی از همان روزهای ابتدایی و نخستین نشست هایی که در استانداری برگزار شد نشان داد هرچند یک عنصر و فعال سیاسی است اما برای کار سیاسی و پدرت از آن برای سیاسی کاری به این استان نیامده و اقدامات عمرانی و اجرایی را بر هر امر دیگری مقدم می داند.با وجود اولویت کار اجرایی برای مقتدایی، گروه های سیاسی موجود در استان نیز از چپ های هم طیف استاندار گرفته تا اقتدارگرایان راست دورافتاده از قدرت، تابلوی ورود ممنوع بر راهروهای استانداری ندیدند و در بسیاری از بزنگاه های سیاسی استان در کنار هم نشستند و به جای تبدیل شدن به سرباز پیاده نظام شطرنج بازان قدرت در پایتخت ،با راهبری مقتدایی اسب توسعه استان را زمین می کردند.با این نگاه و رویکرد،طولی نکشید که اصطلاح کارگاه سازندگی برپیشانی استان نشست و طبیعی بود که در چنین وضعیتی روزانه چندین جلسه و کارگروه تخصصی تشکیل شود و در تمام این نشست ها آنچه بیش از همه خودنمایی می کرد اقتدار مقتدایی بود که بهره گیری از خرد جمعی نیز پای ثابت آن بود.

حاضران و شاهدان این نشست ها برای اولین و شاید آخرین بار می دیدند که آمارسازی و گزارش های صوری مدیران راه به جایی نمی برد و کلی گویی و حرف های شعاری و کلیشه ای مانند "حل این موضوع به عزم ملی نیاز دارد" در ادبیات مدیرعالی استان جایی ندارد و هرچه هست پیدا کردن راهکار اجرایی است.موفقیت در چشم جذبات اعتبارات ملی برای طرح های عمرانی استان از یکسو و پیگیری و حضور مداوم و عملیاتی در پای پروژه ها از سوی دیگر موجب شد رفته رفته چهره استان و به ویژه شهر بندرعباس دگرگون شده و مسیری در توسعه استان گشوده شود که استانداران بعدی نیز با وجود تفاوت های بنیادی و حتی داشتن اولویت هایی متفاوت ،چاره ای جز ادامه مسیر مقتدایی نداشتند و



هومن محمد کرمی

سرپرست راوی ملت در هرمزگان

ترجیح می دهم برخلاف رسم مرسوم به جای مقدمه چینی و پس از آن نتیجه گیری ،همین ابتدای کار اصل مطلب را گفته و جان کلام را بازگو کنم که مقتدایی به عنوان استاندار هرمزگان در دوران اصلاحات پس از رفتنش از این استان، متری را در این خطه ی جنوبی به جای گذاشت و حالا به عباری برای سنجش توانایی تمام استانداران بومی و غیربومی هرمزگان تبدیل شده است. کافییست تنها چند صباحی در استان های جنوبی و به ویژه هرمزگان که لفظ "سرحدی" هنوز از سرزبانها نیفتاده زندگی کرده باشید تا بدانید تبدیل شدن به معیار و محک در استانی که حساسیت های بومی گرایي در آن گاه پهلو به گرایشات ناسیونالیستی می زند چه اهمیتی دارد. اما راز موفقیت و محبوبیت مقتدایی چه بود که هرمزگان تفتیده هنوز در تب داشتن استانداری چون او می سوزد و برای آمدنش سر و دست می شکند و اگر همین لحظه قرار بر معرفی گزینه ای برای این سمت باشد ،به انتخاب اول همه گروه ها و طیف های سیاسی تبدیل می شود؟ پرداختن به این موضوع ، همان بررسی عملکرد وی خواهد بود که در این مقال ،مجال چندانی برای پرداختن به آن نیست و شاید در این فرصت چند سطری تنها بتوان به بخشی از روش و منش یکی از نمایندگان عالی دولت در عصر اصلاحات اشاره کرد. زمانی که مقتدایی به بندرعباس رسید و اولین نهار خود را نه در ساختمان استانداری بلکه

با وجود صنایع بیشمار آلوده کننده در اهواز ، محیط زیست تمام کاسه کوزه های آلاینده گی را بر سر کارخانه الکل سازی شکاند



آخه زورمون به
آلوده کننده کنندگان
اصلی دیگه نمی رسه

چرا با این همه آلاینده گی فقط
گیر دادی به کارخونه الکل!؟

آخرش نفهمیدم
بارونای اسیدی چی شد

بارون رو بی خیال
فاضلاب رو بچسب

کلینیک تخصصی سینا

- طرف قرارداد با تمام بیمه ها ، استفاده از دفترچه ، فضای کاملا بهداشتی
- استفاده از کادر مجرب تخصصی و پرستاری
- با تعرفه مصوب ، تخفیف ویژه جهت سازمان های حمایتی (کمیته امداد ، بهزیستی ، تامین اجتماعی ، خانواده های معظم شهدا ، جانبازان ، ایثارگران و آزادگان)
- پارکینگ خصوصی
- ین مرکز به صورت ۲۴ ساعته آماده پاسخگویی به شهروندان می باشد

ایذه - میدان امام علی ابتدای
خیابان طالقانی ، خیابان تیرداد صاحب
- جنب درمانگاه امام صادق سپاه کیلینیک
تخصصی سینا



کلینیک تخصصی سینا دارای بخش هایی چون:

- جراحی عمومی - اورتوپدی - چشم پزشکی - گوش ، حلق ، بینی (ENT)
- اعمال زیبایی و لیزر درمانی ، اعمال جراحی شکم ، لگن ، کلیه ها و کیسه صفرا به روش لاپاروسکوپی
- جراحی زانو ، مفاصل به روش آرتروسکوپی
- برای اولین بار اعمال جراحی به روش لاپاراسکوپی در شهرستان
- برداشتن کیست کلیه ، کیسه صفرا و ... در این مرکز به روش لاپاراسکوپی انجام می شود.
- مجهز به دستگاههای تشخیصی و جراحی پیشرفته چشم پزشکی.
- کلینیک سینا مجهز به تمامی امکانات پیشرفته پزشکی مطابق با استانداردهای جهانی



در حاشیه برخورد محیط زیست با کارخانه الکل سازی اهواز

چرا با صنایع آلوده کننده بزرگ برخورد نمی شود؟

الکل سازی رازی در سال، ۳۰ تا ۳۲ میلیون لیتر ظرفیت دارد اما ویناسی که تولید می‌کند، حجم بسیاری است و با توجه به این که کارخانه فاقد سیستم تصفیه است جمع‌آوری ویناس در حوضچه‌ها صورت می‌گیرد که همین حوضچه‌ها عامل انتشار بوی بد در سطح شهر هستند. ۴۰ هکتار وسعت حوضچه‌ها است که ۶۰۰ هزار مترمکعب ویناس در آنها جمع شده و کارخانه در شبانه‌روز ۱۰۰ مترمکعب تولید فاضلاب دارد. با این شرایط، عامل اصلی انتشار بوی بد در اهواز همین کارخانه الکل سازی است.

وی بیان کرد: اقداماتی که در محیط زیست در این زمینه انجام داد، اقدامات کارشناسی و تحقیقاتی بوده که پس از حصول نتیجه قطعی، اقدام قضایی در این زمینه صورت گرفت. علیه این شرکت در دادگاه شکایت کردیم و دادگاه نیز پس از بررسی‌ها، مدیریت

گرچه باید تشکیل این نوع جلسات را در استان به فال نیک گرفت، اما مردم

و رسانه ها انتظار دارند تا مواردی بسیار با اهمیت تر و فراگیرتر نیز، مانند بحث آلایندگی صنایع نفتی و پتروشیمی، انتقال

آب رودخانه کارون، ورود آلاینده های صنعتی و شهری به رودخانه کارون و ... نیز جلساتی برگزار شود تا شائبه نمایشی و

تبلیغاتی بودن این نوع جلسات از بین برود.

این باره به نتیجه رسید. یک سالی است که شکایت‌هایی از سوی عموم مردم در سطح اهواز به دلیل انتشار بوی بد به محیط زیست ارایه شده است. همچنین اکنون با آغاز فصل گرما تعداد موارد انتشار این بو نامطبوع افزایش یافته است. همچنین در ۶ ماهه اول سال گذشته نیز تعداد شکایت‌ها از این بابت افزایش پیدا کرد. میزان دفعات انتشار این بو به حدی رسیده که از دفتر امام جمعه اهواز، استانداری و حتی معاون دادستان اهواز پیگیری‌هایی صورت گرفت و درخواست شد که عامل انتشار این بو شناسایی و با آن برخورد شود. مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان عنوان کرد: برای بررسی موضوع، ۴ تیم تشکیل شدند و در محورهای مختلف به فاصله ۳۰ تا ۴۰ کیلومتری از هم به بررسی موارد پرداختند. در این بررسی‌ها مکان‌های دفن زباله، فعالیت‌های نفتی و سایر موارد مورد ارزیابی قرار گرفت. ۲ کانون به عنوان عامل شناسایی شدند که یکی از این کانون‌ها محل قدیمی دفن زباله در منطقه برومی است. برای بررسی موضوع جلسه‌ای تشکیل شد که شهرداری فعلیتی در جهت رفع این موضوع انجام داد. بر اساس جهت بادی که اطلاعات آن را از هواشناسی دریافت کردیم نهایتاً به بحث اصلی کانون عامل انتشار این بو رسیدیم که کارخانه الکل‌سازی رازی بود؛ این کارخانه، تولیدکننده خمیرمایه و الکل است. "ویناس" ماده‌ای بسیار بدبو است که به عنوان پسماند تولیدات کارخانه بر جای می‌ماند و وارد حوضچه‌هایی می‌شود که برای جمع‌آوری این ماده در نظر گرفته شده است.

وی ادامه داد: البته به جز این کارخانه، ۲ کارخانه دیگر الکل‌سازی در شهرک صنعتی خرمشهر در مقیاس کوچک‌تر و فعالیت کمتر فعالیت می‌کنند اما آلودگی و انتشار بوی بد را به همان میزان دارند. مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان گفت: کارخانه

اخذ مجوزهای زیست محیطی کار نکند. براساس اعلام محیط زیست، این بوی بد که مردم را دچار مشکل کرده، مربوط به کارخانه الکل‌سازی رازی است. بنابراین این کارخانه تا دوشنبه فرصت دارد برنامه زمان‌بندی به همراه اقدامات مورد نظر خود برای حل مشکل را ارایه دهد و تا ۱۵ روز آینده نیز باید مشکل را حل کند، در غیر این صورت این کارخانه تعطیل خواهد شد.

در بوجود آمدن این مشکل در شهر اهواز و نوع برخورد مسئولین و مردم مواردی وجود دارد که پرداختن به آن خالی از فایده نیست:

۱- مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان صراحتاً اعلام می‌دارد که به دلیل افزایش شکایت های مردمی و مراجعه مردم به دفتر امام جمعه، استاندار، دادستان و ... اقدام به پیگیری و بررسی قضیه نموده اند، به نحوی که از سخن این مقام مسئول این برداشت می‌شود که گویا علت پیگیری شکایت مردم بوده است نه وظیفه ذاتی آن سازمان. چه که موارد متعددی از تعدی به محیط زیست در استان وجود دارد و به علت اینکه مردم، مضرات و آزار آن را با حواس پنجگانه! حس نمی‌کنند و بنابراین گلایه چندانی نمی‌کنند، این اداره کل و مجموعه تحت مدیریتش موضع صریحی درباره آنها اتخاذ نکرده است... در این باره باید به این مقام مسئول و سایر مسئولین اظهار داشت که اگر این نوع روش حل مسئله در استان فراگیر شود و مردم احساس کنند که برای حل مشکلات به مقامات بالاتر مراجعه نمایند و یا تجمع و دیگر نوع اعتراضات روی بیاورند علاوه بر عواقب و حواشی که ممکن است در پی داشته باشد، فلسفه وجودی سازمانی مانند شما هم زیر سؤال خواهد رفت.

۲- مسئله دیگر نوع برخورد معاون عمرانی استاندار خوزستان با این مشکل است – که شاید نتوان نمونه دیگری از این نوع اظهارات از این ایشان سراغ گرفت- است. ایجاد مشکلات زیست محیطی از سوی بخشی از مجموعه بزرگی مانند مجموعه شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی گرچه پذیرفته شده نیست اما حل این مشکل هم راه حل خود را دارد.

اگر راه دوری نرویم در برخی استانها جلسات متعددی از سوی مسئولین ارشد برگزار می‌شود که چگونه با فراهم کردن بسترهای لازم از جمله اخذ تسهیلات ارزان قیمت برای سرمایه گذاران راه را برای ورود آنها باز کنند، اما چگونه است که هنگامی که مدیر یک شرکت صنعتی دواطلبانه برای حل یک مشکل زیست محیطی و در کنار آن اشتغالزایی، درخواست کمک برای دریافت تسهیلات می‌نماید با پاسخ «دریافت تسهیلات آنها به ما مربوط نیست» مواجه می‌شود که از قضا کمک به دریافت تسهیلات برای این طرح شاید با ربط ترین دلیل ورود آن معاونت به این قضیه باشد.

۳- گرچه باید تشکیل این نوع جلسات را در استان به فال نیک گرفت، اما مردم و رسانه ها انتظار دارند تا مواردی بسیار با اهمیت تر و فراگیرتر نیز، مانند بحث آلایندگی صنایع نفتی و پتروشیمی، انتقال آب رودخانه کارون، ورود آلاینده های صنعتی و شهری به رودخانه کارون و ... نیز جلساتی برگزار شود تا شائبه نمایشی و تبلیغاتی بودن این نوع جلسات از بین برود.

آیا راه حل سومی نیست؟

گفتمان محیط زیست گرا در برابر گفتمان توسعه گرا

نسبی استان که در نتیجه آن رونق سرمایه گذاری مولد اشتغال پایدار را به ارمغان خواهد آورد بدیهی است با اتخاذ رویکردی پرخاشگرایانه و عداوت آمیز نسبت به طرح های مهم اقتصادی استان فقط احساس عدم امنیت را به خوزستان تزریق می‌کنیم.

در حالی که به همت مقامات امنیتی لشکرکی و کشوری و سربازان گمنام، امنیت قابل توجهی برای استان فراهم شده است که زمینه بلوغ صنعت و کشاورزی استان را فراهم می‌کند. بیاییم با ایجاد فضای نقادانه اما متکی بر عقلانیت و مسئولیت این فضا را متشنج نکنیم تا سرمایه گذاران رغبت آن را پیدا کنند و به توسعه استان بیش از گذشته همت

◇◇◇◇◇ بیاییم با ایجاد فضای نقادانه اما متکی

بر عقلانیت و مسئولیت این فضا را متشنج نکنیم تا سرمایه گذاران رغبت آن را پیدا کنند و به توسعه استان بیش از گذشته همت گمارند.

فضای اقتصادی و تولید به آرامش نیاز دارد ◇◇◇◇◇

گمارند. نگاهی به رفتار مسئولین سایر استان ها با صنایع بزرگشان که دارای مشکلات مشابهی هستند این درس را به ما می‌دهد فضای اقتصادی و تولید به آرامش نیاز دارد که متأسفانه این در خوزستان این آرامش کمتر جدی گرفته می‌شود.

اند پتانسیل های خود را آشکار کنند از سوی دیگر این مزیت های نسبی و صنایع بزرگ استان به نوعی درگیر پیامد های توسعه هستند ممکن است در بخش هایی چرخه محیط زیستی را دستخوش تغییر کرده باشند و این امری غیر طبیعی نیست. توسعه در همه جای جهان پیامد دارد و گریزی از پیامدهای توسعه نیست پس نباید محیط زیست همچون شمشیری بر گردن صنعت و توسعه استان فرود بیاید و هیچ ذهن آگاهی حاضر نیست مزیت های نسبی استان خوزستان را قربانی محیط زیست کند گرچه حفظ حیات زیست از اهم واجبات برای هر انسانی است اما نباید فراموش کرد که معیشت استان نیز برای حیات استان امری لازم و حتی ضروری است.

فضای ایجاد شده در استان خوزستان برخلاف سایر مناطق کشور که با مشکلات مشابه ای دست به گریبان هستند باعث شده صنایع بزرگ استان بجای اینکه جاذب سرمایه گذار باشند سرمایه گذار را فراری می‌دهند چرا که به نظر می‌رسد عقلانیتی مسئولانه وجود ندارد که تعاملی سازنده بین گفتمان محیط زیست گرا و توسعه گرا بوجود آورد. به نظر می‌رسد راه حل سومی وجود دارد و آن این است که درک کنیم توسعه در هیچ جای جهان بدون پیامد وجود ندارد اما شیوه برخورد ما با این پیامد بسیار مهم است. شرط اول این است که ما ابتدا این پیامدها را به دقت و درستی بشناسیم و با عقلانی کردن آنها راه کنترل آنها را پیدا کنیم.

تنها در این نگرش است که گفتمان محیط زیست گرای ملازم توسعه خواهد شد و بدون شک دستاورد این نگرش هم حفظ محیط زیست خواهد بود و هم حفظ مزیت های



سعيد رازقی

خبرنگار

شاید شما هم با این جمله موافق باشید که استان خوزستان امروزه استانی نخبه گریز و سرمایه گریز است و اغلب برآیند نیروهای موجود در آن به خارج از استان تمایل دارند. متأسفانه خوزستان نتوانسته در طول سالیان بعد از جنگ به کانونی جهت جذب سرمایه های دردسترس تبدیل گردد. پرسش این است که چرا با وجود مزیت های نسبی در این استان زنجیره های صنایع وابسته و پائین دستی اغلب اِتر و نا کارآمد رها شدند و صنایع پائین دستی مرتبط با این مزیت های بزرگ موجود در استان آنچنان که شاید و باید، شکل پیدا نکرده اند.

و چرا سرمایه گذاری در سطح صنایع مهم استان خوزستان زنجیره خود را نمی‌تواند کامل کند. مزیت هایی همچون کشاورزی بی‌بدیل، صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و صنعت نیشکر و صنایع جانبی و فولاد در کنار وجود شاه-راه های تجاری و سایر راه های مواصلاتی و هم مرزی با بازارهای خوب منطقه ای که شایسته است متأسفانه نتوانسته

رویکرد استاندارد خوزستان بسیار مثبت است

باشد. وی با تایید موضوع سوزاندن مزارع نیشکر که اجتناب ناپذیر است افزود: میزان آلاینده های ناشی از برداشت غیر سبز بسیار کمتر از میزان اکسیژن تولیدی است و با هر کسی که مدعی آلاینده بودن شرکت است حاضر به مناظره ایم چرا که این اظهار نظرها همراه با دانش کافی نیست و این قضاوت های ناعادلانه است که باعث می شود روزانه چند نفر از مدیران شرکت های تابع به دادگاه احضار شوند.

صادقی تاکید کرد: آیا چاه های نفت موجود در خوزستان آلاینده نیستند و گاز آلوده ندارند، صنایع فولاد خوزستان مگر آلودگی ایجاد نمی کند، فقط ما هستیم که آلاینده ایم؟ وی افزود: این شرکت هرگز معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست را زیر پا نگذاشته است.

صادقی همچنین با انتقاد از قضاوت های نابجا و غیر فنی در خصوص فعالیت های شرکت گفت: برای سرمایه گذاری های خود در استان خوزستان دچار تردید شده ایم و این که می گویند شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی موجب آلودگی است و زهاب وارد کارون می کند و محیط زیست خوزستان را دچار اختلال کرده به هیچ وجه صحیح نیست، وی به سرمنشاء خروجی زه آب نیشکر اشاره و یادآوری کرد: زه آب دهخدا وارد طلائییه، زه آب واحدهای امیر کبیر و میرزا کوچک خان وارد شلمچه و از آنجا به دستور شورای عالی امنیت ملی وارد مرز ایران با عراق می شود و واحدهای شرق کارون مانند سلمان فارسی، دعبل خراعی و فارابی هم زه آب خود را وارد تالاب شادگان و خوریات خلیج فارس کرده و باعث احیای مجدد تالاب شده اند.

صادقی گفت: هر کس و هر نهادی از جمله سازمان محیط زیست اگر مدعی است زه آب نیشکر آلاینده است و ورود آن به تالاب شادگان باعث ایجاد اختلال می شود حاضریم این زه آب را قطع کنیم که سرانجام پس از شش ماه تالاب خشک خواهد شد.

وی افزود: حاضریم این ادعا را ثابت کنیم که در آلودگی کارون هیچ گونه نقشی نداریم؛ سالانه نیم میلیارد ریال جایزه از سوی نهادهای بین المللی ناظر بر حفظ محیط

طول چند سال گذشته تولید ما سه برابر شده و اکنون به تنهایی به اندازه تمامی تولید کنندگان چغندری کشور تولید داشته و ۴۰ درصد شکر کشور را نیز تولید می کنیم و امیدواریم سال دیگر به تولید بالای پانصد هزار تا پانصد و پنجاه هزار تن برسیم، در حال حاضر با توجه تمام شدن برداشت نیشکر هیچ سوزاندنی در کار نیست هرگونه مطلبی در این خصوص مردود بوده و ناشی از بی اطلاعی نسبت به صنعت نیشکر است. وی ادامه داد: اقدامات جبرانی توسعه نیشکر در خصوص تولید سالانه ۷۸۶ هزار تن اکسیژن و جذب بیش از یک میلیون تن CO2 توسط مزارع نیشکر در بحث های زیست

حاضریم این ادعا را ثابت کنیم که در آلودگی کارون هیچ گونه

نقشی نداریم؛ سالانه نیم میلیارد ریال جایزه از سوی نهادهای بین المللی ناظر بر حفظ محیط زیست به دلیل ایجاد هوای پاک به واحدهای توسعه نیشکر پرداخت می شود و در صورتی که مسولان سازمان محیط زیست با احیای تالاب هورالعظیم با زهاب نیشکر موافقت کنند حاضر به انتقال این زه آب به منظور تحقق این امر هستیم. مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی گفت: تمام مسولان واحدهای تابع شرکت را موظف کرده ایم تا تمهیدات لازم برای جلوگیری از ورود فاضلاب های صنعتی به زه کش ها را اندیشیده و اقدام به تصفیه آن کنند.

محیطی کمتر دیده شده است. صادقی گفت کار من سیاسی نیست کار من تولید است، من از گفتگوهای چالشی استقبال می کنیم، من از سال ۱۳۷۷ در نیشکر در جایگاهی محتلی بوده ام و تلاشم در راستای تولید است.

مهندس صادقی خواستار آن شد که تیمی متشکل از کارشناسان خبره با حضور رسانه ها و صداوسیما تشکیل شود. و تمام ورودیهای کارون را بررسی و مستندسازی کنند و در این زمینه توسعه نیشکر هزینه های لازم را پرداخت می کند. تمامی کسانی که در حوزه محیط زیست اظهار نظر می کنند در این زمینه ساحل نظر نیستند ما فقط به گفته های مسئولانه، علمی و منطقی توجه می کنیم و گفته های غیر کارشناسانه و غیرمسئولانه را جدی نمی گیریم، در زمینه تولید MDF متاسفانه به دلیل واردات زیاد با مشکل فروش روبرو بوده ایم، در این زمینه کمتر به تولید داخل توجه شده است در حالی که MDF تولیدی ما از کیفیت خوبی برخوردار است. مدیریت توسعه نیشکر همواره باید قدرت چانه زنی در عرصه ملی برای سرمایه گذاری جدید را در دستور کار داشته باشد، تمامی واحدهای نیشکری مدیرعامل بومی و مقیم خوزستان دارند که مرتباً مورد نظارت مدیریت شرکت قرار می گیرند.

وی این میزان تولید را قابل توجه خواند و یادآوری کرد: این تولید در حالی به دست آمده که بین ۲۰۰ تا ۳۴۰ میلی متر بارندگی در واحدها داشتیم که همین بارندگی ها در هر نوبت باعث تاخیر ۱۵ روزه در عملیات برداشت می شد. صادقی گفت: از این میزان برداشت ۴۵۲ هزار تن شکر خام به دست آمده که از آن نیز ۴۰۶ هزار تن شکر سفید تاکنون استحصال

شده است. مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی سال زراعی آتی را سال مناسبی در برداشت و استحصال شکر برای شرکت دانست و گفت: برداشت نیشکر به میزان پنج میلیون و ۴۰۰ هزار تن و تولید ۵۰۰ هزار تن شکر خام بر اساس برآورد اولیه برای سال زراعی ۹۳ - ۹۴ پیش بینی می شود.

وی همچنین از تولید ۳۲ میلیون لیتر الکل طبی، شش هزار و ۹۰۰ تن خمیر مایه، ۶۱ هزار متر مکعب ام، دی، اف و ۳۴ هزار تن خوراک دام در سال زراعی جاری که تا دو ماه آینده به اتمام می رسد خبر داد.

صادقی با اشاره به تولید یک میلیون تن شکر خام در کشور گفت: میزان تولید شکر خام در واحدهای هفت گانه شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی با احتساب واحدهای هفت تپه و کارون ۵۰ هزار تن بوده که بیش از ۶۰ درصد تولید مجموع کشور را شامل می شود. مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی با رد تمام اتهام های وارده مبنی بر آلاینده بودن این شرکت گفت: مجموع مزارع نیشکر جهان حدود ۲۵ میلیون هکتار است که از این مزارع تنها ۲۰ درصد به صورت سبز برداشت و بقیه سوزانده می شود و اتهام ها در حالی به شرکت وارد می شود که حتی در پیشرفته ترین کشورهای جهان هم برداشت نیشکر به صورت تمام سبز صورت نمی گیرد.

صادقی یادآوری کرد: سالانه ۷۴۰ تا ۸۰۰ هزار تن اکسیژن در واحدهای تابع شرکت تولید می شود و انتظار می رود که برخورد مسولان نسبت به میزان آلاینده ها مسولانه

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی از دستیابی به بالاترین رکورد تولید نیشکر در اراضی زیر کشت این شرکت در طول ۲۵ سال فعالیت خود خبر داد. نسیم صادقی با اشاره به تولید چهار میلیون و ۷۲۵ هزار تن نیشکر در سال زراعی ۹۲ - ۹۳



اظهار کرد: این رقم ۱۱۶ هزار تن بیش از رقم پیش بینی شده است.

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی بیان داشت: در زمینه تولید شکر خوشبختانه در طول چند سال گذشته تولید ما سه برابر شده و اکنون به تنهایی به اندازه تمامی تولید کنندگان چغندری کشور تولید داشته و ۴۰ درصد شکر کشور را نیز تولید می کنیم و امیدواریم سال دیگر به تولید بالای پانصد هزار تا پانصد و پنجاه هزار تن برسیم. صادقی ادامه داد: از مهمترین برنامه های ما در سال آینده تولید بیش از پانص تا پانصد و پنجاه هزار تن نیشکر، تولید شکر طعم دار است که مجوز صادرات آن را دریافت کرده ایم اما در مورد مجوز داخلی آن هنوز موفق نشده ایم. برنامه دیگر تولید هفت هزار تن شکر قهوه ای در واحد میرزا کوچک خان است و همچنین برنامه تولید شکر دارویی در واحد فارابی هست و همچنین ایجاد یک واحد تولید الکل سوختی در واحد امیر کبیر و برنامه های دیگری که بزودی اعلام می شود.

این مقام مسئول یادآور شد: مجموعه مراودات مالی شرکت چه در بخش کمک های بلاعوض چه در بخش اجاره تجهیزات و همچنین در خصوص پیمانکاران محلی با بیش از ۱۷۰ روستا های همجوار شرکت در سال گذشته بیش از ۶۷ میلیارد تومان است. سعی کردیم به مساجد و مدارس این روستاها نیز در حد توان خود کمک کنیم.

وی ادامه داد: ما در نشست مشترکی که با استاندار محترم جناب آقای دکتر مقتدایی داشتیم بحث های خوبی صورت گرفت و من رویکرد ایشان را بسیار مثبت دیدم و خوشبختانه از زمانی که ایشان آمدند دید مثبتی به توسعه در کل استان داشته اند و بنا است در فرصتی مقتضی، با ایشان در جلسه مشترکی، مسائلی را بررسی کنیم و همچنین نشست مشترکی با حضرت آیت الله جزایری داشتیم و گزارشی ارائه کردیم و ایشان از تحولات صورت گرفته ابراز رضایت کردند. وی میزان اشتغال توسعه نیشکر را هفده هزار نفر اعلام کرد که کمتر از یک درصد آنها غیربومی هستند.

صادقی خاطر نشان کرد: ما هرگز علاقمند نیستیم مردم اهواز و روستاهای همجوار را دچار نگرانی کنیم، در این زمینه هر کاری لازم باشد برای رفع نگرانی انجام می دهیم، ما برای حفظ محیط زیست از هیچ کوششی دریغ نمی کنیم.

وی اضافه کرد: در زمینه سوزاندن نیشکر در حال حاضر در وضعیت ناچاری، بخشی از نیشکر را می سوزانیم این روندی است که در پیشرفته ترین کشورهای دنیا هم وجود دارد فیلم های که هم اکنون می ببیند مربوط با سال ۲۰۱۴ است و تایید کننده این نکته است اما در حال حاضر تکنولوژی برای آن در جهان وجود ندارد و حتی کشور برزیل که از کشورهای مهم نیشکری جهان است تا سال ۲۰۲۰ زمان خواسته که برداشت سبز را به طور کامل محقق کند.

صادقی ادامه داد: اگر محیط زیست به این نتیجه برسند که زه آب نیشکر تالاب شادگان را آلوده می کند ما آمادگی داریم در کمترین زمان ممکن زه آب را از تالاب بر داریم، که در آن صورت به گمان کارشناسان خشک شدن تالاب، قریب الوقع خواهد بود.

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی ادامه داد: در برخورد های محیط زیستی نگاه تبعیض آمیز وجود دارد بعضی صنایع را رها کرده اند و تیغ بر گلو می صنعت دیگری گذاشته اند در حالی که ما به تعهدات خود تا حدودی که نگاه علمی اجازه می دهد وفاداریم.

وی ادامه داد: ما از واحد دهخدا در شمال خوزستان تا تمامی واحدهای جنوبمان حتی یک قطره زه آب وارد کارون نمی کنیم و حاضریم با هر کسی که در این زمینه مدعی است و معتقد است که ما کارون را آلوده می کنیم مناظره کنیم.

مدیرعامل توسعه نیشکر و صنایع جانبی یادآور شد: در زمینه تولید شکر خوشبختانه در



در نشست مشترکی که با استاندار محترم

جناب آقای دکتر مقتدایی داشتیم بحث

های خوبی صورت گرفت و من رویکرد

ایشان را بسیار مثبت دیدم و خوشبختانه از

زمانی که ایشان آمدند دید مثبتی به توسعه

در کل استان داشته اند و بنا است در

فرصتی مقتضی، با ایشان در جلسه مشترکی،

مسائلی را بررسی کنیم



زیست به دلیل ایجاد هوای پاک به واحدهای توسعه نیشکر پرداخت می شود و در صورتی که مسولان سازمان محیط زیست با احیای تالاب هورالعظیم با زهاب نیشکر موافقت کنند حاضر به انتقال این زه آب به منظور تحقق این امر هستیم. مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی گفت: تمام مسولان واحدهای تابع شرکت را موظف کرده ایم تا تمهیدات لازم برای جلوگیری از ورود فاضلاب های صنعتی به زه کش ها را اندیشیده و اقدام به تصفیه آن کنند. صادقی افزود: تمام تلاش خود را برای سرمایه گذاری در حوزه محیط زیست به کار گرفته ایم و خوشحالیم که در این زمینه دروغ نمی گوئیم اما نگرانیم که دروغ می شنویم. وی تاکید کرد: مدعیان آلاینده بودن شرکت که به دنبال تعطیلی واحدهای تابع آن هستند اگر حاضرند تبعات تلخ این تعطیلی را بپذیرند ما آمادگی این کار را داریم. مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی از خوزستان به عنوان استانی ثروتمند اما فقیر یاد کرد و گفت: آنچه در خوزستان ما را خوشحال می کند یک اشتغال بیشتر است؛ چند سال است که به دنبال احیای ۱۴ هزار هکتار اراضی جدید برای توسعه سطح زیر کشت نیشکر هستیم اما مسولان با برخوردهای نامسئولانه و غیر منطقی خود حتی ما را در سرمایه گذاری های آتی دچار تردید کرده اند.

وی یادآوری کرد: در زمان حاضر ۱۷ هزار نفر در واحدهای تابع شرکت شاغل هستند که از این تعداد، تنها کمتر از یکصد نفر نیروی غیر بومی است.

چاپخانه فرهنگ

اولین چاپخانه مجهز به ماشین آلات

چاپ روال و شیت در خوزستان

چاپ انواع روزنامه و مجله، اوراق اداری و
تجاری، کاتالوگ بروشور، سربرگ، نیازمندی ها
و آگهی نامه های تبلیغاتی، تراکت و ...

0611 - 2299313

09167824264

